

ناشران به دنبال تشکیل اتحادیه

۱۵



با معرفی آثار شایسته تقدیر صورت گرفت

بازتاب‌های گسترده جایزه جلال

۱۱

معاون مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد از تعامل کتاب و رسانه می‌گوید

ایستگاه‌های مشترک کتاب و مطبوعات

هفته کتاب و نمایشگاه مطبوعات را در حالی پشت سر گذاشتیم که صدای گام‌های مشترک کتاب و مطبوعات از ورای صفحات این دو کالای فرهنگی به گوش می‌رسد. امروز کمتر روزنامه‌ای را سراغ داریم که صفحه‌ای را به کتاب، مولف و منتقد آن اختصاص ندهد و کمتر کتابخوان حرفه‌ای رامی‌شناسیم که شوق دیدار با کتاب و اخبار آن، او را روانه دکه روزنامه‌فروشی نکند. گذشته از این تعامل همیشگی که در دو سه سال اخیر پررنگ‌تر شده است، کتاب و مطبوعات، دستاوردهای مشترک دیگری نیز دارند که موضوع گفت و گوی این شماره کتاب هفته با علیرضا ملکیان، معاون مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. ملکیان که پیش از این، عهده دار معاونت حقوقی و امور مجلس این وزارتخانه بوده است، تجربه دو دهه حضور در عرصه مدیریت رسانه‌ای کشور را در کارنامه دارد که سال‌ها عضویت در شورای سردبیری روزنامه کیهان از آن جمله است.



ملکیان بر هم‌افزایی و تاثیر متقابل رشد سرانه مطالعه در دو حوزه کتاب و مطبوعات تأکید دارد و بر این باور است که این هر دو می‌توانند دروازه‌ای برای ورود به دیگری باشند. معاون مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت و گو با کتاب هفته با اشاره به تاثیر گسترش نشریات تخصصی در فرهنگ کتابخوانی می‌گوید: افزایش تعداد نشریات به گسترش کتابخوانی کمک فراوانی خواهد کرد. در دوره کنونی هیات نظارت بر مطبوعات و در دولت نهم سعی ما بر این بود

۷

یادداشت

دکتر موسی حقانی

جایزه جلال ژرفابخش نقادی



جایزه ادبی جلال آل احمد اقدام خوبی بود که با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی از سوی وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی تصویب شد. به عقیده من نفس این اقدام در تعمیق مطالعات ادبی، اجتماعی و سیاسی بسیار موثر است و می‌تواند برای نویسندگان نیز مشوق خوبی باشد. اما نکته‌ای که در این میان اهمیت دارد، برگزیدن جلال به عنوان یک چهره مطرح در ادبیات است. زیرا گرایش‌های اجتماعی، سیاسی و تاریخی عمیقی در آثار او وجود دارد و در کنار اینها، شخصیت پویایی دارد و دوران‌های متفاوتی را پشت سر گذاشته است. بنابراین با توجه به تکاپوی جدی‌اش در عرصه مطالعات اجتماعی و ادبی می‌تواند در آثار این حوزه تحول کیفی ایجاد کند و انتخاب او، انتخاب بجایی است. او طی چهار دهه، از یک چهره مذهبی، به منتقد مذهبی و حتی غیرمذهبی تبدیل می‌شود اما از دهه چهل به بعد - که دهه پایانی عمر او هم هست - گرایش دینی و مردمی پیدا می‌کند....

۱۰

کتاب هفته

شنبه ۹ آذر ۱۳۸۷
۳۰ ذی‌قعدة ۱۴۲۹، ۲۹ نوامبر ۲۰۰۸
شماره ۰۱۵۹، پیاپی ۸۱۰
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
سردبیر: پدram پاک‌آیین
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواجه نصیر، پلاک ۱۰، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایران‌چاپ

www.ketabehafteh.ir

گام اول، قدم دوم رابرداشت

هوایما از جا کنده می‌شود و آرام آرام او می‌گیرد و به سرعت از تهران فاصله می‌گیرد. طولی نمی‌کشد تا به حجم ابرهای سفید رنگ معلق در آسمان برسیم. هر کدام شبیه خیال، خواب یا خاطره‌ای هستند و من به یاد سال گذشته همین ایام می‌افتم؛ به یاد روزی که از اردبیلی‌های میزبان اولین دوره جشن گام اول خداحافظی کردیم تا سال دیگر و استانی دیگر و جشن دومین گام اولی‌ها. سال گذشته اولین دوره گام اول با هدف گسترش، ارتقا و تعمیق فرهنگ مکتوب و شناسایی، معرفی و تشویق نوقلمان متعهد و شایسته کشور و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی با موضوع نخستین اثر منتشر شده شاعران و نویسندگان در رشته‌های شعر و داستان برای کودکان، نوجوانان و بزرگسالان در اردبیل برگزار شد.

۶

هر کس که در یک بخش یا گوشه ای مشغول تبلیغ و کار است، رابطه خودش را با کسب معلومات قطع نکند؛ نگوییم کار داریم و نمی رسیم. من خودم اوایل انقلاب که شد، حدود دو سال رابطه ام با کتاب قطع شد. با آن همه اشتغالی که ما داشتیم، مگر فرجام داشت؟ من شب ساعت یازده و یا بیشتر به خانه می رفتم و کار، ساعت پنج، شش صبح آغاز شده بود؛ تازه عده ای ملاقاتی هم در خانه داشتیم. خانه ما هم دم دست بود؛ می رفتم و می دیدم عده ای از ارگان های مملکتی، از نهادهای انقلابی، از بخش های مختلف، از علمای شهرستان ها و... در اتاق نشسته اند و کار دارند؛ اصلاً مجال نبود. مدت های مدید می گذشت که من فرزندان خودم را نمی دیدم؛ با این که در خانه خودمان بودیم! وقتی موقع شب می رفتم، خواب بودند، و صبح هم وقتی بیرون می آمدم، خواب بودند! روزهای متمادی می شد که من بچه ها را نمی دیدم. این وضع زندگی ما بود. ناگهان به خودم نهیب زدم و الان سه، چهار سال است که شروع به مطالعه کرده ام... شروع مجدد من به مطالعه، بعد از اشتغال به ریاست جمهوری است. الان من مطالعه هم می کنم و به کارم هم می رسم و می بینم که منافاتی با هم ندارند. مطالعه علمی-تاریخی هم دارم، مطالعه فتنی هم می کنم.

از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار علما و روحانیون قاین ۱۳۶۶/۱/۳

جلو کتاب های شبه عرفانی گرفته شد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:



به گفته وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی کارشناسان این وزارتخانه جلوی انتشار کتاب های شبه عرفانی را سد کرده اند.

وی گفت جلوی این دکان های مضحکی که در برابر اندیشه واقعی زده شده اند، گرفته شده است. محمد حسین صفار هرنندی می گوید: همین دکان ها گاهی در حوزه هنر وارد شده و در سینما، تئاتر، موسیقی و مطبوعات ترویج می شود اما با توجهی که صورت گرفته و اشرافی که بر این مسأله هست، مهار شده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی این مسائل را خزعبلاتی خواند که از دکه های شبه عرفانی، دکان های غرب و مادی امروزی صادر شده اند.

به گزارش فارس، وی هدف از طرح این مسائل را جذب مردم به شبه شریعت در برابر شریعت دانست که راه به جهنم دارد.

رویکرد ویژه به فعالیت های قرآنی

در عین حال به گفته وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بودجه قرآنی وزارت ارشاد نسبت به سال ۲۵۸۴ برابر شده است که می توان گفت این وزارتخانه حداقل ۱۵ میلیارد تومان در بخش قرآن هزینه کرده است.

محمد حسین صفار هرنندی که هفته گذشته در نشست با حضور فعالان قرآنی و اعضای کانون های فرهنگی - هنری مساجد سخن می گفت، اظهار داشت: فعالیت قرآنی برای دولت نهم یک اقدام تاکتیکی نبوده و نیست بلکه این یک راهبرد و استراتژی است. مسجد محوری و قرآن محوری راهبرد این

دولت است. و مرجع قرآنی شناخته می شود، همه در این جا سر تعظیم فرود می آورند.

محمد حسین صفار هرنندی در ادامه با اشاره به گسترش کانون های فرهنگی - هنری مساجد افزود: تا پایان سال جاری، کانون های فرهنگی - هنری مساجد، سه برابر می شود. اگر بخواهیم آینده فرهنگ و هنر را تأمین کنیم، باید زلف آن را به مسجد گره بزنیم. از این پس، دولت و وزارت آموزش و پرورش به عنوان متولی اصلی امر آموزش قرآن وارد عمل خواهند شد.

دولت است.

وی اعلام کرد: دولت طی دو سال اخیر، فعالیت های زیادی در ساخت مساجد داشته که یک تحول بزرگ محسوب می شود. در زمینه مسجد محوری، رقمی که به لحاظ بودجه وارد این عرصه کردیم، چیزی از جنس همان افزایش تصاعدی است. این وضعیت یعنی راهبرد دولت که ملهم از ارشادهای رهبری قرآن مدار و مسجد محور ماست؛ همان مرشد و مقتدایی که علم قرآن را در این سال ها به خوبی برافراشته و چون خود به عنوان یک قطب

مشاور معاون فرهنگی وزارت ارشاد:

لایحه توزیع کتاب به هیأت دولت می رود



مشاور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد: لایحه توزیع کتاب که به بررسی و حل مهم ترین موانع موجود در حوزه نشر می پردازد، با نظر مساعد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به زودی تقدیم هیأت دولت می شود.

حمید قبادی با بیان این خبر گفت: معاونت فرهنگی وزارت ارشاد طرح جامعی را برنامه ریزی می کند که به رویکرد نوین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از تولید به توزیع می پردازد. قبادی با یادآوری این که طرح مورد نظر هم اکنون با نظر مساعد وزیر مراحل برنامه ریزی را سپری کرده است، اذعان داشت: این طرح به زودی تقدیم هیأت دولت می شود.

وی با اشاره به این که بیان مشکلات اهالی نشر سبب توجه و تصمیم گیری هایی در مجلس شد، اعلام کرد: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی گزارشی در این باره ارائه کرد که توزیع و سیاست گذاری، مهم ترین نکته آن محسوب می شوند.

وی خاطر نشان کرد: این طرح به ساماندهی و استانداردسازی شبکه های مختلف پخش کتاب می پردازد و هزینه راه اندازی کتابفروشی و نشر کتاب را به حداقل ممکن کاهش می دهد.

به گفته مشاور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، راه اندازی کتابفروشی اینترنتی در شبکه مجازی، کتابفروشی سیار، نمایشگاه کتاب و تأسیس نهاد صنفی پخش و تقویت کتاب، از محورهای این طرح به شمار می روند.

قبادی، کاهش هزینه سرمایه گذاری در حوزه کتاب را مهم ترین دستاورد این طرح دانست و افزود: عرضه و توزیع کتاب از مهم ترین مشکلات ناشران در حوزه نشر است و با تدوین این طرح که با بهره گیری از نظریات ناشران تهیه شده، گام هایی در رفع موانع این حوزه برداشته خواهد شد.

این طرح مراحل برنامه ریزی را در معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پشت سر گذاشته و به دنبال اجرای طرح جامع توزیع کتاب است. البته پیشنهاد این طرح به آن معنا نیست که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مسئولیت توزیع کتاب را برعهده می گیرد.

با مستند سازی کتاب های منتشر شده در کشور صورت می گیرد تکمیل بانک اطلاعات کتاب از آغاز تا امروز

موسسه خانه کتاب بانک اطلاعات کتاب های منتشره شده در ایران را از اولین نسخه های چاپی موجود تا جدید ترین کتاب های منتشر شده، به روز رسانی می کند.

مدیر کتابداری و اطلاع رسانی خانه کتاب با بیان این مطلب گفت: این اطلاعات از انتشار نخستین کتاب در ایران (نسخه های موجود) تا پایان سال ۱۳۴۴ از ابتدای سال ۱۳۴۴ تا پایان سال ۱۳۵۶ و همچنین از ابتدای سال ۱۳۵۷ تاکنون به روز رسانی می شوند.

داریوش مطلبی افزود: قصد داریم با کمک متخصصان و شرکت های خدمات کتابداری و اطلاع رسانی، اطلاعات کتاب های چاپ شده را در ایران تکمیل کنیم. وی با اشاره به لزوم تکمیل بانک اطلاعاتی کتاب، گفت: بانک اطلاعات کنونی فقط اطلاعات کتاب های منتشر شده از سال ۱۳۵۷ به بعد را در اختیار دارد که در برخی از سال ها خصوصاً بین سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۲ درصدی کسری دارد که تکمیل این اطلاعات ضروری است.

وی با بیان اینکه هیچ بانک اطلاعاتی یا مجموعه مستندی از کتاب های منتشر شده پیش از انقلاب و حتی از ابتدای انتشار نخستین کتاب چاپ شده در ایران وجود ندارد، از تمامی کارشناسان و صاحب نظران خواست تا برای اجرایی شدن این طرح، راهکارهایشان را به موسسه خانه کتاب ارائه کنند.

به گفته مطلبی، برای تکمیل این بانک اطلاعاتی به مواردی چون عنوان کتاب، پدیدآورندگان، قالب کتاب، موضوع و محتوا، ناشر، محل نشر و انتشارات، سال نشر، بها، شمارگان، زبان، قطع و... بر اساس استانداردهای مطرح شده در فراخوان توجه می شود.

به گزارش ایبنا وی افزود: علاقه مندان این حوزه می توانند پیشنهادهایشان را تا دهم آذر ماه به نشانی، تهران، خیابان انقلاب، بین فلسطین و صیبا جنوبی، ساختمان ۱۱۷۸، طبقه دوم، دبیرخانه موسسه خانه کتاب ارسال کنند.

برنامه های سرای اهل قلم

سرای دائمی اهل قلم در ادامه برنامه های خود این هفته نیز میزبان اهالی کتاب و کتابخوانی است. امروز (شنبه) و از ساعت ۱۶:۳۰ دو نشست در سرای اهل قلم برگزار می شود. نقد و بررسی کتاب قواره ای برای ۲ نفر اولین نشست امروز است که با حضور علی اکبر ولایتی، افسانه گیویان، علی الله سلیمی و زهرا یزدان پناه قره تپه برپا خواهد شد. کارگاه ترجمه با حضور دکتر عباس پژمان نیز دیگر برنامه امروز است.

نشست مکتب های ادبی (سورئالیسم) نیز فردا (یکشنبه) و از ساعت ۱۶:۳۰ در سرای اهل قلم برگزار می شود. در این نشست دکتر نجمه شبیری و دکتر عباس پژمان سخنرانی خواهند کرد.

از ساعت ۱۸ نیز کتاب سال دفاع مقدس در این سرا برگزار خواهد شد.



نقد و بررسی کتاب شخصیت پردازی در داستان های کوتاه دفاع مقدس نیز روز دوشنبه با حضور محمدرضا سنگری، علی اصغر شیرزادی، بلقیس سلیمانی و حسن بارونیان برگزار می شود. ساعت آغاز این نشست ۱۶:۳۰ است.

در این روز دکتر عباس پژمان نیز در کارگاه ترجمه حاضر خواهد شد. آخرین برنامه سرای اهل قلم در هفته جاری نیز روز چهارشنبه از ساعت ۱۸ تا ۲۱ با عنوان نشست سراسری دست اندرکاران صنعت چاپ برگزار خواهد شد.

تأسیس کتابخانه های سلامت در سراسر کشور

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هفته گذشته در بازدید از کتابخانه مرکزی سلامت در استان هرمزگان گفت: پس از اجرای موفق طرح کتابخانه های سلامت در استان هرمزگان، راه اندازی کتابخانه های سلامت در سراسر کشور به استان ها ابلاغ و اعتبار آن نیز تأمین شد.

دکتر محسن پرویز در این بازدید، خطاب به دست اندرکاران طرح کتابخانه های سلامت در استان هرمزگان گفت: خانه های بهداشت از بهترین مکان ها برای انجام اقدامات فرهنگی در روستاها محسوب می شوند زیرا اهل روستا می توانند به راحتی با این مراکز ارتباط برقرار کنند.

دکتر پرویز همچنین بر انجام اصلاحات مداوم و مستمر در مسیر اجرای طرح کتابخانه های سلامت تأکید کرد و افزود: تجهیز کتابخانه با تازه های کتاب از اقدامات مهم برای پایدار ماندن این طرح به شمار می رود.

محمدحسن پرآور، معاون سیاسی امنیتی استاندار نیز از امضای تفاهتنامه توسعه فرهنگی میان معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و استانداری در این سفر خبر داد و افزود: با انعقاد این سند، تحولی شگرف در توسعه فرهنگی استان شکل خواهد گرفت.

عابدی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان نیز در این بازدید، هدف از راه اندازی کتابخانه های سلامت را ایجاد بستری مناسب برای حضور بیشتر مردم در خانه های بهداشت، ارتقای سطح علم و دانش روستاییان و گسترش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی عنوان کرد.

به گفته عابدی، مهم ترین مشکل کتابخانه های روستایی، کمبود کتاب مناسب است زیرا ناشران



برای مخاطبان روستایی کتاب تولید و منتشر نمی کنند و از سوی دیگر، مردم روستاها به کتاب هایی با موضوعات ساده و نگارش روان نیاز دارند. وی یادآور شد: طرح اولیه این اقدام با همکاری مدیرکل ارشاد هرمزگان به مرحله اجرا رسید و در مدت زمانی اندک با همیاری و نظر مساعد دکتر پرویز، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، تاکنون ۵۰ کتابخانه سلامت در استان هرمزگان راه اندازی شده است که نخستین مرکز به وسیله وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و ۲۸ باب دیگر نیز به وسیله وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی افتتاح شد.

افتتاح کتابخانه روستایی

در عین حال معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سفر به استان هرمزگان، کتابخانه شماره

تخصیص دو میلیارد تومان به کتابخانه های مساجد

معاون آموزشی دبیرخانه عالی کانون های فرهنگی هنری مساجد کشور از تخصیص دو میلیارد تومان به کتابخانه های کانون های مساجد کشور خبر داد.

علیرضا شاه فضل در اولین نشست کانون های تخصصی مساجد کشور که در مجتمع یاوران مهدی (عج) برگزار شد، تصریح کرد: قسمتی از این مبلغ به خرید کتاب های کمک درسی اختصاص یافته است تا ضمن افزایش استقبال از کانون های فرهنگی مساجد، بر غنای این کتابخانه ها نیز افزوده شود.

وی ادامه داد: با انجام این کار، اقبال جوانان و نوجوانان به برنامه های فرهنگی کانون ها نیز افزایش می یابد.

وی در قسمت دیگری از سخنان خود از تشکیل ۱۵۰ کانون تخصصی در مساجد کشور و حمایت از فعالیت های آنان خبر داد.

تمدید مهلت ارسال آثار

به جایزه ادبی یوسف

مهلت ارسال آثار به سومین دوره مسابقه سراسری داستان کوتاه دفاع مقدس (جایزه ادبی یوسف) تا دهم آذرماه تمدید شد.

بر اساس اعلام دبیرخانه جایزه ادبی یوسف به دلیل استقبال علاقه مندان و نویسندگان مهلت ارسال آثار به این جایزه ادبی تمدید شد.

این جایزه ادبی به همت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس و با مشارکت حوزه هنری، وزارت ارشاد، شبکه تهران و فرهنگسرای پایدار برگزار می شود.

مراسم پایانی این جایزه بهمن ماه سال جاری برگزار خواهد شد.

اطلاعیه

قابل توجه ناشران، کتاب فروشان، صحافان،

چاپخانه ها، لیتوگرافی ها و مراکز نشر سراسر کشور

ویرایش جدید کتاب راهنمای ناشران و

کتاب فروشان ایران، چاپخانه ها، لیتوگرافی ها و

مراکز نشر سراسر کشور در قالب جدید و به

عنوان کتاب مرجع نشر در مرحله تهیه است

موسسه خانه کتاب با همکاری کانون ویژه پویا

از ناشران، کتاب فروشان، صحافان، چاپخانه ها،

لیتوگرافی ها و مراکز پخش فعال که تمایل به درج

آگهی در کتاب فوق را دارند دعوت می نماید تا با

تلفن ۲۲۲۵۵۲۴۶ (مرکز جذب آگهی) و فکس:

۲۲۹۰۲۷۷۷ تماس حاصل نمایند

بازتاب گسترده حضور ایران در نمایشگاه تیرانا

ظرفیت بالای مفاهیم و ارزش های جهانی و فرامرزی فرهنگ و تمدن ایران اسلامی، توجه ویژه شبکه های تلویزیونی و مطبوعاتی آلبانی را به حضور جمهوری اسلامی ایران در یازدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تیرانا جلب کرده است. شبکه های تلویزیونی کلان، آلتس، ویزیون پلوس، شبکه ملی آلبانی TVSH، مדיاست و خبرگزاری انگلیسی زبان آلبانین دپلی نیوز و روزنامه تیرانا آیزور، از جمله رسانه هایی بودند که به طور اختصاصی با انجام مصاحبه با شهروز فلاحت پیشه سرپرست نمایندگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به پوشش خبری فعالیت های این نمایندگی در آلبانی و حضور پررنگ ایران در جریان برگزاری نمایشگاه کتاب تیرانا پرداختند. تناوب حضور اصحاب رسانه ای در غرفه این نمایندگی به نحوی بود که در تمام طول مدت برگزاری نمایشگاه، گزارش های مربوط به حضور ایران در آن و مصاحبه های انجام شده در طول اخبار و گزارش های ویژه تلویزیونی های آلبانی درباره این نمایشگاه به شکل روزانه پخش می شد. از دیگر نقاط برجسته در جنبه رسانه ای ایران در نمایشگاه امسال کتاب تیرانا که از ۲۴ تا ۲۹ آبان ماه برگزار شد، حضور غرفه انتشارات بین المللی الهدی وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بود که برای اولین بار در این نمایشگاه شرکت کرد و توانست توجه ناظران و خبرنگاران را به خود جلب کند؛ به نحوی که بازتاب خبری و تصویری نمایش غرفه انتشاراتی الهدی نیز از بخش های قابل توجه در میان اخبار رسانه ای در مقایسه با سایر شرکت کنندگان خارجی این نمایشگاه بود.

جلدهای تازه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

رئیس مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی از انتشار جلد شانزدهم دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به زبان فارسی و جلد هفدهم آن به زبان عربی در یک ماه و نیم آینده خبر داد.

کاظم موسوی بجنوردی در این باره اظهار داشت: هم اکنون ۱۵ پروژه علمی در دست تحقیق و تألیف داریم که سه پروژه آن مربوط به تدوین دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به زبان های فارسی، عربی و انگلیسی است. موسوی بجنوردی درباره مراحل تدوین این اثر جامع به زبان های گوناگون، گفت: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی سال ۱۳۶۲ شروع به کار کرد و در سال ۱۳۶۷ موفق به انتشار نخستین جلد از این مجموعه شد و همزمان ترجمه عربی آن آغاز و با تأخیر زیادی، تدوین نسخه انگلیسی آن با سرویستاری جان کوپر در دستور کاری این موسسه قرار گرفت، اما با فوت وی، این فعالیت که تا زمان شکل گیری توافق هایی با مرکز مطالعات اسماعیلی لندن به سرویستاری دکتر مادلون و فرهاد دفتری متوقف شده بود، مجدداً به جریان افتاد. وی افزود: نسخه انگلیسی این اثر که اولین جلد آن اخیراً رونمایی شده، اثری است جامع که در آن استادان فارسی مطالب ارزشمندی را برای استناد و استفاده تمام دنیا تهیه و تنظیم کرده اند. این اثر با استقبال خوبی از سوی خاورشناسان مواجه شده است. رئیس مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، درباره دیگر آثار پژوهشی این مرکز گفت: تألیف سومین جلد دانشنامه ایران که تاکنون دو جلد آن منتشر شده، تا سال آینده به پایان می رسد و پیش بینی می شود تدوین این مجموعه تا جلد سی ام ادامه یابد. موسوی بجنوردی همچنین از اتمام انتشار دانشنامه جامع ایران در سال آینده خبر داد و یادآور شد: این دانشنامه در ۱۲ تا ۱۴ جلد تدوین خواهد شد.

انتشار سی و یکمین جلد نیمه پنهان



سی و یکمین جلد از مجموعه نیمه پنهان با عنوان 'بهائیان در عصر پهلوی ها' از سوی انتشارات کیهان روانه بازار شد.

مرحوم احمد اللهیاری، نویسنده این کتاب به عنوان یکی از اعضای سابق کانون منجمله نویسندگان ایران در وصیتنامه خود نوشته است: ... جریان روشنفکری با نخستین ضربات تیشه اش، ریشه اعتقادات مرا قطع کرد... و در این مسیر بود که تا به خود آدم، کتاب های احمد کسروی را به دستم داده بودند... و در مرحله بعد سر از محفل بهائیان در آوردم، اما خدای را شکر که هوشیاری من تا آن حد بود که فریب جاذبه های رنگین باب و بهاء را که در هیئت گفت و گو با دختران زیبارو تجسم می یافتند، نخوردم... و به دنبال این تزلزل ها بود که سر از مزبله مارکسیسم در آوردم و باقیمانده اعتقاداتم را در این وادی از دست دادم... من به صراحت اعلام می کنم که در کلیه حرکت های روشنفکرانه این خاک حداقل از ابتدای دهه ۱۳۴۰ حضوری فعال و درجه اول داشتم... اما خداوند سرانجام در پیچه های عنایت را بر من گشود و زمانی که با شما آشنا شدم (کیهان تحت مدیریت آقای شریعتمداری) همصدایی با شما را در شمار مهم ترین وظایفم تلقی کردم و بسم الله گویان همراه شما شدم و همراه با شما افشاگری پیرامون جریان روشنفکری ایران را در قالب نیمه پنهان آغاز کردم...

او پس از بیداری از خواب غفلت او مانسیم و مارکسیسم، در سال های آخر عمرش تمام تلاش خود را وقف روشنگری و افشای چهره پلید عمده های استکبار کرد، چنانچه امروز علاوه بر آثار منتشر شده، چندین کتاب گرانسنگ منتشر نشده در کارنامه خویش ثبت کرده تا آن شاء الله در فرصت های دیگر به اهل تحقیق و پژوهش ارائه شود؛ آثاری که هر یک به مصداق آب در خوابگاه مورچگان، با افشاگری های خود، خواب دوستان سابق وی را خواهد آشفت، چنان که به مانند زمان فوتش، زبان به عقده گشایی خواهند گشود. و روایت احمد اللهیاری در این کتاب با توجه به حضورش در کانون نویسندگان، مرکز پژوهش های تلویزیونی ملی، مجله تماشا، واحد مرکزی خبر، روزنامه کیهان و همچنین حضور در محافل بهائیان به افشای نقش مخرب بهائیان در عرصه سیاست و اقتصاد ایران اسلامی در زمان حکومت رضاخان و پسرش محمدرضا پرداخته است و از آنجا که سال ها در عرصه نویسندگی و پژوهشگری حضور داشته است دست نوشته های وی بیابگر زوایای ناگفته و پنهان مانده از نفوذ و حاکمیت اقلیت فرقه بهائیت در ارکان رژیم پهلوی است.

کتاب 'بهائیان در عصر پهلوی ها' از سوی انتشارات کیهان در ۳۰۴ صفحه و به قیمت ۳۰۰۰ تومان به بازار نشر عرضه شده است. علاقه مندان برای تهیه این کتاب می توانند به فروشگاه های معتبر مراجعه کرده و یا با شماره تلفن ۳۳۱۱۰۲۱ و ۳۳۱۱۰۷۰۹ تماس حاصل کنند.

کتابخانه مجلس به ساختمان جدید می رود



به گفته رئیس مجلس شورای اسلامی روند انجام امور در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نویدبخش و ستودنی است.

دکتر علی لاریجانی که به مناسبت هفته کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی حاضر شده بود افزود: فعالیت هایی که در زمینه اسکن کتاب های چاپ سنگی صورت می گیرد بسیار خوب است و امیدوارم این روند با همین سرعت ادامه داشته باشد. دکتر لاریجانی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تلاش برای یافتن مکانی جدید برای کتابخانه مجلس گفت: روند دسترسی مردم به کتابخانه مجلس که کتابخانه فاخر و ارزشمندی است بسیار مهم است. تلاش ما این است که برای کتابخانه مجلس که کتابخانه ای قدیمی و با تاریخ کهن برای کشور ماست ساختمانی مناسب فراهم کنیم.

وی تصریح کرد: ما فعلا روی مجموعه ای که در ضلع جنوبی ساختمان بهارستان است و در حال حاضر چاپخانه و نیروی انتظامی و بخش های دیگر در آن قرار دارد و نسبتاً فضای مفصلی است تمرکز کرده ایم. این بحث بارها در هیئت رئیسه مجلس پیگیری شده و امیدواریم سال آینده شاهد فضایی درخور برای کتابخانه مجلس باشیم.

همه کتاب های انقلاب در یک کتابخانه تخصصی

در عین حال رئیس بخش انقلاب کتابخانه مجلس شورای اسلامی نیز گفت: انقلاب مابا تمامی انقلاب ها متفاوت است به همین دلیل شناخت آن نیازمند کتابخانه تخصصی است.

قاسم تبریزی اظهار داشت: هدف از تاسیس کتابخانه تخصصی انقلاب اسلامی، ارائه منابع و مآخذ تاریخ انقلاب به تمام کسانی است که قصد

دارند با ماهیت و سیر تکوین انقلاب و تاثیر آن در تحولات اجتماعی ایران و جهان اسلام آشنا شوند. وی تاکید کرد: انقلاب ما به دلیل اسلامی بودن در ابعاد ایدئولوژیک، تمدن و فرهنگ و سازوکار حکومتی با تمامی انقلاب ها متفاوت یا متضاد است. به همین دلیل شناخت آن نیازمند یک کتابخانه تخصصی است. امیدواریم این حرکت نه تنها در استان ها بلکه در شهرها هم آغاز شود و پاسخی به نیاز دانشجویان و دانش پژوهان و تمام کسانی باشد که به هر دلیل خواهان شناخت انقلاب هستند.

رئیس بخش انقلاب کتابخانه مجلس ادامه داد: در شروع کار تاکنون توانسته ایم بیش از دوهزار نسخه کتاب خریداری کنیم و تا تکمیل آن بیش از چهار ماه فرصت لازم است. خصوصاً که برخی از

کتاب های منتشر شده در سال های ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۰ نایاب یا کمیاب اند. همچنین مجلات و نشریات تخصصی از جمله نیازهای این کتابخانه اند که به تدریج مشغول تهیه و خریداری آنها هستیم. تبریزی اظهار داشت: ما مطلع انقلاب اسلامی را سال ۱۳۴۰ و شروع نهضت امام خمینی (ره) علیه اسلام زدایی شاه می دانیم و کتاب های آن زمان به بعد را جمع آوری کرده ایم.

وی ادامه داد: منظور ما از کتابخانه تخصصی فقط کتاب های تاریخی نیست بلکه آثار داستان نویسان و شاعران انقلاب هم گردآمده اند. وی در پایان تاکید کرد: بخش انقلاب کتابخانه مجلس، برای همگان و به خصوص پژوهشگران، مورخان و دانشجویان، بدون هیچ گونه محدودیتی فعال است.

با ارائه ۵۷۳ مطلب منتشر شد

دانشنامه دفاع مقدس روی اینترنت

کتابخانه های عمومی پذیرفته شد. ما این پیشنهاد را به مناسبت هفته بسیج و قائل شدن تسهیلات فرهنگی برای این قشر از جامعه تهیه کرده بودیم.

مدیرکل امور کتابخانه های عمومی تهران همچنین مصوبه دیگر همایش هفته گذشته با شهرداران را ساخت یک کتابخانه عمومی توسط هر شهرداری عنوان کرد و گفت: بر اساس پیشنهاد دیگری که دیروز با آن موافقت شد و به صورت مصوبه درآمد، هر کدام از شهرداری های استان موظف شدند بابت بدهی نیم درصدی به انجمن کتابخانه های عمومی شهر هایشان، یک کتابخانه عمومی بسازند و تحویل انجمن دهند.

سرایی افزود: البته تعدادی از شهرداری های استان به صورت خودجوش از چندی پیش این کار را در دستور قرار داده اند و ۵ کتابخانه آماده را به ما تحویل داده اند و این موضوع به صورت یک مصوبه لازم الاجرا درآمد.

وی آغاز تهاجم عراق در جنگ تحمیلی، دوران هشت ساله دفاع مقدس و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد را از نمایه های فرعی دانشنامه دفاع مقدس عنوان کرد و اظهار داشت: ویژگی های دفاع مقدس، دوران بازسازی و پس از جنگ، امام خمینی (ره) و دفاع مقدس، حضرت آیت الله خامنه ای و دفاع مقدس از دیگر نمایه های فرعی است.

عضویت رایگان بسیجیان در کتابخانه های تهران

در عین حال پیشنهاد عضویت رایگان تمامی بسیجیان استان تهران در کتابخانه های عمومی تصویب شد. مدیرکل امور کتابخانه های عمومی تهران در این باره گفت: هفته گذشته در همایش شهرداران و در جلسه ای که با حضور استاندار و تمامی شهرداران استان تهران (بجز شهر تهران) در محل استانداری برگزار شد، پیشنهاد ما برای عضویت رایگان بسیجیان در

دانشنامه دفاع مقدس با ۵۷۳ مطلب شامل مقاله، گزیده کتاب، پرسش و پاسخ و چکیده پایان نامه همزمان با هفته بسیج روی اینترنت قرار گرفت.

این دانشنامه با محتوای ۴۱ نمایه در قالب ۱۱ نمایه اصلی و ۳۰ نمایه فرعی با محوریت دفاع مقدس در دسترس عموم علاقمندان قرار دارد.

مدیر اجرایی پایگاه حوزه به نمایه های اصلی این دانشنامه اشاره کرد و گفت: دفاع مقدس از آغاز تا پایان، دفاع مقدس و رهبری انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و نقش مردم، شهدا و دفاع مقدس، دفاع مقدس و نقش قدرتهای خارجی و سازمان های بین المللی، پیروزی ها و تلخی های دفاع مقدس از جمله نمایه های اصلی است. منافقین و جنگ تحمیلی، دفاع مقدس در عرصه هنر، دفاع مقدس در رسانه و اینترنت، دفاع مقدس و کتاب همچنین کتابشناسی و پایان نامه ها از دیگر نمایه های اصلی دانشنامه دفاع مقدس است.

مجموعه کتابهای کاربردی

کلید

آموزش بیش از چهل نرم افزار کاربردی بصورت قدم به قدم، مصور و پروژه ای

انتشارات کلید آموزش
تلفن: ۶۶۹۵۳۰۷۳
www.Kelid.ir

آخرین آثار منتشر شده از نشر احسان

نرم افزار چند رسانه‌ای نهج البلاغه با ترجمه شهیدی



نرم افزار چند رسانه‌ای نهج البلاغه با ترجمه سیدجعفر شهیدی عرضه می‌شود.

علی زارعی نجفداری - مدیرعامل شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - با بیان این مطلب، افزود: تولید این اثر معنوی مراحل پایانی را پشت سر می‌گذارد و همزمان با سال روز درگذشت استاد فرهیخته علامه سیدجعفر شهیدی، عرضه آن آغاز خواهد شد. او افزود: هدف از تولید این نرم افزار، دسترسی و گزینش آسان خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) و اشاعه فرهنگ نهج البلاغه است.

زارعی امکان دسترسی کامل به متن عربی به همراه گویش عربی و متن کامل فارسی به همراه گویش فارسی را از جمله قابلیت‌های این نرم افزار دانست و ادامه داد: جست و جوی ترکیبی، امکان چاپ یک یا چند صفحه از متون مورد نظر، فهرست تفصیلی، امکان یادداشت گذاری روی متن، ذخیره و بازخوانی یادداشت گذاری روی متن، ذخیره و بازخوانی یادداشت‌ها از دیگر قابلیت‌های این نرم افزار است. ترجمه شهیدی از نهج البلاغه، ترجمه‌ای شیوا، مسجع و روان است که از سوی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده است. این اثر در سال ۱۳۶۹ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

با حضور معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی شدند

برگزیدگان جایزه ادبی اصفهان



ششمین دوره از جایزه ادبی اصفهان با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، ۳۰ آبان با حضور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، استاندار اصفهان و مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی این استان پایان یافت.

دکتر محسن پرویز در این مراسم، گفت: در تولید آثار ادبی، خصوصاً داستان نویسی، باید همه تلاش هنرمندان مبنی بر دوری جستن از تقلید باشد و خلق معانی بدیع و متناسب با فرهنگ بومی کشور در اولویت قرار گیرد.

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار کرد: بر ما و همه هنرمندان عرصه ادبیات لازم است تا مانع ورود سبک‌های ناسالم در این حیطه شویم. وی همچنین خاطر نشان کرد: استان‌ها در زمینه ادبیات داستانی ظرفیت بالایی برای رشد و شکوفایی دارند از این رو اجرای چنین برنامه‌هایی در شهرهای مختلف کشور می‌تواند بر رشد و شکوفایی هنرمندان این مناطق تأثیر بسزایی داشته باشد. او به این موضوع نیز اشاره کرد که بسیاری از داستان‌ها می‌تواند دستمایه ساخت فیلم در کشور قرار گیرد.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان نیز در سخنانی گفت: هدف ما از برگزاری جایزه ادبی در اصفهان، شناسایی مطلوب ظرفیت‌های ارزشمند حوزه ادبیات داستانی در مناطق مختلف کل کشور و استان‌ها بوده و طی شش سال گذشته، این مراسم را بی وقفه و مستمر، هر سال برگزار کرده‌ایم.

بایرامی، حسین فتاحی و علیرضا محمودی ایرانه‌ر، مجید قیصری با گوساله سرگردان، نانا شامیری با عشق روی چاکرای دوم و مهدی ربی با آن گوشه دنج سمت چپ به ترتیب به عنوان نفرات اول تا سوم معرفی شدند.

در بخش داستان فانتزی با داوری محمد کراچیان، سیدنوید سیدعلی اکبر با داستان آجازه می‌دهید برف بیارد و حسن رهبر با داستان پشه‌ای که به جای خون، جوی خودنویس می‌مکند اول دوم و محمدامین داودی با داستان کالبدشکافی یک کرم و سیدنوید سیدعلی اکبر با داستان قصه آن ملخ به طور مشترک، سوم شدند.

به گزارش ایسنا، همچنین در بخش کودک و نوجوان با داوری احمد اکبریور و مسعود ناصری، در بخش آثار چاپ شده، محمدرضا شمس با کتاب من و زن بابام و دماغ بابام، نرگس آبیاری با کتاب پسر کرم به دوش و خندق بلا و سیدنوید سیدعلی اکبر با کتاب بچه غول باید توی مدرسه بماند، اول تا سوم شدند. همچنین در بخش چاپ نشده‌ها، میترا کیان بخت با اثر چاپ نشده استاد هنرهای دراماتیک، عباس غدیر محسنی با قصه‌ای برای خدا و سام گیس زندی با مادرم می‌گه من از همه بهترم به ترتیب برگزیده شدند.

در بخش تک داستان با داوری احمد دهقان، مجید قیصری و محمدجواد جزینی، نیز آیتا یارمحمدی با داستان یکی آن پایین مرادوست دارد، حسن بهرامی با امام زاده و ترکه سبز و شیرین اسحاقی با لب‌های مامان برق نمی‌زند اول تا سوم شدند.

سیدعلیرضا حسینی با بیان این مطلب که تعداد قابل توجه آثار ارسالی به دبیرخانه جشنواره در بخش‌های گوناگون، نویدبخش است، خاطر نشان کرد: جایزه ادبی اصفهان جایگاه قابل قبولی در میان نویسندگان و خصوصاً نوجوانان پیدا کرده است.

همچنین زینب و کیلی - دبیر ششمین جایزه ادبی اصفهان - عنوان کرد: در این دوره، مجموعاً ۷۱۰ تک داستان، ۶۱ مجموعه داستان، ۵۱ رمان، ۵۶ داستان فانتزی و ۳۰۷ داستان کودک و نوجوان به دبیرخانه جشنواره ارسال شده است.

در این دوره از جایزه ادبی در بخش‌های رمان، مجموعه داستان، تک داستان، داستان فانتزی و کودک و نوجوان، نفرات برتر معرفی و تقدیر شدند.

در بخش رمان با داوری داوود غفارزادگان، زهرا زواریان و رضا نجفی، مرتضی کربلایی لو با رمان مفیدآقا، فرهاد جعفری با کافه پیانو و فرهاد کشوری با آخرین سفر زرتشت، اول تا سوم شدند. در بخش مجموعه داستان با داوری محمدرضا

گنجینه

نرم افزار جامع کتابخانه و آرشیو

کلید طلایی مدیریت دانش

پیش از ۱۷ سال حضور موثر در بزرگترین آرشیوها و کتابخانه‌های کشور

- امکان ذخیره و بازیابی اطلاعات مربوط به بیش از ۴۰ نوع ماده آرشیوی و کتابخانه‌ای مانند کتاب، نقشه، گالری، فیلم و ...
- وجود آرشیو دیجیتال و یکپارچه به همراه سایر اطلاعات هر ماده و سهولت در بازیابی همزمان آن‌ها
- قابلیت چیتش اطلاعات وارد شده مطابق با قواعد و استانداردهای بین‌المللی و نظارت هوشمند بر صحت آن‌ها
- قابلیت تولید انواع گزارش‌های آماری و مدیریتی و توانایی در تحلیل داده‌ها
- امکان نظارت و ایجاد دسترسی متفاوت به بخش‌ها، اطلاعات، محتوا و ... توسط مدیریت
- امکان ایجاد میز کار دلخواه برای هر کاربر
- سازگار با سیستم عامل Vista و XP
- قابل استفاده در شبکه‌های LAN و WAN
- مبتنی بر بانک‌های اطلاعاتی استاندارد مانند SQL Server
- رابط کاربری مبتنی بر وب و بدون نیاز به برنامه‌های نصب جدید Office

۲۲۳۰۵۰۰۷

www.raymehr.com

سازمان آگهی‌ها در کتاب ماه

آگهی می‌پذیرد

تلفن: ۲۲۲۵۵۲۴۶

مؤسسه امام صادق (علیه السلام)

الوسیوفی اصول الفقه

آیت

آیت الله العظمی جعفر سبحانی

تقریر بیان شده - انتشارات توحید

تلفن: ۰۲۵۱۷۷۴۵۴۵۷

همراه: ۰۹۱۲۱۵۱۹۳۷۱

قابل توجه

ناشرین محترم

کتابشمس

تحویلی نو در عرصه چاپ کتاب

با خدمات چاپ و انتشارات کتاب شمس

انجام کلیه امور کتاب از مجوز و حروفچینی تا صحافی را بصورت کامپیوتری (بدون لیتوگرافی)

بالاترین کیفیت و کمترین قیمت

یکجا تجربه کنید

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۲۹۷۴۱

۰۹۱۲۲۱۵۹۰۷۲

شخصیت ملی از

نازه هایی از دکتر احمد صبور اردوبادی

از تقلید تا ابتکار

انتشارات بهمن برون

مطالعه کرد

شخصیت حقیقی زن !!

اردبیل - تهران - خابان فلسفی - خیابان هفت بهشت - پلاک ۱۹

تلفن: ۸۸۰۰۸۴۶۱ و ۸۸۰۱۱۳۲۸

فکس: ۸۸۰۰۸۷۲۶

۱۳۶ صفحه - زبانی - قیمت: ۲۵۰۰ تومان

۲۳۶ صفحه - زبانی - قیمت: ۲۴۰۰ تومان



جوایز برگزیدگان جشنواره «گام اول» در بندرعباس اهدا شد

گام اول، قدم دوم را برداشت



هوایما از جا کنده می شود و آرام آرام اوج می گیرد و به سرعت از تهران فاصله می گیرد. طولی نمی کشد تا به حجم ابرهای سفیدرنگ معلق در آسمان برسیم. هرکدام شبیه خیال، خواب یا خاطره ای هستند و من به یاد سال گذشته همین ایام می افتم؛ به یاد روزی که از اردبیلی های میزبان اولین دوره جشن گام اول خداحافظی کردیم تا سال دیگر و استانی دیگر و جشن دومین گام اولی ها.

سال گذشته اولین دوره گام اول با هدف گسترش، ارتقا و تعمیق فرهنگ مکتوب و شناسایی، معرفی و تشویق نو قلمان متعهد و شایسته کشور و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی با موضوع نخستین اثر منتشر شده شاعران و نویسندگان در رشته های شعر و داستان برای کودکان، نوجوانان و بزرگسالان در اردبیل برگزار شد و امسال دومین دوره اش در ساحل خلیج همیشه فارس برگزار می شود. دیگر به بندرعباس نزدیک شده ایم، خلبان اعلام می کند و بار دیگر باید کمر بندها را ببندیم. حالا دیگر با چهره و نام برخی از برگزیدگان جایزه دومین دوره گام اول آشنا شده ایم. خانمی که به همراه همسر و نوزادشان آمده و برگزیده شعر کودک و نوجوان است، آقایی که متولد سال ۱۳۴۷ است و اولین کتابش را پس از سال ها فعالیت در حوزه مطبوعات و همچنین ویرایش چندین کتاب، در چهل سالگی نوشته جالب به نظر می رسد، خانم شاعر جوان دیگری که او هم با همسرش آمده و بیشتر طعم شیرین جایزه را برای اولین کتابش در جشنواره کتاب سال شعر جوان چشیده است. برگزیدگان دومین دوره جایزه گام اول را دکتر محسن پرویز معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی شجاعی صائین مدیر عامل خانه کتاب و همکارانشان همراهی می کنند. البته با این جمع احسان الله حجتی مدیر عامل موسسه نمایشگاه های فرهنگی و جلال ذکایی مدیر کل امور چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برخی از داوران دومین دوره جایزه گام اول و تعدادی از اهالی مطبوعات نیز همراه هستند تا شاهد شکل گیری این جشنواره نوپا که دومین دوره اش را تجربه می کند باشند. هوایما آرام روی زمین می نشیند. ساعت از هشت گذشته است و بعد از ظهر مراسم برگزار می شود. چه فرصت خوبی برای رفتن کنار ساحل است! گرمای مطبوعی حال و هوای خنک و حتی سرد تهران را پاک می کند. میهمان نوازی بندری ها شروع می شود. امیدزاده مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان به همراه تعدادی از همکارانش به گرمی همان گرمای مطبوع به همه خوشامد می گوید و دختر بچه ای با لباس محلی دسته گلی را تقدیم می کند و شعری می خواند و پس از آن وارد خیابان های بندرعباس می شویم.

چیزی دیگر تا شروع مراسم دومین دوره جایزه گام اول نمانده است. روی صندلی های قرمز رنگ سالن، پاکت های سبزرنگی قرار دارد که محتویاتش آثار برگزیده این دوره هستند. ستاره ها تم گم شد. اثر برگزیده شعر کودک و نوجوان کبری بابایی، آرزوهای یک چوب اثر برگزیده داستان کودک و نوجوان اثر بهروز رضایی کهرزی و هزاران هزار پروانه سفید اثر تقدیری همین حوزه از حمیرا یزدان بخش، 'خوش به حال آهوها' برگزیده شعر کلاسیک بزرگسال نوشته پانته آ صفا، 'خطوط شکسته' برگزیده شعر سپید از شراره کامرانی، 'یک نقش راحتی برای ادامه زندگی' شایسته تقدیر داستان بزرگسال از ماریا تبریز پور و از دو کوهه آمدیم اینجا غریبیم' شایسته تقدیر همین بخش از مجید پورولی کلشتری. سه کتاب دیگر داخل پاکت،

فکر کند که امروز می تواند بنویسد، شرایط برای نشر اثرش بهتر از گذشته فراهم است و ما نیز آماده ایم که از این گونه آثار حمایت کنیم.

کتابخانه ای به وسعت ایران

دکتر پرویز در خاتمه سخنانش به افتتاح کتابخانه ای روستایی اشاره کرد و گفت: امروز صبح شاهد افتتاح کتابخانه ای در خانه بهداشت با عنوان کتابخانه سلامت بودیم که راه اندازی این کتابخانه از استان هرمزگان آغاز شده است. در آنجا احساس کردم وقتی می توان با مجموعه ای اندک کاری بزرگ انجام داد چرا دست به دست هم نمی دهیم تا همه ایران را به یک کتابخانه بزرگ تبدیل کنیم تا با گسترش هر چه بیشتر فرهنگ کتابخوانی بکشیم و اجازه دهیم مردم ایران در هر گوشه و کنار از این امتیاز بهره مند باشند که امیدوارم در این استان و سایر نقاط این موضوع دنبال شود.

سرای اهل قلم: میزبان گام اولی ها

در این مراسم علی شجاعی صائین مدیر عامل مؤسسه خانه کتاب که متولی برگزاری جایزه گام اول هم است گفت: 'خوشبختانه آثار برگزیده امسال از کیفیت مطلوب تری نسبت به دوره اول برخوردار است که امیدواریم این ارتقا را در کیفیت محتوا سال به سال بیشتر و افزون تر حس کنیم تا ثمراتش به فرهنگ و ادب کشور ارائه شود. وی در ادامه اضافه کرد: امیدوارم چهره های برگزیده این دوره بیش از هر چیز به استعداد، توان و خلاقیت خود بیندیشند و آثار ارزشمند و فاخر بیشتری به دستداران فرهنگ و کتاب عرضه کنند و در سایه چنین خلاقیت هایی آینده درخشانی پیش روی این عزیزان باشد و ما هم در حد و توان خودمان همراهشان باشیم. شجاعی در بخش دیگری از سخنانش اظهار امیدواری کرد که سرای اهل قلم خانه کتاب میزبان عزیزان برگزیده همراه با صاحب نظران برای نقد و بررسی علمی و ارزنده این آثار باشد.

حضور هنرمندان هرمزگان در جشنواره

در این مراسم همایون امیدزاده مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان گفت: 'حرکت ارزشمند دوستانمان در خانه کتاب را به واسطه برگزاری جایزه گام اول به فال نیک می گیریم و خرسندیم که به مدد نفس گرم هنرمندان عزیز، دومین آیین این جایزه در

کتاب های برگزیده استان میزبان هستند. در شعر بزرگسال هر لبت یک کبوتر سرخ است از غلامرضا طریقی، 'می خواهم از فردا ندگی کنم' در حوزه داستان بزرگسال از مهتاب گنجعلی و در حوزه داستان کودک کتاب شکارچی از اکرم فلاح پور.

شناسایی استعدادها

فرصت ورق زدن کتاب ها نیست و مراسم بعد از تلاوت قرآن کریم و سرود جمهوری اسلامی آغاز می شود تا دکتر محسن پرویز معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص جایزه گام اول بگوید: گام اول با این هدف شکل گرفت که نویسندگان و شعری که در آغاز راه هستند شناسایی شوند و چهره ها و استعداد های برتر مورد تشویق قرار گیرند و برای ادامه راه دلگرم شوند.

وی ضمن تاکید بر این که باید بر چگونگی ادامه فعالیت برگزیدگان و چهره های برتر گام اول نظارت داشت و کارهایشان را پیگیری و حمایت کرد می گوید: اگر الگوهای موفق شعر و داستان را نگاه کنیم، شاخصه اصلی آثارشان که باعث شده چهره های مطرحی شوند، بدیع و نو بودن آثارشان است. در حوزه هنر، تقلید آفتی است که به جان هنرمند بیفتد مانع رشد او شده و ممکن است وی دوران طلایی آفرینش را از دست بدهد. معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه سخنانش افزود: کم نداریم هنرمندانی که اولین اثر خود را از دل برآمده نوشتند و در همان یک اثر باقی ماندند و دیگر نتوانستند آفرینشی خلاقانه، قوی و اثرگذار داشته باشند. ما مردمی صاحب فرهنگ با پیشینه تاریخی فراوان در هر دو عرصه شعر و داستان هستیم که با وجود چنین بستری دلیلی ندارد کارهای تقلیدی داشته باشیم.

حمایت از نشر کتاب های ارزشی

وی افزود: 'عزم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای حمایت مثبت رویه رشد و منطبق با فرهنگ مردم ایران در عرصه ادب و هنر جدی است و ما قطعاً از نویسندگان، شعرا و تمامی آثاری که شاخصه های این رشد و هماهنگی به سمت پیشرفت، نور، پاکی و صفا را داشته باشند حمایت می کنیم و در این حمایت جدی هستیم و تصور می کنم اگر اهل قلم و صاحب استعدادی

گام اولی دیگر با حضور ناشران

دیگر سخنران این مراسم جواد محقق؛ دبیر علمی دومین دوره جایزه گام اول بود. وی در ابتدای سخنانش، نداشتن سقف سنی در این جشنواره را از ویژگی های آن برشمرد و در ادامه گفت: 'شکل گیری مراسم در یکی از استان های کشور از دیگر ویژگی هایی است که نتایج قابل توجهی را به همراه خواهد داشت. محقق افزود: در حال حاضر رشته های شعر بزرگسال، داستان بزرگسال، شعر کودک و نوجوان و داستان کودک و نوجوان در جشنواره وجود دارد و تصور می کنم رشته های دیگری را نیز بتوانیم به جایزه گام اول اضافه کنیم. وی ادامه داد: امسال علاوه بر دعوت از برگزیدگان شاعر و نویسندگان ناشران آثار برگزیده نیز دعوت شد تا در جشنواره حضور داشته باشند که این اتفاق حرکتی جدید و گام اول دیگری است که در این جشنواره برداشته شد.

شیوه ارزیابی و داوری آثار

در دومین دوره جایزه گام اول مجموعاً ۶۷۷ اثر چاپ اول در اختیار دبیر خانه قرار گرفت که ۳۲۸ اثر در حوزه شعر بزرگسال، ۱۸۲ اثر در حوزه داستان بزرگسال، ۶۴ اثر در حوزه شعر کودک و ۱۰۳ اثر در حوزه داستان کودک و نوجوان بود که پس از بررسی به ترتیب ۲۶، ۵۸، ۳ و ۶ اثر در حوزه های شعر بزرگسال، داستان بزرگسال، شعر کودک و نوجوان و داستان کودک و نوجوان به مرحله دوم راه یافتند که پس از بررسی آثار در مرحله سوم در حوزه شعر کودک و نوجوان یک اثر برگزیده، در حوزه داستان کودک و نوجوان یک اثر برگزیده و یک اثر تقدیری، در حوزه شعر بزرگسال یک اثر برگزیده شعر کلاسیک و یک اثر برگزیده شعر سپید و در حوزه داستان بزرگسال دو اثر شایسته تقدیر معرفی شدند.



معاون مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد از تعامل کتاب و رسانه می‌گوید

ایستگاه‌های مشترک کتاب و مطبوعات



هفته کتاب و نمایشگاه مطبوعات را در حالی پشت سر گذاشتیم که صدای گام‌های مشترک کتاب و مطبوعات از ورای صفحات این دو کالای فرهنگی به گوش می‌رسد. امروز کمتر روزنامه‌ای را سراغ داریم که صفحه‌ای را به کتاب، مولف و منتقد آن اختصاص ندهد و کمتر کتابخوان حرفه‌ای را می‌شناسیم که شوق دیدار با کتاب و اخبار آن، او را روانه ده‌کده روزنامه‌فروشی نکند. گذشته از این تعامل همیشگی که در دو سه سال اخیر پررنگ‌تر شده است، کتاب و مطبوعات، دستاوردهای مشترک دیگری نیز دارند که موضوع گفت‌وگوی این شماره کتاب هفته با علیرضا ملکیان، معاون مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. ملکیان که پیش از این، عهده‌دار معاونت حقوقی و امور مجلس این وزارتخانه بوده است، تجربه دو دهه حضور در عرصه مدیریت رسانه‌ای کشور را در کارنامه دارد که سال‌ها عضویت در شورای سردبیری روزنامه کیهان از آن جمله است. ملکیان بر هم‌افزایی و تاثیر متقابل رشد سرانه مطالعه در دو حوزه کتاب و مطبوعات تاکید دارد و بر این باور است که این هر دو می‌توانند دروازه‌ای برای ورود به دیگری باشند.

در حال حاضر انتخاب این کتاب‌ها برای عرضه و فروش به سلیقه ده‌کده‌ها بستگی دارد. آیا می‌توان این روند را نظارت یا ساماندهی کرد؟

بله. قطعا قابل ساماندهی است. با همت معاونت فرهنگی و دست‌اندرکاران توزیع کتاب می‌توان این روند را ساماندهی و تعریفی برای آن ارائه کرد. ما هم حاضریم این هماهنگی و مشارکت را انجام دهیم که اگر قرار است کتابی ارائه شود همراه با ساماندهی از جانب معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دست‌اندرکاران توزیع کتاب باشد.

گاه پیشنهاد می‌شود که یکی از شاخص‌های ارزیابی و ارتقای کارکنان ادارات را کتابخوانی آنها قرار دهیم. با توجه به این که حرفه روزنامه‌نگاری بیشتر از بسیاری صنوف دیگر به کتاب و کتابخوانی وابسته است، آیا می‌توان چنین طرحی را در حوزه ارزیابی و طبقه‌بندی مشاغل مطبوعاتی دنبال کرد؟

این کار درستی است، اما فکر نمی‌کنم خیلی قابلیت اجرایی داشته باشد. شاید در مدارس و دانشگاه‌ها بتوان آن را اجرایی و عملیاتی کرد که در کنار موضوعاتی که ویژه فرهنگ است، مثل زنگ انشاآموزش و پرورش یک زنگ کتابخوانی هم تدارک ببیند. اتفاقاً من فکر می‌کنم کار باید در آنجا صورت بگیرد و از پایه، افراد را به مطالعه عادت بدیم. مثلاً از دانش‌آموز خواسته شود که کتاب‌هایی را خلاصه نویسی کند یا آن را به صورت کنفرانس ارائه دهد. این گونه اقدامات هم آگاهی‌های دانش‌آموزان را بالا می‌برد و هم آنها را با ارائه کنفرانس اجتماعی‌تر و هم فرهنگ مطالعه را نهادینه می‌کند؛ اما اگر کتابخوانی را در ادارات به عنوان شاخص ارتقا در نظر بگیریم، فکر نمی‌کنم خیلی عملیاتی باشد. ضمن این که من معتقدم کسی که کار فرهنگی و اطلاع‌رسانی می‌کند، قاعدتاً باید با کتاب انس و الفت داشته باشد و مطالعه کتاب را بخشی از کارش قلمداد کند. همان‌طور که اگر یک مهندس یا پزشک با علم روز دنیا پیش نرود، از قافله عقب می‌ماند؛ یک روزنامه‌نگار هم که موضوعات لحظه‌ای گوناگونی در حوزه فعالیت‌هایش حادث می‌شود، باید اطلاعات کافی و از حوزه‌های مختلف داشته باشد تا در عرصه روزنامه‌نگاری موفق ظاهر شود.

کتاب بخوانید و اگر این کار را بکنید، چه مزایایی برای شما خواهد داشت. این تا حد معقولی اثر دارد و باید انجام شود، اما من معتقدم مردم را بیشتر باید به صورت غیرمستقیم به مطالعه و خرید کتاب و نشریه دعوت کرد. صداوسیما و فیلم‌های سینمایی در این زمینه خیلی می‌توانند موثر باشند. در برخی رفتارهای اجتماعی مثل ترافیک دیدیم پیام‌هایی که در قالب‌های گوناگون از فیلم‌های سینمایی گرفته تا سریال‌ها و انیمیشن‌ها و کارتون‌ها در سال‌های اخیر ارسال می‌شد، هم اکنون تبدیل به فرهنگ شده و مردم هم آن را رعایت می‌کنند. در زمینه کتاب هم به نظر من همه باید وارد میدان شوند و با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون فرهنگ مطالعه را ترویج کنند. چه اشکالی دارد که در فیلم‌های سینمایی یا سریال‌های تلویزیونی آدم‌هایی را به نمایش بگذاریم که در حال مطالعه در مترو هستند. البته ممکن است عده‌ای بگویند در آن شلوغی چطور ممکن است کسی بتواند مطالعه کند. در برخی کشورها با این که مترو بسیار شلوغ است، اما مردم کتاب‌های قطع جیبی یا پالتویی را در حالت ایستاده مطالعه می‌کنند. نشان دادن این گونه صحنه‌ها در سریال‌ها و تکرار این گونه موضوعات قطعاً در فرهنگ مطالعه مردم تاثیر خواهد داشت.

هم‌اکنون بسیاری از کتابفروشی‌های کشور نشریات تخصصی را نیز عرضه می‌کنند. همین‌طور در بسیاری از ده‌کده‌های مطبوعاتی، کتاب‌های عامه‌پسند یا کاربردی به فروش می‌رسد. این دستاورد مشترک توزیع کتاب و مطبوعات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این در دنیا متداول و مرسوم است و اتفاقاً رخداد مبارکی هم هست که کتابفروشی‌های ما علاوه بر عرضه کتاب، نشریه هم عرضه کنند. الان در برخی از استان‌ها نه تنها کتابفروشی‌ها، بلکه بسیاری از فروشگاه‌های سطح شهر هم به دلیل اقبال مردم روزنامه‌ها و نشریات عرضه می‌کنند و این‌طور نیست که فقط روزنامه در ده‌کده مطبوعات ارائه شود. بنابراین اگر کتابفروشی‌ها علاوه بر نشریات تخصصی حتی نشریات روزانه را هم ارائه کنند، به نظر من جای دوری نمی‌رود. ما هم استقبال و تشویق می‌کنیم. در مورد عرضه و فروش کتاب در ده‌کده‌های مطبوعاتی هم باز چون این کار، اقدامی فرهنگی است، منافاتی نمی‌بینم که آن کتاب‌هایی که بیشتر مورد علاقه مردم هستند، در ده‌کده‌های روزنامه‌فروشی یافته شود. در دنیا هم متداول است که ده‌کده‌های روزنامه‌فروشی، کتاب‌هایی با قطع کوچک و پالتویی را در کنار مطبوعات و نشریات عرضه کنند.

به نظر شما افزایش نشریات در کشور چه کمکی به گسترش کتابخوانی می‌کند؟

افزایش تعداد نشریات به گسترش کتابخوانی کمک فراوانی خواهد کرد. در دوره کنونی هیات نظارت بر مطبوعات و در دولت نهم سعی ما بر این بود که به نشریات علمی و دانشگاهی و نشریات تخصصی بهای بیشتری بدیم و اگر کسانی متقاضی این نوع نشریات بودند، پرونده آنها را در اولویت رسیدگی قرار دهیم. شما می‌دانید که تعداد پرونده‌هایی که الان در نوبت صدور مجوز قرار دارند، قریب به سه هزار پرونده است. ما در دولت نهم در دو سال گذشته و سال جاری، نشریات علمی و تخصصی را در اولویت قرار دادیم؛ به طوری که می‌توان گفت در حال حاضر نشریات علمی و دانشگاهی به روز هستند؛ یعنی در مدت کمتر از دو سه ماه پرونده یک نشریه علمی و دانشگاهی در هیات نظارت مطرح می‌شود. در مورد نشریات تخصصی هم شش یا هشت ماه تا به روز شدن فاصله داریم. آنها هم از نظر ما در اولویت رسیدگی قرار دارند چون اعتقادمان بر این است که به علم و دانش و تخصص باید بها داده شود و ثمره این بهادادن را هم در کشور می‌بینیم. در هر بخش و مرکزی که به علم و تخصص توجه بیشتری شده، اثرات خوشایندی برای جامعه داشته به طوری که در عرصه‌های گوناگون علمی و صنعتی شاهد این پیشرفت هستیم. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و هیئت نظارت بر مطبوعات هم با اولویت قرار دادن نشریات علمی و دانشگاهی در واقع خواسته‌اند با قافله رو به جلوی علم و فناوری همراهی و همگامی کنند. در بحث میزان مطالعه مطبوعات در مقایسه با خیلی از کشورها شاید ما وضعیت مطلوبی هم داشته باشیم، اما می‌توان گفت که وضعیت فعلی سرانه مطالعه کتاب و مطبوعات ایده‌آل نیست.

رسانه‌های گروهی چه امکانات و ظرفیت‌هایی برای ارجاع مخاطبان خود به کتاب دارند و در حال حاضر چقدر از این ظرفیت‌ها استفاده می‌شود؟

فکر می‌کنم در این زمینه باید فرهنگ‌سازی شود تا مردم به مطالعه تشویق و ترغیب شوند و ترغیب هم این نیست که ما به طور مستقیم به مردم پیشنهاد کنیم

ظاهراً هرچه رویکرد مطبوعات تفسیری‌تر می‌شود، مخاطبان آنها قدر مشترک بیشتری با کتابخوانان حرفه‌ای پیدا می‌کنند، آیا می‌توان با تقویت این رویکرد در مطبوعات، کتابخوانی را ترویج کرد؟

آنچه مسلم است، افزایش سرانه مطالعه کتاب و مطبوعات تاثیر متقابل بر یکدیگر دارد. بر اساس دریافت شخصی خودم فکر می‌کنم کسی که ابتدا با نشریات شروع می‌کند، قطعاً به سمت کتاب خواهد رفت؛ البته عکس این موضوع هم صادق است؛ به این معنی که مطبوعات علاوه بر اطلاع‌رسانی، رویکرد تحلیلی و فرهنگی داشته باشند. ما اتفاقاً در بحث کمک به نشریات، بحث محتوا را به صورت جدی مطرح و اجرایی کردیم. دست‌اندرکاران در جریان هستند که در بخش حمایت‌ها، صرفاً شاخص‌های کمی مورد نظر نیست و این‌طور نیست که شمارگان، تعداد

هفتمین جشنواره کتاب و رسانه برتر و دومین جشنواره کتاب و رسانه ملی برگزار شد

جایزه کتاب به مطبوعات



کار ویژه رسانه ای است که با هنرمندی در این باره عمل می کنند.

پس از قرائت بیانیه با حضور دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی اصغر جعفری، رئیس حوزه ریاست سازمان صدا و سیما و مجتبی رحماندوست، مشاور مقام معظم رهبری در امور ایثارگران، از برگزیدگان هفتمین جشنواره کتاب و رسانه برتر تقدیر به عمل آمد.

در بخش صدا و سیما و در حوزه خبر، میترا لبافی از واحد مرکزی خبر و علی نورآبادی از رادیو به عنوان نفرات برگزیده معرفی شدند.

در بخش گزارش جواد صبحی از روزنامه قدس به عنوان نفر اول معرفی شد و سعید سعیدی و آناهید خزیر هر دو از خبرگزاری ایبنا به طور مشترک مقام دوم این رشته را به خود اختصاص دادند.

در بخش گفت و گو نیز هیئت داوران ضمن تقدیر از جواد صبحی، فرزام شیرزادی را از روزنامه کارگزاران به عنوان نفر اول معرفی کرد و جابر تواضعی نیز از روزنامه جام جم مقام دوم را از آن خود کرد.

همچنین علیرضا غلامی از خبرگزاری فارس، مقام سوم این رشته را کسب کرد.

در بخش یادداشت و مقاله نیز فرهاد حسن زاده از روزنامه همشهری، کامران شرفشاهی از روزنامه اطلاعات و حسین فصیحی از روزنامه جوان به عنوان نفرات اول تا سوم معرفی شدند. در بخش خبر نیز هیئت داوران کسی را به عنوان برگزیده اول و دوم در خور تقدیر نداشتند و از غلامی خبرنگار خبرگزاری ایبنا را به عنوان نفر سوم معرفی کرد.

در بخش ویژه این جشنواره نیز روزنامه مردم سالاری به دلیل پوشش گسترده و مناسب اخبار و برنامه های شانزدهمین دوره هفته کتاب به عنوان رسانه برتر در این حوزه شناخته شد.

همچنین محمود نادعلی به دلیل فعالیت مستمر در حوزه مطبوعات، جایزه ویژه ای را از دستان معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرد.

برگزیدگان دومین جشنواره کتاب و رسانه ملی

در دومین جشنواره کتاب و رسانه ملی نیز، هیئت داوران در بخش های برنامه های ساده، برنامه های ترکیبی، مشاغل و حرفه ها، مستند ترکیبی، گفت و گو، برنامه زنده و پویانمایی به معرفی برگزیدگان این حوزه پرداخت.

در بخش برنامه های ساده، برنامه "پیک صبا" از شبکه رادیویی جهانی صدای آشنا، گفت و شنود "از رادیو معارف و تقد کتاب از رادیو فرهنگ به عنوان برنامه های برگزیده معرفی شدند.

در بخش برنامه های ترکیبی نیز برنامه های "نشانی" از رادیو جوان و "بچه های البرز" از رادیو کرج برگزیده شدند. در بخش مشاغل و حرفه ها نیز برنامه های "هفت اقلیم" از رادیو فرهنگ، "نشانی" از رادیو جوان، "بچه های البرز" از رادیو کرج، "یار مهربان" از رادیو ورزش و "طلوع معرفت" از رادیو قرآن برگزیده شدند. در قالب مستند ترکیبی نیز برنامه "جلال آل احمد" از شبکه ۲ برگزیده شد و در قالب گفت و گو نیز برنامه های گفت و گوهای فرهنگی از شبکه ۴، "حکیم توس" از شبکه ۴ و "روزی بود روزی نبود" از گروه کودک شبکه یک به عنوان برنامه های برگزیده معرفی شدند. در قالب برنامه زنده نیز برنامه های "مردم ایران سلام" و "دو قدم مانده به صبح" برگزیده شدند و برنامه "دانشمندان بزرگ" از مرکز فرهنگی هنری صبا نیز به عنوان برنامه برگزیده پویانمایی معرفی شد.

وی افزود: در افق رسانه جایگاه ویژه ای برای کتاب طراحی و برنامه های متعددی پیش بینی شده است و امیدواریم در سال آینده برنامه های ما عمق بیشتری پیدا کند. همچنین امیدواریم با همت، همراهی و تعامل مجموعه دستگاه های فرهنگی بتوانیم از همه توانمندی های موجود بهره ببریم و شاهد تحول و نوآوری در تولید آثار ارزشمند باشیم.

ماندگاری، رمز موفقیت

پس از جعفری، فرزام شیرزادی برگزیده تبه نخست هفتمین جشنواره کتاب و رسانه برتر در حوزه گفت و گو که به نمایندگی از برگزیدگان در این مراسم سخن می گفت، ضمن اشاره به لزوم تخصص در خبرنگاری حوزه کتاب گفت: در مطبوعات دو حوزه هست که نوشتن در آن به تخصص نیاز دارد؛ یکی از این حوزه ها حوزه فرهنگ و به خصوص کتاب است و دیگری حوزه اقتصاد. بنابراین ورود به این عرصه ها در مطبوعات دشوار است و دشوارتر از آن ماندگاری در این عرصه هاست.

وی افزود: از دهه، دو دهه سال پیش با توسعه بخشی از مطبوعات، صفحاتی هم به کتاب اختصاص داده شد و از آنجا که خبرنگار تربیت شده ای در حوزه کتاب وجود نداشت، برخی نویسندگان جذب صفحات کتاب شدند. برخی از آنها ماندند و برخی دیگر این کار را کنار گذاشتند؛ اما آسیبی که در حوزه خبرنگاری کتاب وجود دارد این است که بسیاری به تصور اینکه کار در حوزه کتاب سهل است، وارد این حوزه می شوند اما ماندن در این حوزه دشوار است چون خبرنگار این عرصه در گزارش کتاب و مصاحبه، باید قدرت تحلیل داشته باشد و کتاب های نویسنده مورد نظر را خوانده باشد. در این راستا مطالعه همه آثار یک نویسنده، برگ برنده ای برای خبرنگار کتاب است.

راهبرد تشویق به مطالعه

جلال خوش چهره به نمایندگی از هیئت داوران هفتمین جشنواره کتاب و رسانه برتر در بخش دیگری از این مراسم به قرائت بیانیه این جشنواره پرداخت.

در بخشی از این بیانیه آمده بود: قرائت از شیوه های تبلیغ و تشویق فرهنگ کتابخوانی، دامن زدن به ترغیب مطالعه میان آحاد اجتماعی است که مهم جلوه می کند. انجام این منظور متکی بر سیاست هاگذاری های کلان فرهنگی و عواملی خواهد بود که به طور مستقیم در نگارش، تدوین و انتشار کتاب دخالت دارند. در این میان آنچه طراوت لازم را برای ترغیب به کتابخوانی و ارتقای سطح کمی و کیفی صنعت نشر فراهم می کند،

برویم. وی درباره نقد مسئولان فرهنگی نیز گفت: اگر ما را نقد کنید، از آن ناراحت نمی شویم اما اگر قرار است نقد متمر ثمر باشد، باید به همه بخش ها نگاه کنید و بخش خصوصی، بخش دولتی و مجریان دولتی را در کنار هم نقد کنید. چنین نقادی منجر به نتیجه می شود. وی در پایان گفت: همکاران ما تا پاسی از شب به داوری کارهای ارائه شده به این جشنواره مشغول بودند و قرار بود منصفانه داوری شود ان شاء الله همین طور است. برگزیدگان این جشنواره به نمایندگی از بقیه همکاران در این مراسم حضور دارند و برگزیدگان آنها به معنی نادیده گرفتن تلاش های دیگران نیست. امیدواریم تعامل خوب حوزه کتاب با رسانه ها همیشه پایدار بماند.

همه با هم در کنار کتاب

مدیرکل حوزه ریاست سازمان صدا و سیما نیز که به نمایندگی از این سازمان در مراسم هفتمین جشنواره کتاب و رسانه برتر و دومین جشنواره کتاب و رسانه ملی حضور داشت، درباره این جایزه گفت: خوشبختانه نسبت به گذشته تحولات خوبی رخ داده و فضای مناسبی برای ارتقای کیفی فعالیت های فرهنگی و عرصه کتاب فراهم شده است. بخشی از این گام ها قطعاً به همت ستاد برگزاری هفته کتاب و معاونت فرهنگی وزارت ارشاد برداشته شده و بخشی از آن هم به خاطر تعامل و همکاری ارزشمند همه استادان این حوزه است چون حرکت در حوزه کتاب جز در سایه تعامل همه دستگاه های فرهنگی میسر نیست.

جعفری افزود: ما از پیشینه بسیار غنی ای در عرصه فرهنگ برخورداریم و سوابق بسیار درخشانی داریم. هر چند امروز فرهنگ مطالعه و صنعت نشر ما نسبت به این جایگاه عظیم، از عقب ماندگی رنج می برد و شأن ملت و فرهیختگان ما بیشتر از آن است، اما حرکت و روند تکاملی این حوزه بیانگر این است که با قدم هایی بلند تلاش می کنند فاصله ها را کم کنند که بخش عمده این توفیق به عهده اندیشمندان و بخشی نیز بر عهده وزارت ارشاد و رسانه ها - خصوصاً رسانه ملی - است.

جعفری گفت: صدا و سیما بر خود فرض دانسته که همیار وزارت ارشاد و در کنار صاحبان قلم، خالقان اثر و اندیشمندان باشد. در سال گذشته به شهادت همه صاحب نظران در شبکه های مختلف گام های بلندتری در این حوزه برداشته ایم و برنامه های فاخری ساخته ایم اما اذعان داریم که نسبت به جایگاه تحقیق، مطالعه کتاب و فرهنگ، هنوز راهی طولانی در پیش داریم و شایسته است که این حق را به طور کامل ادا کنیم.

۲۸ آبان ماه برابر با آخرین روز هفته کتاب، سرای اهل قلم شاهد برگزاری هفتمین جشنواره کتاب و رسانه برتر و دومین جشنواره کتاب و رسانه ملی بود که با حضور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از اهالی رسانه برگزار شد.

در این مراسم دکتر محسن پرویز معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به دیرپا بودن بحث کتاب و رسانه ها گفت: یکی از راه های طرح کتاب و آشنا کردن مخاطبان با کتاب، طرح آن در رسانه ها و مطبوعات است. این بحث حتی زمانی که تعداد عناوین کتاب های هر حوزه حداکثر به ۱۰۰ عنوان هم نمی رسید، مطرح بود که کتاب های خوب در رسانه ها معرفی شود و سیاست های این عرصه مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا افراد بتوانند به کتاب های مورد نیازشان دست یابند.

وی افزود: امروز که به نقطه ای رسیده ایم که عناوین کتاب های منتشر شده در سال از مرز ۵۰ هزار عنوان عبور کرده، طبیعتاً افراد این توان را ندارند که همه این عناوین را بخوانند، پس باید کسانی باشند که کتاب های خوب را به مردم معرفی کنند. از طرف دیگر گاهی نقد منصفانه کتاب هاهم کمک می کند که کتاب های خوب به فروش بهتری دست پیدا کنند. چون نقد هم نوعی معرفی است و لول اینکه معایب یک کتاب، بیش از محاسن آن مطرح شده باشد، چون نشان دهنده این است که این کتاب به هر حال حرفی برای گفتن دارد و این مسئله مسلماً روی فروش کتاب اثر گذار خواهد بود.

دکتر پرویز با اشاره به نقش تبلیغات رسانه ای در فروش و محبوبیت مجموعه کتاب های هری پاتر گفت: کتاب هایی با مضامینی شبیه به هری پاتر، با شمارگان های متعارف منتشر می شد اما هری پاتر به خاطر تبلیغات و حرکاتی که اصحاب رسانه انجام دادند، به این مرز از فروش در دنیا دست پیدا کرد.

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن قدردانی از مطبوعات تخصصی، روزنامه ها و رسانه ملی برای دامن زدن به بحث معرفی کتاب، گفت: در گذشته می گفتیم که چرا در دکورهای تلویزیون کتاب نیست، چون عموماً در خانه های مردم کتاب هست. الان دوستان رسانه ملی به این مسئله توجه پیدا کرده اند و قدمی رو به جلو برداشته اند که از آنان تشکر می کنیم. در گذشته کتاب در مطبوعات یک موضوع حاشیه ای بود اما الان در حال مطرح شدن است.

دکتر پرویز ضمن اشاره به اهمیت نقد سیاست های بخش های دولتی و خصوصی نشر در رسانه ها گفت: اگر در چارچوب قوانین نشر سنتی می کنیم چه ایرادی دارد که رسانه ها تذکر بدهند؟ گاهی تذکر، تلنگری برای برطرف کردن ضعف می شود به اضافه اینکه گاهی علاوه بر بخش های دولتی نشر، ممکن است در بخش خصوصی هم کم کاری هایی صورت بگیرد که آن را هم باید نقد کرد. چون گاهی شنیده می شود که برخی ناشران حکم دلال را پیدا کرده اند و از مولفان پول می گیرند تا کتابشان را چاپ کنند.

وی افزود: اگر ما چنین مواردی را تذکر داده ایم از سر دلسوزی بوده چون به عنوان مسوولان فرهنگی، فقط مسوول ناشران نیستیم و باید به امور مولفان هم رسیدگی کنیم تا به برطرف کردن مشکلات کمک شود. رسانه ها هم باید در نقد بخش اجرایی، دولتی و خصوصی نشر، نقایص را شجاعانه مطرح کنند، همه جوانب کار را در نظر بگیرند و سعی کنند راه حل ارائه دهند. من امروز خوشحالم که می بینم در هر دو بخش مطبوعات و رسانه ملی، گام های خوبی برداشته شده و می توانیم امیدوار باشیم که سال به سال بیشتر پیش



کارشناسان از ظرفیت های مطبوعات برای انعکاس اخبار کتاب می گویند

قطار کتاب در ریل روزنامه

مطبوعات در جهان معاصر با رشد و گسترش دامنه اثرگذاری رسانه های دیداری و شنیداری بر فرهنگ بشری، شاید دیگر از اثرگذاری روزگارپیدایش نخستین روزنامه ها برخوردار نباشند، اما نمی توان نقش آنها را بر فرهنگ سازی در جوامع نادیده گرفت. مسلماً کتابخوانی و ترغیب به آن، نقش مهمی در رشد فرهنگ بشری دارد و رسانه های نوشتاری این قدرت را دارند که از طریق انتشار مطالب مرتبط با کتاب، مخاطبان خود را به کتابخوانی تشویق کنند.

در گزارش حاضر با استفاده از نظرات سه تن از استادان روزنامه نگاری، به بازنمایی قابلیت های رسانه های مکتوب در گسترش کتابخوانی می پردازیم و در این میان گوشه چشمی هم به وضعیت پرداختن به کتاب در رسانه های مکتوب کشورمان خواهیم داشت.

رسانه های مکتوب در بازنمایی اهمیت کتاب قابلیت های فراوانی در اختیار دارند و قالب های مختلف اعم از خبر، گزارش، مصاحبه، نقد، تحلیل، مقاله و ... می تواند در خدمت کتاب درآید. حسین قندی، روزنامه نگار و مدرس ارتباطات می گوید: فکر می کنم یکی از وظایفی که مطبوعات بر عهده دارند، پرداختن به تازه های کتاب یا کتاب هایی است که به دلیل فروش بالا، به شمارگان خوبی دست پیدا کرده اند اما در این حوزه با دو مشکل روبه رو هستیم؛ نخست اینکه مطبوعات ما کمتر به کتاب می پردازند و دوم اینکه تعداد کتاب هایی که در ایران به فروش بالا دست پیدا می کنند، محدود است که دلایل این امر را باید از ناشران و پدیدآورندگان پرسید که چرا کتاب هایی با شمارگان متوسط منتشر می کنند یا دست به انتشار کتاب هایی می زنند که فروش ندارند. به عقیده من اینها نکته هایی است که مطبوعات می توانند به آن بپردازند و درباره آن پرس و جو کنند.

او ادامه می دهد: البته در برخی نشریات به کتاب پرداخته می شود اما مهم این است که در میان دوهزار نشریه، آیا همه به کتاب می پردازند؟ به نظر من نه! احمد توکلی، مدرس ارتباطات نیز می گوید: رسانه های مکتوب همان گونه که از ناشران برمی آید، قابلیت مکتوب کردن مفاهیم، اندیشه ها و ... را دارند و در این میان می توانند به نقد، بررسی و معرفی کتاب نیز بپردازند.

امافریدون صدیقی، روزنامه نگار و مدرس ارتباطات ترجیح می دهد به جای پاسخ دادن به این سوال که رسانه های مکتوب چه قابلیت هایی برای بازنمایی اهمیت کتاب دارند، به آسیب شناسی حضور کتاب در مطبوعات بپردازد. او می گوید: اکثر دوستانی که مسئولیت نقد، بررسی و معرفی کتاب در مطبوعات را به عهده دارند، نگاه تخصصی و علمی به رسانه خود ندارند یا اگر دارند، آن نگاه را در کار خود لحاظ نمی کنند، یعنی بین معرفی کتاب در یک نشریه تخصصی و یک نشریه عمومی تفاوتی قائل نیستند. نتیجه این می شود که گاهی مطالب کتاب یک روزنامه عمومی در سطح یک نشریه تخصصی کتاب است. بنابراین مخاطب نشریه عمومی با آن ارتباط برقرار نمی کند بنابراین رسانه های مکتوب قابلیت های زیادی برای طرح اهمیت کتاب دارند اما متأسفانه به درستی از آن استفاده نمی شود.

رسانه ها و ترغیب به کتابخوانی

درباره نقش رسانه ها در ترغیب مردم به کتابخوانی در کنار مصاحبه، گزارش و نقد و بررسی کتاب، باید به دو مقوله آگاهی و معرفی کتاب نیز توجه کرد. قندی با تکیه بر محصولات ناشران خصوصی می گوید:

ناشران بخش خصوصی که بیشترین بخش بازار نشر را در اختیار دارند، می توانند در کنار سایر هزینه هایی که برای چاپ کتاب متحمل می شوند، هزینه ای را هم برای آگاهی کتاب های خود صرف کنند، چون این کار به نفع آنهاست و به فروش و شمارگان کتاب هایشان کمک می کند. البته به شرط اینکه در کنار آگاهی، نوعی معرفی اجمالی هم از کتاب انجام دهند. این کار کمک می کند که یک کتاب راه خود را پیدا کند و مخاطب به خواندن آن ترغیب شود.

توکلی اما شرط لازم برای دیده شدن یک کتاب در مطبوعات را اهل مطالعه بودن مخاطبان می داند و می گوید: بدیهی و طبیعی است که اگر مخاطب رسانه ای اهل مطالعه باشد و درباره کتاب مورد علاقه خود مطلبی بخواند، حتماً آن کتاب را می خرد و می خواند. البته دیده شدن تبلیغ یا معرفی کتاب در رسانه های مکتوب هم شرط مهمی برای تاثیرگذاری بر مخاطب است چون دیده شده است که در برخی روزنامه ها و مجلات به کتاب پرداخته می شود اما چون تبلیغ به درستی صورت نگرفته یا مطلب مرتبط با کتاب در صفحاتی چاپ شده که به چشم مخاطب نمی آید، مخاطب آن را نمی بیند.

او در پاسخ به این سوال که آیا رسانه های مکتوب می توانند کسانی را که کتاب نمی خوانند به کتابخوانی سوق دهند یا خیر؟ می گوید: شاید بتوان کسی را که به کتاب های یک حوزه علاقه دارد، با معرفی کتابی در یک حوزه دیگر علاقه مند کرد اما کسی که کتابخوان نباشد، با تبلیغ و آگاهی هم کتاب نمی خرد و در نتیجه کتاب هم نمی خواند.

صدیقی نیز می گوید: ممکن است نشریات عمومی به کتاب بپردازند اما میزان تاثیرگذاری آنها در ترغیب مخاطب به کتابخوانی زیاد نیست. او دلایل زیادی از جمله روزنامه نگار نبودن بسیاری از نویسندگان مطالب مرتبط با کتاب در رسانه های مکتوب، دخالت دادن علایق شخصی و نظریه پردازی در معرفی کتاب های موجود در بازار، توجه نکردن به مخاطب نشریه، دخالت دادن تایید یا رد صاحب اثر، نسبت دادن قابلیت هایی به کتاب که اثر فاقد آن است و ... را از جمله عواملی می داند که از میزان تاثیرگذاری مطالب می کاهد.

کتاب در آینه کاغذی

نگاهی اجمالی به صفحات فرهنگی روزنامه ها کافی است تا به این نتیجه برسیم که رسانه های مکتوب ما آن گونه که باید و شاید به کتاب و کتابخوانی نمی پردازند. قندی مشکل دیگر را مختصر بودن و یکنواختی شیوه های معرفی کتاب در مطبوعات می داند و می گوید: متأسفانه در معرفی ها به صورت قالبی فقط به ذکر مشخصات شناسنامه کتاب بسنده می شود و درباره مطالب کتاب اشاره ای وجود ندارد در صورتی که کسی که کتاب را معرفی می کند باید آن را خوانده باشد و درباره جاذبه های آن بنویسد تا مخاطب با آن درگیر شود. این در حالی است که بسیاری از افرادی که درباره کتاب می نویسند، آن را نخوانده اند و ناگفته پیداست که مخاطب با خواندن مطلب آنها کتاب را نمی خرد یا نمی خواند.

او ادامه می دهد: در صفحات ویژه کتاب در مطبوعات معمولاً عکس کوچکی از روی جلد کتاب چاپ می شود که اصلاً توجه مخاطب را جلب نمی کند. به اعتقاد توکلی وضعیت صفحات کتاب در مطبوعات کشور مساعد نیست. او می گوید: مهم ترین دلیل این مسأله به رویکرد غالب در سیاسی بسیاری از روزنامه ها برمی گردد. مطبوعات می گویند:

به دنبال درآمد و شمارگان هستند و در چنین شرایطی، مطبوعاتی که به کتاب می پردازند، ایثار می کنند. صدیقی نیز پیرو نقدهایی که بر وضعیت معرفی کتاب در مطبوعات دارد، می گوید: من فکر می کنم رسانه های مکتوب ما آن گونه که سزاوار معرفی یا دامن زدن به کتابخوانی و گسترش آن است، عمل نمی کنند.

او در ادامه به توجه نکردن رسانه ها به مهم ترین گروه هدف کتابخوانی یعنی جوانان اشاره می کند و می گوید: نکته مهمی که در معرفی کتاب در نشریات با آن روبه رو هستیم این است که در معرفی و نقد به سراغ کتاب هایی می روند که مخاطب جوان علاقه زیادی به آنها نشان نمی دهد. از طرف دیگر کتاب هایی که مخاطبان خاص دارند، در نشریات با توجه و اقبال روبه رو می شوند اما خواننده ای که به آثار عامه پسند گرایش دارد، آنچه را که منتقدان گفته اند در کتاب نمی یابد. ضمن اینکه آثار عامه پسند عموماً در مطبوعات با سرزنش مواجه می شوند. بنابراین مخاطب از ایجاد ارتباط با مطالب مرتبط با کتاب در اکثر مطبوعات باز می ماند.

نقش پررنگ تر

با توجه به آماری که هر هفته از سوی خانه کتاب از کتاب های تازه انتشار یافته منتشر می شود، نمی توان مدعی شد که در کشور ما کتاب های کمی منتشر می شود. بنابراین شاید بتوان ادعا کرد که رسانه های

مکتوب در یافتن سوژه با مشکل عمده روبه رو نیستند اما متأسفانه خروجی آنها چندان که باید با کتاب نسبت ندارد.

حال این سوال مطرح می شود که مطبوعات چگونه می توانند نقش پررنگ تری در مواجهه با کتاب داشته باشند؟

قندی به جز تبلیغ و معرفی کتاب و نوشتن درباره آثار مثبت مطالعه کتاب های مورد نظر، راه دیگری را برای افزایش میزان اثرگذاری رسانه های مکتوب متصور نیست اما توکلی می گوید: پیشنهادی که فی البداهه به ذهنم می رسد این است که وزارت ارشاد می تواند میزان توجه به کتاب و به طور کلی فرهنگ را در ارائه پارانه به مطبوعات دخیل کند. البته تاکید می کنم که به اصولی بودن چنین پیشنهادی اطمینان کامل ندارم. اطمینان حاصل کردن از میزان اثرگذاری این اهرم های تشویقی، نیاز به کارشناسی و بررسی دارد.

صدیقی نیز با اشاره به تعریف رسانه و مخاطب شناسی رسانه ها می گوید: رسانه با مخاطب تعریف می شود. بنابراین رسانه های مکتوب باید به کتاب هایی نزدیک شوند که برای مخاطب مهم است. به طور کلی در پرداختن به کتاب در ژانر های مختلف اعم از گزارش، خبر، تحلیل، معرفی و گفت و گو نیاز به نوعی بار تعریف احساس می شود تا مطالب تولید شده بیشترین میزان اثرگذاری بر مخاطب را داشته باشند.

فراخوان

خانه کتاب در نظر دارد تکمیل بانک اطلاعات کتاب خود را به متخصصان و شرکت های خدمات کتابداری و اطلاع رسانی واگذار نماید.

متخصصان و شرکت های که علاقمند به همکاری هستند، برنامه و هزینه پیشنهادی خود را در دوره های زمانی، از ابتدای چاپ تا پایان سال ۱۳۴۴، از ابتدای سال ۱۳۴۵ تا پایان ۱۳۵۶ و از ابتدای ۱۳۵۷ تاکنون، با توجه به نکات زیر به آدرس موسسه ارسال فرمایند:

۱- فیلدهای اطلاعاتی مورد نیاز برای هر عنوان:

- فیلدهای اطلاعاتی عنوان کتاب، پدیدآورندگان، جنس و نقش آنها (اعم از نویسندگان، مترجمان، ویراستاران، تصویرگران و ...)، موضوع ها، شماره رده دهی دیویی، ناشران، محل نشر، سال نشر، بها، تیراژ، زبان اثر، قطع، تعداد صفحه، شماره جلد، عنوان دوره، شابک، برای هر رکورد ضروری است.
- فیلدهای تاریخ تولد و وفات پدیدآورندگان، زبان ترجمه، گروه سنی، نوع جلد، نوبت ویرایش، واژه نامه و کتاب نامه و نمایه، عنوان عطف و عنوان به انگلیسی، و عنوان روی جلد در صورت موجود بودن روی کتاب باید در نرم افزار وارد شود.
- ۲- برای اختصاص رده دهی دیویی از ویرایش ۲ رده بندی دهی دیویی استفاده شود.
- ۳- برای آوردن مشخصات توصیفی بر اساس قواعد فهرست نویسی انگلو امریکن و قواعد فهرست نویسی کتابهای فارسی کتابخانه ملی ایران، اقدام شود.
- ۴- برای مستند کردن اسامی مولفان و پدیدآورندگان از «مستند مشاهیر و مولفان» از انتشارات کتابخانه ملی استفاده شود.
- ۵- برای اختصاص موضوع ها از آخرین ویرایش «سرعنوان های موضوعی کتابخانه ملی» و Subject Heading کتابخانه کنگره آمریکا استفاده شود.
- ۶- برای مستند کردن اسامی تالکان ها (سازمان ها) از «مستند اسامی سازمان و مراکز»، از انتشارات کتابخانه ملی استفاده شود.
- ۷- برای مستند نام ناشران از شیوه نامه «مستند نام ناشران» موسسه خانه کتاب استفاده شود.

شایان ذکر است رکورد های تهیه شده نباید در بانک اطلاعاتی موسسه خانه کتاب (نرم افزار ارائه شده) موجود باشد.

مهلت ارسال پیشنهاد: پایان وقت اداری ۱۰ آذر ماه

آدرس موسسه تهران، خیابان انقلاب، بین فلسطین و سیای جنوبی، ساختمان ۱۱۷۸، طبقه دوم، دبیرخانه موسسه خانه کتاب

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۴۹۵۰ - داخلی ۲۰۷ و ۲۰۸

www.ketab.ir information@ketab.org.ir



جایزه جلال ژرفابخش نقادی

جایزه ادبی جلال آل احمد اقدام خوبی بود که با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تصویب شد.

به عقیده من نفس این اقدام در تعمیق مطالعات ادبی، اجتماعی و سیاسی بسیار موثر است و می تواند برای نویسندگان نیز مشوق خوبی باشد. اما نکته ای که در این میان اهمیت دارد، برگزیدن جلال به عنوان یک چهره مطرح در ادبیات است. زیرا گرایش های اجتماعی، سیاسی و تاریخی عمیقی در آثار او وجود دارد و در کنار اینها، شخصیت پویایی دارد و دوران های متفاوتی را پشت سر گذاشته است. بنابراین با توجه به تکاپوی جدی اش در عرصه مطالعات اجتماعی و ادبی می تواند در آثار این حوزه تحول کیفی ایجاد کند و انتخاب او، انتخاب بجایی است.

او طی چهار دهه، از یک چهره مذهبی، به منتقد مذهبی و حتی غیر مذهبی تبدیل می شود اما از دهه چهل به بعد - که دهه پایانی عمر او هم هست - گرایش دینی و مردمی پیدا می کند که می تواند برای بسیاری از نویسندگان ما آموزنده باشد. زیرا او که در مسائل روشنفکری به تمام معنا حضور داشته است، به این نتیجه می رسد که باید نگاه دیگری به فرهنگ دینی و ملی خود داشته باشد. جلال از منظر این نگاه به بالندگی قلمی رسید و این جایزه می تواند میان نویسندگان امروز و تکاپوی جلال پیوند برقرار کند.

جلال هم بر روشنفکران و هم برغزبزدگی نقد جدی وارد می کند و در حوزه تاریخ نگاری هم حقایقی را می بیند که بسیاری از تاریخ نویسان هم عصر او ندیده اند و نکاتی را جست و جو می کند که مورخان هم عصر او، کمتر به آنها پرداخته اند. به عنوان مثال در نگاهی که به پدیده استعمار و غزبزدگی دارد، تاریخ را به مسائل اجتماعی پیوند می زند و از نقالی صرف عبور می کند. او نقش کانون های پنهان در تحولات سیاسی ایران را به خوبی تشخیص می دهد و در آثار خود به آن اشاره می کند. نگاه موشکافانه او به شرق شناسی و تکاپوی استعماری پنهان در فعالیت های برخی شرق شناسان، نکته ای است که در آثار دیگران عموماً از آن غفلت شده است. جلال در تاریخ نگاری زکام نیست و به راحتی بوی جریانات وابسته به بیگانگان را حس می کند.

امروز اما، برای آشنایی نسل جوان با جلال و دیدگاه هایش باید کارهای جدی انجام شود. آن گونه که از خاطرات مربوط به جلال برمی آید، در طراحی پروژه هم تبحر خاصی داشته و درباره تحقیق، از دیدگاه های روشنی برخوردار بوده است. اگر از این دیدگاه ها استفاده شود، هم کارهای ناتمام او به انجام می رسد و هم مطالعات جدیدی رقم زده می شود.

باید دید که این جایزه چه اثری بر برگزیدگان می گذارد اما حداقل این حمایت فرهنگی سبب می شود که هم آنها و هم دیگران در انجام کارهای بزرگ سعی باشند. چون جایزه ادبی جلال آل احمد، جایزه بزرگی است و هم نام جلال و هم مشوق مادی آن می تواند نویسندگان را به مطالعات عمیق تشویق کند و به انجام کارهای بزرگ سوق دهد و زمینه ای برای به وجود آمدن آثار عمیق تر باشد.



نخستین دوره جایزه جلال آل احمد برگزیدگان خود را شناخت

نام جلال، انگیزه اهل قلم



حضور استعداد های جوان اتفاق بیفتد و می شود امیدوار بود که در آینده هر چه بیشتر شاهد چنین اتفاقی باشیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: عملی که جلال در گسستن از جوامع عادت شده حزبی و رویکرد به مردم انجام داد، بسیار پر جسارت بود. حضور هنرمندان ما در مجموعه های کوچک مألوف، گاه موجب غفلت از جمع مردم می شود. جلال از حزب توده گسست و به توده مردم پیوست. او از جریان مالوف روشنفکری نیز با جسارت گذشت و جریان روشن فکری را در زمانه خود پایه گذاشت و امیدواریم که این جایزه، سبب گسترش این سنت پسندیده جلال آل احمد شود.

جایزه جلال: هوای تازه

دکتر غلامعلی حداد عادل رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز که در این مراسم حضور داشت، ضمن تبریک آغاز هفته بسیج گفت: غرض از نامیدن این جایزه به نام جلال آل احمد، کوششی برای زنده نگه داشتن نام او است بنابراین وظیفه داریم به صرف تکرار نام او بسنده نکنیم. وی افزود: آل احمد شخصیت تاثیر گذار و مهم سه دهه از تاریخ معاصر ماست. سرگذشت او، سرگذشت یک فرد نیست، سرگذشت یک نسل است. شناخت دوران او، شناخت قطعه ای پر تپش و پرتنش از تاریخ سیاسی و فکری قرنی است که ما در آن زندگی می کنیم.

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس افزود: برگزاری جایزه ادبی جلال، کاری بسیار شایسته است. شایسته است که به نام چنین شخصیتی جایزه داده شود و قدر او محفوظ بماند تا نویسندگان ما برای کسب این جایزه تلاش کنند. این جشنواره باید به ایجاد یک هوای تازه در فضای ادبیات ما

مراسم پایانی نخستین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، دوم آذرماه جاری همزمان با سالروز تولد این نویسنده فقید در تالار وحدت برگزار شد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس هیئت امنای جایزه ملی جلال آل احمد در این مراسم گفت: جایزه جلال آل احمد بهانه ای بود برای اینکه سفره ای گشوده شود که آل قلم با نگاهی به یک قافله سالار، بر سر این خوان بنشینند و همچنان که او تجربه کرد، تحول را برای فرهنگ و هنر این کشور به ارمغان بیاورند.

وی افزود: به واسطه اهمیت موضوع، شورای عالی انقلاب فرهنگی در تیرماه ۱۴۰۴ اجرای جشنواره ادبی جلال آل احمد را تصویب کرد و آیین نامه این جشنواره در آبان ۸۵ به تصویب این شورا رسید. پس از آن با تعیین هیئت امنا و اعضای هیئت علمی، کار برای برگزاری این جشنواره آغاز شد، اما در سال ۸۶ آمادگی لازم برای برگزاری این جشنواره را نداشتیم بنابراین نخستین دوره این جشنواره در سال ۸۷ برگزار شد.

محمد حسین صفار هرنندی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: جایزه ادبی جلال آل احمد به این معنا نیست که فقط درباره جلال آل احمد سخن بگوییم. البته در موسم برپایی این جشنواره ادبی حتما باید به آن روح به ملکوت پیوسته، ادای دین کنیم اما ما مامور شده ایم که با مقتدا قرار دادن این چهره شاخص، به داد امروز خود برسیم چون ادبیات داستانی ما امروز نیازمند تکاپوی بیشتر و تحرک افزون تر از ناحیه اهل قلم است.

وی افزود: البته با ظهور چهره های شاخص در ادبیات داستانی و دیگر شاخه های نویسندگی مثل مستندنگاری، نقد ادبی و نظایر آن که خود جلال تجربه کرده بود، در طول سالیان بعد از انقلاب شاهد ظهور و بروز نویسندگان خوبی بوده ایم اما با توجه به استعداد های این ملت و موج عظیمی از

متناسب با انقلاب اسلامی بینجامد.

دکتر غلامعلی حداد عادل تصریح کرد: آل احمد دوران کودکی و نوجوانی خود را در دوران خفقان رضاخانی سپری کرده است. او در ۱۳۲۰ و در سن ۱۸ سالگی، زمانی وارد عرصه فعالیت های اجتماعی می شود که دیکتاتوری رضا خان به پایان رسیده و ایران تجربه جدیدی را در پیش می گیرد که ترکیبی از آزادی، هرج و مرج، بیداری و دخالت بیگانه است. مظالم رضا خانی در بیست سال حکومت او، در این سال به صورت بغضی در گلو مانده می شکند و احزاب سیاسی به وجود می آیند که در این میان حزب توده به شعار عدالت خواهی، مساوات و کمک به زحمت کشان، نسل جوانی را که مثل فتر باز شده است، به سمت خود جذب می کند.

وی افزود: جلال در دهه ۲۰ تا ۳۰، یکی از هزاران جوان علاقه مند به پیشرفت و اصلاح ایران بوده که در این گرداب ربهوده می شود. این دهه کمابیش دهه فاصله گرفتن جلال از تصویر عرفی و جاری مذهب است که تصویر ناخوشایندی است و او را به جانب افکار غیر مذهبی و گاه ضد مذهبی سوق می دهد. در همین دوران است که رگه هایی از تفکر کسروی و دیگران را در آثار او می بینم و گاه، تاثیر صادق هدایت نیز در آثار او به چشم می آید.

حداد عادل گفت: امتحانی که حزب توده در قفسه آزادیجان پس داده بود و آنچه در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ اتفاق افتاد، جلال را در مسیر دیگری قرار داد. در این دهه جلال دیگر در مقابل مذهب و حتی ظواهر مذهبی نمی نویسد. او متوجه می شود که مشکل کشور این نیست، بنابراین، این دوران، دوران پیچش جلال به سمت توده مردم است. او کم کم از قالب کلیشه ای و عادت شده روشنفکری بیرون می آید و دیگر حرف های مارکسیست ها را تکرار نمی کند.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: جلال غربزدگی را تحت تاثیر قیام ۱۵ خرداد می نویسد و در ابتدای آن به شیخ فضل الله نوری ادای دین مسی کند. امروز در جمهوری اسلامی تجلیل از شیخ فضل الله کار سختی نیست اما در اوایل دهه ۴۰ و در بحبوحه تاریخ نگاری فراماسونری که شیخ هیچ جایگاهی در تواریخ رسمی نداشت، جلال او را تکریم می کند و سپس در اوایل دهه ۴۰ جلال کم کم به سوی مذهب گرایش پیدا می کند.

وی افزود: نسلی که من به آن تعلق دارم، نسلی است که جلال را در دهه ۴۰ شناخت و امثال من زیاد بودند که با ولع نوشته های روشنفکری را در مجلات آن زمان می خواندند. نسل ما با ۱۵ خرداد و قیام امام متولد شده بود و تصور ما و خود جلال از قیام، به تصور قبلی شبیه نبود. نثر دلنشین و بدیع جلال با هنرمندی ها و شجاعت او، برای جوان آن زمان، آموزنده و نگهدارنده از لغزش ها بود و جلال، جلال و منزلت خاصی داشت.

حداد عادل اضافه کرد: درباره جلال خیلی حرف ها هست و شرح این ماجراها، دینی است بر گردن امثال بنده که مدیون او هستیم. اما سه نکته در شخصیت جلال غیر قابل انکار است؛ استعداد شگرف او، صداقت او و شجاعتش که هیچ گاه از آنچه به سود ایران و مردم ایران بود، کوتاه نیامد اما سرنوشت نسلی که جلال به آن تعلق داشت، سرگذشت ناممومی بود. جلال مثل پروانه ای بود که مراحل دگردیسی را کامل طی نکرد و قبل از پروانه کامل شدن، در سن ۴۶ سالگی از دنیا رفت. در آینه سرگذشت جلال، سرگذشت یک نسل را می توان دید. اما امروز ما مذهبی ها حق را چنان که باید ادانی کنیم، به این دلیل که بعضی نوشته ها و حرف های او را نمی پسندیم. روشنفکران کلیشه ای هم از او خوششان نمی آید، برای اینکه به مذهب، روحانیت و مرجعیت نظر خوش داشت و با تحول درونی خود، خیر از تحول آینده جامعه ایرانی می داد. اما این مسئله جفا در حق جلال است و اگر دیگران از او یاد نمی کنند، ما نباید حق و سهم او را فراموش کنیم.

موج آل احمد در ادبیات ادامه می یابد

حسن رحیم پور ازغدی نیز که از سخنرانان این مراسم بود با طرح چند پرسش درباره نسل سوم ادبیات در دهه ۷۰ و ۸۰ گفت: معنای نمادین این جایزه این است که می خواهد موجی را که آل احمد در ادبیات، رمان، نقد ادبی و تاریخ نگاری ادبیات شروع کرده بود، ادامه دهد. اگر بچه های دهه ۵۰ را که با الهام از جلال و شریعتی تربیت شدند، نسل اول بدانیم و بچه های دهه ۶۰ را که در حوزه هنری مشق هنر می کردند، نسل دوم تلقی کنیم، فکر می کنم امروز شاهد نسل و موج سوم هستیم و شما نویسندگان به عنوان استادان این فن، باید این موج را هدایت کنید.

وی افزود: بسیاری از بچه های انقلاب با الگوبرداری از روی دست جلال و شریعتی کار خود را شروع کردند؛ مسئله ای که شاید شبه مافیای روشنفکری آن را انکار کند. این مراسم در واقع باید ادای دین به بچه هایی باشد که می خواهند راه آنها را ادامه دهند و به دست خود ما به حاشیه رفته اند. این جلسه نیاز فوری برای تشویق نسل سوم است.

این سخنران افزود: هنرمند مسلمان نباید از ترس رئالیست ها به دام رمانتیسیسم بیفتد. قوی ترین رمان های جهان در روسیه، انگلستان، آمریکا و فرانسه، متعلق به هنر ایدئولوژیک است که نه از جانب قلم های سوم شخص بی احساس بلکه جانبدارانه و مومنانه نوشته شده است.

ازغدی در پایان گفت: دروغ گفتن در عوالم هنر آسان است اما شما استادان می توانید به موج سوم سرگردان در حوزه و دانشگاه یاد بدهید که چگونه کنایه و مجاز و استعاره را حفظ کند تادروغ برای همیشه از عالم هنر محو شود.

گزارش دبیر جایزه ادبی جلال آل احمد
دکتر محمدعلی رضائی دبیر کتاب سال، کتاب

فصل و جایزه ادبی جلال آل احمد پیش از اهدای جوایز شایستگان تقدیر نخستین دوره این جایزه ادبی به ارائه گزارش این جایزه پرداخت. وی در این زمینه گفت: در این دوره از جشنواره آثار چاپ اول سال های ۸۵ و ۸۶ مورد داوری قرار گرفت و ان شاء الله از سال آینده به طور سالیانه برگزار می شود. در این دوره ۳۵۱۷ عنوان کتاب منتشر شده در ادبیات داستانی، نقد ادبی، تاریخ و مستندنگاری مورد داوری قرار گرفت و ۳۴۴۱ عنوان در دور اول داوری حذف شد و به این ترتیب ۷۶ عنوان کتاب به مرحله دوم راه یافتند.

رضائی گفت: در مرحله دوم هر اثر به وسیله دو داور ارزیابی و نتایج آن در برگه های طراحی شده ثبت شد و آثار واجد امتیاز بالاتر از ۷۰ از سوی داور سوم نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. آثاری که در مرحله دوم میانگین امتیاز ۸۰ و تا ۹۰ را کسب کرده بودند، شایسته تقدیر شناخته شدند اما هیچ اثری امتیاز بالای ۹۰ را کسب نکرد و به این ترتیب، اولین دوره جایزه ادبی جلال، برگزیده نداشت. او درباره دلیل این امر گفت: برگزیده نداشتن این جایزه حکایت از این می کند که امتیازات بالایی برای احراز مقام برگزیده در نظر گرفته شده است تا سطح ادبی این جایزه ارتقاء پیدا کند.

شایستگان تقدیر

در پایان این مراسم، جوایز پنج اثر شایسته تقدیر نخستین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون فرهنگی وی، دکتر غلامعلی حداد عادل و حسن رحیم پور ازغدی به نویسندگان این آثار اهدا شد.

در حوزه داستان از میان ۲۸ داستان بلند و ۲۲ داستان کوتاهی که به مرحله دوم داوری این جایزه راه یافته بودند، یک داستان بلند و یک مجموعه داستان شایسته تقدیر شناخته شد.

مجموعه داستان 'اژدهاکشان' نوشته یوسف علیخانی از انتشارات نگاه و داستان بلند 'قاعده بازی' نوشته فیروز زنوزی جلالی از نشر علم، شایستگان تقدیر بخش داستان این جایزه ادبی بودند.

در حوزه نقد ادبی نیز از میان ۲۰ اثر راه یافته به مرحله دوم داوری، دو اثر به طور مشترک شایسته تقدیر شناخته شد.

کتاب 'آیین آیین' (سیر تحول نمادپردازی در فرهنگ و ادبیات ایرانی) نوشته دکتر حسینعلی قبادی با همکاری محمد بیرانوندی از انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، اولین اثر شایسته تقدیر در این بخش از جشنواره بود و کتاب 'از اسطوره تا حماسه' (هفت گفتار در شاهنامه پژوهی) نوشته سجاد آیدنلو از انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد نیز به طور مشترک با اثر قبلی، به عنوان کتاب شایسته تقدیر در حوزه نقد ادبی معرفی شد.

در حوزه تاریخ نگاری و مستندنگاری نیز از میان شش اثر راه یافته به مرحله دوم داوری، کتاب 'سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام' (۱۳۸۴-۱۳۴۴) به کوشش جمعی از پژوهشگران موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی از انتشارات همین موسسه به عنوان اثر شایسته تقدیر انتخاب شد.

جایزه شایستگان تقدیر این جشنواره ادبی از لوح تقدیر، نشان ادبی جلال، تندیس سیمین و ۲۵ سکه بهار آزادی تشکیل شده بود.

در این مراسم همچنین نماهنگ ها و فیلم های کوتاهی درباره جلال آل احمد پخش شد و بخش هایی از کتاب های 'مدیر مدرسه' و 'حسی در میقات' جلال آل احمد به وسیله امیرحسین مدرس و انوشیروان ارجمند اجرا شد. کارگردان هنری این برنامه نیز سعید اسماعیلی بود.

دومین جایزه ادبی جلال سال آینده برگزار می شود. مطابق اساسنامه ای که به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است، جایزه نفرات اول این جشنواره، ۱۱۰ سکه بهار آزادی تعیین شده است. این جشنواره امسال با معرفی پنج نویسنده شایسته تقدیر به کار خود پایان داد و باید دید که آیا این جایزه در سال آتی، برگزیده خواهد داشت؟

با معرفی آثار شایسته تقدیر صورت گرفت

بازتاب های گسترده جایزه جلال

گلناز اسکندر حمزه: برگزاری اولین دوره جایزه

جلال آل احمد با بازتاب گسترده رسانه ای همراه بود. بسیاری بر اهمیت این جایزه صحنه گذاشتند و از نقش و اهمیت آن گفتند. چند نکته در مورد جایزه جلال مورد توجه رسانه ها و به ویژه رسانه های شخصی (وبلاگ ها) قرار گرفت که برخی از آنها قابل پیش بینی بود.

نویسنده وبلاگی با ابراز خوشحالی از برگزاری جایزه جلال آل احمد، چند نکته را از جمله خصوصیات مثبت این جایزه بر شمرده است. او نخست از داوری های درست و عادلانه این جایزه به نیکی یاد می کند و سپس کسانی را که در این جایزه تقدیر شده اند شایسته این تقدیر می شمارد. نویسنده این وبلاگ که 'مرگ' نام دارد می نویسد: 'لینک خبر را با مسنجر برایم فرستادند و من با خواندن آن، از خوشی بال درآوردم.' وی از آشنایی خود با کتاب یکی از نویسندگان برگزیده می نویسد: 'این کتاب را بارها خواندم و آرزو کردم کاش به انگلیسی ترجمه و در جای معتبری چاپ می شد. وی سپس می نویسد: 'در این سالها اموخته ام که در میان جوایز گوناگون ادبی، هنری، علمی... در جوایز غیر دولتی روشنفکری اگر در مجموعه ای نباشی، هیچگاه نخواهند شناخت و جایزه ای در کار نخواهد بود؟'

در این میان اما مریم حسینیان در وبلاگ خود از زاویه ای دیگر به ماجرا پرداخته است. او در مطلبی که درست در شب اهدای جایزه نوشته از علاقه خود به جلال آل احمد یاد کرده و سپس پیش بینی کرده است که روزهای آتی برندگان این جایزه نقد خواهند شد. حسینیان در ادامه پست وبلاگ خود در قالب نامه ای به جلال آل احمد به ارایه نکات جالبی می پردازد: 'استاد ارجمند جناب آقای جلال آل احمد، سلام/ غرض از مزاحمت و تحریر این چند سطر، تنها اظهار دلنگی است. اگر از حال ما پیرسید ملالی نیست جز دوری شما. از 'تات نشین های بلوک زهرا' شروع کردیم... آقا جلال! دست روی دلمان نگذارید. تازگی هاهرکس می خواهد از نردبان داستان نویسی بالا برود، اول بادی به غیغ می اندازد و بعد اسم آشنایان شما را بلغور می کند و آن وقت می گویند شما داستان نویس نبوده اید... تازه عده ای پیغام فرستادند که اگر شما را دیدیم حتما بگویم نثر تلگرافی قدیمی شده، قصه نو و القلم شما اطناب دارد، نفرین زمین باید باز نویسی شود، ترجمه سوتفاهم آبر کمو به دل نمی نشیند. او سپس از بی اعتباری برخی از جلسات ادبی روشنفکر نمایانه می نویسد و با بیان اینکه قصد داشته آل احمد را برای جشن تولدش به یکی از این جلسات دعوت کند می نویسد: 'ولی پشیمان شدیم شما را به چنین مهمانی دعوت کنیم. اصلا حیفمان آمد که عده ای بیایند و روی صندلی دیگران بنشینند و داستان مدرن بخوانند و همدیگر را تایید کنند. اگر بدانید این پایین چه خبر است؟ خوش به حال شما که نشسته اید روی ابرتان و به ما و ادا هیامان می خندید. این روزها همه منتقد و داستان نویس شده اند. هیچ کس هم آن یکی را قبول ندارد. خیلی هم با هم دعوا می کنند. یعنی حرفهای بی ادبی به جد و آباء همدیگر می زند و اسمش را می گذارند نقد ادبی یا مثلاً یادداشتی بر کتاب فلان.'

حسن محمودی هم در وبلاگ خود که 'آدم و حوا' نام دارد، از گفتگوی یوسف علیخانی (یکی از برندگان جایزه جلال)، چندی قبل از موقیقتش یاد کرده که با خبرگزاری مهر انجام شده بود. وی در این گفتگو به این نکته اشاره کرده بود که تنوع جوایز ادبی آن قدر باید زیاد باشد که بخش بیشتری از سلیقه های ادبی، جایزه بگیرند: 'من منظور یوسف را همان روز به خوبی درک کردم، یوسف می دانست که برخی از کتاب ها در سلیقه داوری جوایز کنونی نمی گنجد. همان طور که اگر کتاب سال به رمان آندکی سایه احمد بیگدلی جایزه نمی داد، هیچ گاه آن اتفاق فرخنده برایش نمی افتاد و همچنان در یزدانشهر نجف آباد در حسرت خیلی چیزها بود که امروز به مدد همان جایزه نصیبش شده.' حسن محمودی سپس با بیان اینکه کسانی در جایزه جلال موفق بوده اند که سابقه فرهنگی خوبی

دارند، از جایزه ادبی اصفهان یاد کرده است. این وبلاگ نویس در ادامه با ابراز خوشحالی از اینکه نویسندگانی همچون زنوزی جلالی و یوسف علیخانی از جمله برندگان این جایزه بوده اند، ادامه می دهد: 'یادمان باشد اگر جایزه ای را نمی پسندیم، حق نداریم برنده اش را با کنایه و متلک و ترحم مورد خطاب و عتاب قرار دهیم. به اعتقاد من اثری منتشر شده و مورد قضاوت قرار گرفته. طبیعی هم هست که هر جایزه ای معیارهای خاص خودش را داشته باشد. بنابراین همین معیارها ست که یک جایزه، رنگ و بو می گیرد و شناسنامه دار می شود.'

وی در پایان نوشته است: 'در نیت برگزار کنندگان جایزه های ادبی، چه دولتی، چه خصوصی شک نکنیم و به داوری هایشان احترام متقابل بگذاریم تا آن ها نیز که مثل ما فکر نمی کنند، همین مرام را پیشه خود کنند. تا آنجایی که دستگیرم شده برگزار کنندگان جایزه ادبی جلال آل احمد به ادبیات جایزه داده اند و نه خط و مشی های سیاسی و جناحی. نتایج اعلام شده نیز حاصل نگاه داوران بوده. جایزه جلال آل احمد خوشبختانه مصوبه شورای انقلاب فرهنگی است و دولت های بعدی هم موظف به برگزاری اش خواهند بود.'

در سویی دیگر نویسنده وبلاگ 'هفت ها از منتقدان جایزه جلال آل احمد است. او به مصاحبه یکی از برندگان این جایزه بایکی از خبرگزاری ها اشاره می کند و به نتایج مثلاً جالبی می رسد! مثلاً او بحث جهانی شدن این نویسنده را مطرح می کند و این پرسش را مقابل خواننده اش می گذارد که 'آیا توجه به مسائل بومی، با جهانی شدن جور در می آید؟ به این سوال نویسنده وبلاگ فوق بارها پاسخ داده شده است. با این همه او فراموش کرده است که یکی از راه های جهانی شدن، توجه به مسایل بومی و اقلیمی است، مگر نویسندگان امریکای لاتین با این شیوه موفق به مطرح شدن در سطح جهان نشده اند؟'

جواد عاطفه نیز در وبلاگ خود یکی از برندگان جایزه جلال را به این دلیل نقد کرده است که نگاهش متوجه سنت هاست حال آنکه وی کمتر نویسنده جوانی را می شناسد 'که پیرو این نگاه متعلق به جلال آل احمد باشد. وی دلیل خاص دیگری را ذکر نمی کند. رضا شکرالهی هم در وبلاگ خود به این نکته انتقاد کرده که در ابتدا جایزه ۱۱۰ سکه ای مطرح شده و سپس به تقدیر شدگان جایزه ۲۵ سکه ای اهدا شده است. این وبلاگ نویس فراموش کرده است که بسیاری از جوایز هیئت داوران هیچ نویسنده ای را شایسته برگزیده شدن ندانسته اند و در نتیجه جایزه نفر نخست رشته های گوناگون به کسی اهدا نشده است. او سپس با بیانی تند و کنایه آمیز درباره برنده بخش رمان مدعی شده است: 'اغلب اهل ادبیات، رمان قاعده بازی را نمی شناسند و از وجودش حتی بی خبرند. رمان قاعده بازی هیچ ربطی به فیلم معروف 'ژان رنوار' ندارد. دوست من که آشنای زنوزی جلالی هم هست، از صفحه سی ام آن توانسته بود رد شود و آن را بسته بود. خود من هنگام خواندن آن به صفحه پنجم نرسیده، بستمش. اگر کم ترین حدسی می زدم که برنده می شود، دست کم من هم تا صفحه سی ام اش را می خواندم.'

با این همه بسیاری دیگر جایزه جلال را ستودند. عبدالعلی دستغیب در مورد این جایزه گفت است: انتخاب ها و داوری های این جایزه با دقت تمام انجام گرفته و داوران نسبت به اهمیت کار خودشان آگاه بوده اند. به جرات می گویم که شبیه داوری کاملاً بی طرفانه بود و در نهایت تنها 'هنر' است که نمره می گیرد. وی افزود: 'انتخاب ها با دقت و تیزبینی انجام شد و داوران با بررسی های علمی و آگاهانه کارشان را انجام دادند. به این ترتیب انتخاب شدگان بدون در نظر گرفتن مسائل شخصی گزینش شدند.' بازتاب جایزه فرهنگی جلال، چه کسانی که تجلیل آن برخوردارند و چه کسانی که به نقدش نشنستند، نشان از اهمیت جایزه دارد، و گرنه چه بسا جایزه هایی برگزار می شود و کسی از آنها خبردار نمی شود.



باورهای مردم در داستان کوتاه

تقدیر از یک نویسنده، به هر شکلی که باشد امری پسندیده است که باید آن را به فال نیک گرفت. در عجبم که چرا وقتی یک هنرمند در سایر عرصه‌های هنری مورد تقدیر قرار می‌گیرد چگونه از سوی سایر هم صنفان او این امر با خوشرویی پذیرفته می‌شود اما در میان اهل ادبیات این همه سوء تفاهم وجود دارد. برج عاج نشینی و ایراد گرفتن از عالم و آدم هم که گویی به کسب و کار عده‌ای تبدیل شده است. به داستان جوایز ادبی در کشورمان نگاه کنید. بعد از هر مراسمی که برگزار می‌شود همیشه هستند عده‌ای که نتق کنان از راه می‌رسند و بحث تشکیک در انتخاب برگزیدگان را پیش می‌کشند. انگار قرار است ملاک انتخاب فقط و فقط بر اساس نگرش‌های شخصی آنها به عالم باشد. جالب است که در بین این عده، آدم با افرادی هم مواجه می‌شود که خود هیچ دستی در نوشتن نداشته اما همواره پشت‌از ایراد گرفتن هستند. به این افراد باید گفت: می‌توان یک اثر را نقد کرد، می‌توان آن را ستایش کرد، اما اینکه جانب انصاف را به تمامی فراموش کرده و به دلایل کودکانه نویسنده و اثر و همه عالم و آدم را متهم کنیم به هیچ وجه پسندیده نیست. نگرش سیاه و سفید مطلق داشتن به پدیده‌های اطراف محصول ذهنیتی تاریخی است که در عین حال نمی‌توان انتظار داشت یک شبه این ذهنیت بر طرف شود. یوسف علیخانی نویسنده‌ای است که برای سوژه داستان‌های خود، زادگاه خویش را برگزیده و در چارچوب آن جغرافیا جهانی داستانی برای خود آفریده است. باورها، رسوم و آیین‌هایی که دستمایه داستان‌های او قرار می‌گیرند هنوز در بسیاری از نقاط این کشور وجود دارند و نقش پر رنگی در زندگی مردم ایفا می‌کنند. چه کسی گفته خلق اثر باید حتما در قالب زندگی شهری باشد؟ این که گفته شود قصه‌های این مجموعه پژوهش است نشان دهنده نبود شناخت کافی از مفهوم پژوهش و داستان است. اینکه علیخانی برای نوشتن داستان‌های خود دائم در حال سفر به نقاط مختلف است دلیل بر پژوهشی بودن چنین آثاری نیست. چه ایراد دارد که یک نویسنده با شناخت کامل از اساطیر، باورها و ایده‌های مسلط در یک منطقه قصه بنویسد. به نظر من نثر علیخانی نثری به شدت قصه‌گو است. همین نثر قصه‌گو تفاوت او را با نویسندگان دیگر نشان می‌دهد. این ویژگی قصه‌گو بودن علیخانی می‌تواند امدار تجربه‌ای باشد که او از نشست و برخاست با قصه‌گویان کهن در نقاط مختلف کسب کرده است. بگذریم، بحث بر سر ساختار داستان‌های مجموعه آژدهاکشان نیست. بحث بر سر نحوه واکنش نسبت به موفقیت‌هایی است که برای هر نویسنده‌ای اتفاق می‌افتد. این نگاه بدبینانه به ادبیاتی که تن نحیفش را با هزار زور و زحمت سر پا نگاه داشته‌کی درست می‌شود؟ می‌توان با یوسف علیخانی مخالف بود، می‌توان اثر او را نقد کرد، اما نمی‌توان تمامی تلاش‌های او را نادیده گرفت و حسادت را چاشنی نقد او قرار داد. می‌توان کمی خوشبینانه‌تر هم به دنیا نگاه کرد. از این زاویه موفقیت اثر علیخانی به نظر بخشی از موفقیت ادبیات است که توانسته آرام آرام در میان دیدگاه‌های مختلف جامعه راه پیدا کند. معتقدم که نفس برگزاری جوایز ادبی از سوی هر شخص یا نهادی که بنیانگذار آن تلقی می‌شود، امر مثبتی است. ادبیات نیازمند مشاهده، خوانش و نقد است؛ نقد اثر نه نقد شخصیت؛ نقدی که حتی اگر با زبانی محکم و تند هم بیان شود به پویاشدن جریان ادبی کمک می‌کند. اگر این گفته بارت را بپذیریم که نقد سخنی بر سخن دیگر است، میان این سخن دیگر با تو همین به نویسنده هیچ شباهتی وجود نخواهد داشت.



در کارنامه یوسف علیخانی علاوه بر فعالیت پژوهشی، انتشار دو مجموعه داستان نیز به چشم می‌خورد. از جمله آثار پژوهشی او می‌توان به کتاب "عزیز و نگار" اشاره کرد که بررسی تحلیلی این قصه عامیانه است. علیخانی دو مجموعه داستان "قدم بخیر مادر بزرگ من بود" و "آژدهاکشان" را نیز منتشر کرده که این دومی به تازگی اثر شایسته تقدیر جایزه جلال آل احمد اعلام شده است.

یوسف علیخانی، برگزیده جایزه جلال از «آژدهاکشان» می‌گوید

الموت، جادویی تر از آمریکای لاتین



همان طور که در نقدها هم اشاره شده، یکی از شاخصه‌های اصلی کتاب شما، بومی نویسی و توجه به مشکلات مردم است. این رویکرد از چه زمانی در داستان‌های شما برجسته شده؟

من هم مثل همه هم نسلانم، قبل از چاپ اولین مجموعه داستانم "قدم بخیر، مادر بزرگ من بود"، داستان‌هایی می‌نوشتم که در مطبوعات چاپ شده است. اولین داستانهای من به صورت متوالی در مطبوعات قزوین چاپ می‌شد و پس از آن هم داستانهایی در نشریاتی مانند فصلنامه ادبیات داستانی منتشر کرده‌ام. اغلب این داستانها در فضاهای شهری اتفاق می‌افتد. اما زمانی احساس کردم که این فضاها متعلق به من نیست، تک قصه‌ای که در فضای روستا نوشته بودم هم بازتاب بیشتری داشت و هم انگار آن را من ننوخته بودم و در خواب، کسی برای من نقل کرده و این برای من لذت بخش بود. در زمان نسل ما بازیهای زبانی به اوج خود رسیده بود و اگر کسی در فضایی غیر از آن می‌نوشت مطرود واقع می‌شد. یعنی داستانها بر اساس نقدهای ادبی و فلسفه‌هایی که عموماً ترجمه‌ای هم بود نوشته می‌شد. من مدتی تابع این قوانین بودم و با شخصیتها و واژه‌ها بازی می‌کردم اما بعدتر به جای رفتن به کلاسهای داستانی با نویسنده‌هایی مصاحبه می‌کردم که حاصل آن کتاب "نسل سوم داستان نویسی امروز ایران" است. این مصاحبه‌ها برای من کلاس درس بود. در همین وادی بود که قصه سنتی، مدرن و پست مدرن و رمان نوی فرانسه را شناختم. در آن زمان زمزمه داستانهای مینی مالیستی هم آغاز شده بود. هر چه از ادبیات خارجی می‌خواندم مجذوب داستان‌هایی می‌شدم که فضای جادویی، و چه غالب آن بود. مثلاً وقتی داستان‌های بورخس، مارکز و ایتالو کالوینو را می‌خواندم، شگفت زده می‌شدم و می‌دیدم که بسیاری از این موضوعات را من در زادگاهم دیده یا شنیده بودم. مثلاً می‌دیدم مردم پس از وقوع حادثه‌ای به جای آن که به دنبال دلیل منطقی آن باشند به جستجوی دلایل خیالی می‌پرداختند. از نظر ذهنی با این موضوعات از کودکی درگیر بودم.



آژدهاکشان

فکر می‌کنم دو نکته شما را به سمت داستان‌هایی که با توجه به فرهنگ مردم نوشته‌اید کشانده است. یکی در سهایی است که از ادبیات جهان گرفته‌اید و دیگر این که خود شما به این نتیجه رسیدید که این حرفهای دل خودتان است.

بله. اولین داستانی که به این شیوه نوشتم، "سمکهای سیاهکوه میلک" بود. در این داستان زنی وجود دارد که در رودخانه مشغول لباس شستن است و در پی بوی پونه به بالای رودخانه و سنگی می‌رود و به پایین پرتاب می‌شود. این شخصیت مصداقی واقعی داشت که من در شش سالگی داستان او را شنیده بودم. اما این واقعیتها را با یک سری از بازیهای زبانی همراه کردم. در واقع با استفاده از عقاید رایج مردم روستا و ترکیب آنها با بازیهای خود من و خود قصه، این داستانها را نوشتم. در مقطعی زبان این داستانها فارسی بود اما با یک شیطنت کوچک آنها را به زبان دیلمی (الموتی) نوشتم که بازتاب بسیار خوبی داشت اما گلابه خواننده‌ها از آن بود که متوجه زبان دیلمی نمی‌شدند. بنابراین برای این که هم جادوی زبان را حفظ کنم و هم آن را قابل فهم سازم، واژه‌ها را

شکل گرفته است. البته قصه‌های مردم الموت را هم جمع آوری کرده‌ام که به زودی منتشر می‌شود و این‌ها در واقع کارهای میدانی براساس علاقه‌ام به ادبیات شفاهی است و هیچ ربطی به داستان‌هایم ندارند. داستان‌های من زاده یک جرقه و یک باور و یک لحظه هستند حال آن که قصه‌های مردم چیز دیگری هستند و در واقع بیش از آن که قصه‌های مردم به داستان تبدیل بشوند، اشاره چشم یا یک باور یا یک برخورد آن‌ها ممکن است در نهایت به داستانی تبدیل شود.

فکر می‌کنید انتخاب کتاب شما در جایزه جلال آل احمد به عنوان کسی که هم داستان نوشته و هم در حوزه فرهنگ مردم کار کرده است، پیام خاصی دارد؟

شاید. نمی‌دانم. ولی خوشحالم این جایزه را گرفته‌ام که همیشه وقتی یاد جلال می‌افتادم او را همسایه‌ای می‌دانستم که روستای اجدادی اش در طالقان قرار دارد و روستای زادگاه من در الموت و طالقان و الموت بخشی از دیلمستان بزرگ هستند. با توجه به پرداخت بسیار من به الموت، بسیاری من را به عنوان نویسنده‌ای الموتی می‌شناسند که از این ناحیه شناخت دارد. ، به رغم این که من نمی‌خواهم یک نویسنده صرفاً الموتی باشم اگر چه الموت و روستای زادگاهم "میلک" سکوی پرش من است.

پس از اعلام نام شما به عنوان فرد شایسته تقدیر در جایزه جلال بازتاب‌های مختلفی را شاهد بودیم.

اگر من تجربه این حواشی را نداشتم، شادی این جایزه برایم به غم بدل می‌شد. خوشحالم که این حواشی ایجاد شد از این جهت که این انتخاب می‌توانست مثل برخی اخبار زودگذر و بی اثر باشد اما چنین بازتاب‌هایی باعث شد دوباره این جایزه و مجموعه داستان آژدهاکشان باز سر زبان‌ها بچرخد و در کمترین باز خوردش باعث شود شاهد جامعه‌ای باشیم که هر کس حرف خودش را بزند؛ گیرم مخالف من و جایزه جلال باشد. در عین حال کاش دستگاه‌های فرهنگی نیز در کنار این توجه هیات داوران جلال، کتابهای برگزیده را به عنوان جایزه‌ای دیگر از ناشران خریداری کنند تا شاهد رونق بیشتری در عرصه کتاب و کتابخوانی باشیم.

فارسی‌تر کردم. این مسیر تا آژدهاکشان و مجموعه سوم من "عروس بید" ادامه پیدا کرد که اکنون آماده چاپ است و چند داستان در فضای روستا دارد. در واقع سعی کردم با استفاده از زبان دیلمی و زبان فارسی به زبان سومی دست پیدا کنم.

جلال آل احمد که شما جایزه ادبی او را گرفته‌اید، انسانی چند بعدی است که به مسایل مختلف فرهنگی می‌پردازد...

"جلال آل احمد؛ انسانی چند بعدی است. داستان می‌نویسد و در این حوزه با این که کارهای متوسط هم دارد اما نمی‌توان مدیر مدرسه یا "سه تار" را نادیده گرفت. در بخش تحقیق فرهنگ مردم، او آثار درخشانی دارد مثل "تات نشینان بلوک زهرا یا خارک"، در یتیم خلیج فارس یا "آوران" که تک‌نگاری موجزی درباره روستای زادگاه اجدادی جلال است. وجه دیگر وی سفرنامه "نخس" در میقات است که کاملاً رها و حسی به بطن آنها رفته است. در وجه دیگر او یک سیاستمدار است و "غریبزدگی" و "در خدمت و خیانت روشنفکران" را می‌نگارد. جلال داستان نویس، به هیچ وجه در فرهنگ مردم قابل مشاهده نیست، اما عنصر زبان یکی از ویژگیهای خاص جلال است. زبان آل احمد تا حدی تأثیرگذار است که بسیاری از نویسندگان به این که ادامه دهنده راه او باشند افتخار می‌کنند. با این قیاس مع الفارق به هیچ وجه مقصودم رساندن جایگاه به جایگاه جلال نیست. او جایگاه ویژه خود را دارد که من اندک اندک به دنبال جایگاهی کوچک در وادی گسترده ادبیات هستم.

شما هم کتاب‌های پژوهشی در عرصه فرهنگ مردم دارید.

همواره به فرهنگ مردم علاقه داشته‌ام و به همین دلیل زیاد سفر می‌کنم. جدا از اینکه به مناطق مختلفی سفر کرده‌ام، توجه ویژه‌ام به مردم الموت بوده است. اما بیان این نکته از آن رو نیست که قصه‌های عامیانه مردم این منطقه را جمع کرده‌ام. قصه‌های مردم این منطقه مثل خیلی دیگر از مناطق ایران به چند دسته قصه اساطیری و شاهان، قصه‌های ماورایی و تخیلی و زانرهای مثل "کچل" "هاست"، اما آنچه که در نهایت به دست می‌آید قصه‌ای است که براساس تخیل من



سجاد آیدنلو، متولد ۱۳۵۹ ارومیه دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی و استاد دانشگاه پیام نور ارومیه است. وی تاکنون چهار کتاب منتشر کرده و بیش از ۱۲۰ مقاله علمی در نشریات تخصصی کشور به چاپ رسانده است. وی که یکی از تقدیرشدگان جایزه جلال آل احمد نیز هست، به طور اختصاصی در عرصه شاهنامه پژوهی فعالیت‌های درخوری را انجام داده است. دو کتاب «نارسیده ترین» و «آز اسطوره تا حماسه: هفت گفتار در شاهنامه پژوهی» از جمله ثمرات کار آیدنلو در عرصه شاهنامه پژوهی است. وی برای کتاب اخیر خود برنده جایزه جلال آل احمد شده است.

سجاد آیدنلو از «هفت گفتار در شاهنامه پژوهی» می گوید

فرضیه های تازه در شاهنامه پژوهی

تصور می کردید کتاب شما برنده جایزه «جلال آل احمد» شود؟ احساس می کنید جنس کاری که سبب برنده شدن این کتاب شد چه بوده است؟

در باب قسمت اول سوال، خیر. تصور نمی کردم کتابم برنده این جایزه شود، به دو دلیل؛ یکی این که کتاب را بنده به دبیرخانه جشنواره ارسال نکرده بودم و دیگر این که این کتاب برخلاف سه هزار و پانصد کتاب مورد بررسی در این جشنواره، در مرکز به چاپ نرسیده بود بلکه انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد آن را چاپ کرده است و مستحضر هستید که توزیع کتاب های شهرستان در تهران و دیگر شهرها ضعیف است. اما با این وجود با لطف خداوند و دقت نظر دوستان در هیئت داوری، این کار مورد بررسی قرار گرفته بود. از این نظر من تصور نمی کردم که این کتاب حتی در جشنواره دیده شود چه رسد به این که حتی به مراحل پایانی داوری هم راه پیدا کند. اما در مورد سوال دوم، محتوای این کتاب هفت گفتار در حوزه شاهنامه پژوهی با محوریت تحلیل مبانی اساطیری شاهنامه است که اگر بخواهید مشخصاً در حوزه نقد ادبی چارچوب بندی کنید در زیر مجموعه نقد اساطیر قابل بحث و گنجایش است و این هم جای شکر و شادی و تاحدودی شگفتی است چرا که در قالب جشنواره های امروزی بیشتر به مباحث نقدهای جدید یا کتاب ها و مقالات نوشته شده در این حوزه پرداخته می شود و نقد اساطیری شاید به دلیل سنتی بودن در میان انواع نقد ادبی کمتر مورد توجه قرار می گیرد که این کتاب خوشبختانه مورد توجه واقع شده بود.

معمولاً شما با رویکردی علمی به مسائل اساطیری نگاه می کنید. این رویکرد چه تاثیری در کار شما داشته و با توجه به نقدهایی که در مورد کم کاری در حوزه شاهنامه پژوهی دیده می شود، شما به عنوان کسی که در این حوزه کار کرده اید، این عرصه را چطور می بینید؟

بنده با استفاده از تعبیر استاد خرمشاهی در باب حافظ شناسی با اندکی تغییر به مناسبت بحث در باب حوزه شاهنامه شناسی عرض می کنم برخلاف برخی ادعاها کارنامه شاهنامه شناسی ما از آغاز تاکنون هم پربرگ بوده و هم برابر. برخی ادعاها از قبیل همین کم کاری در حوزه شاهنامه پژوهی و یا مسائلی از قبیل دو قسمتی بودن شاهنامه یا این که شاهنامه دارای دو سراینده بوده و یا متعلق به دوره سامانیان است، این بحث ها را در چند مقاله خلاف آمد عادت در شاهنامه پژوهی عنوان گذاری می کنم. همان طور که عرض کردم شاهنامه شناسی در ایران را بسیار پربرگ و بار می دانم و مایه خوشبختی موكد آن است که در چهل سال اخیر زمامداری و مرجعیت پژوهش های شاهنامه بر خلاف ادوار آغازین این دانش در اختیار شاهنامه شناسان ایرانی است. اگر تصور بفرمایید حدود هشتاد سال قبل امثال کریستین سن، نولدکه، ژول مول و... صاحب نظران و محققان تراز اول شاهنامه شناسی بودند و ما چشم به راه انتشار کتاب و مقالات محققان غیر ایرانی بودیم، اکنون جهانیان منتظر نظریه پردازی و ارائه فرضیات محققان ایرانی هستند، هم در مسائل اساطیری شاهنامه و هم در حوزه

تصحیح متن و دیگر حوزه ها. این مسئله به علت پژوهش های استنادی چون دکتر جلال خالقی مطلق، دکتر بهمن سرکاراتی و ... است.

پست مدرنیته ما را به بازخوانی سنت های فرهنگی و استفاده و برداشت از آنها ارجاع می دهد. از طرفی در سنت فکری جلال هم می بینیم که رجوع به گذشته و بازخوانی آن به خصوص در آثار آخر او دیده می شود. در کنار هم قرار گرفتن این دو موضوع و برگزیدن کتاب شما که همین رویکرد را دارد چه پیامی می تواند داشته باشد؟

همان طور که شما هم اشاره فرمودید، روش درست علمی در تحقیقات، مطالعات و عملکردهای ادبی با اعتدال است یعنی در استفاده از گذشته، سنت ها میراث کهن ادب فارسی و رویکردهای نوین افراط و تفریط صورت نگیرد و تلفیق اعتدال آمیزی از هر دو داشته باشیم، حال در رویکرد شادروان جلال آل احمد یا بسیاری از محققان قبل و بعد از ایشان باید درس و پیغام بازخوانی اعتدال آمیز سنت ها بدون افراط و تفریط و با توجه به شرایط زمان را به کار بندیم. برای مثال نباید از افراط نوگرایی کارهای گذشتگان را با عینک امروزی زیر انتقاد ببریم که چرا یکی از داستان های شاهنامه بر اساس فلان نظریه معاصر داستان نویسی منطبق نیست. بعضاً دیده می شود که در رویکردهای جدید این نوع آثار را زیر سوال می برند. هم این مسائل و هم نغی گذشته در کل افراط و تفریط است. در این نوع تحقیقات و مطالعات و به طور کلی رویکردهای گذشته و معاصر باید این پیام فردوسی را به کار بندیم که: ستوده کسی کو میانه گزیدتن خویش را



آفرین گسترید

در واقع باید شرایط زمان خلق اثر را در نقد و پژوهش علمی لحاظ کرد؟

بله. ما باید در نظر داشته باشیم که مثلاً اگر موضوع بحث شاهنامه باشد این اثر با معیارهای داستانسرایی، روایی، فرهنگی و اجتماعی هزار سال قبل نوشته شده است. حال اگر ما بر اساس پیشرفت های اجتماعی، نظریه های سیاسی، روانشناختی یا داستان نویسی این کتاب را بررسی کنیم و موارد اشتراک یا اختلاف آن را نشان دهیم، خوب است اما اگر برای مثال ایراد بگیریم که در

حرکت به سوی پژوهش های حرفه ای

یوسف داوودی: عرصه پژوهش در سطح دنیا هیچ گاه فارغ از حمایت های نهادهای فرهنگی توان ادامه حیات نداشته است. جایزه های ادبی یکی از این حمایت هاست که علاوه بر حمایت معنوی از پژوهشگر اگر از نظر ارزش مالی نیز قابل اعتنا باشد، وی را یاری می کند تا در کار خود راسخ تر باشد. از این منظر، جایزه جلال آل احمد می تواند در کنار همه ارزش های فرهنگی خود، راهی نو در عرصه جایزه های فرهنگی در سطح کشور به حساب آید. اولین نکته در مورد جایزه جلال و نقشی که می تواند در عرصه پژوهشی کشور داشته باشد در اهمیتی است که این جایزه برای اهالی پژوهش قائل شده است. پیش از این در کمتر جایزه ای از پژوهشگران به طور عام تقدیر شده بود. البته از نقش جوایزی همچون پروین اعتصامی یا بانوی فرهنگ نمی توان به سادگی گذشت. در کنار این نکته، از اهمیت مالی نیز باید یاد کرد که سال هاست مورد توجه اهل قلم بوده و سبب گلايه هایی نیز شده است. جایزه جلال آل احمد از همان روزهایی که برنامه های مدون خود را برای آغاز حیات در عرصه فرهنگی کشور اعلام کرد، بر این مهم تاکید کرد که در کنار اعتبار معنوی و فرهنگی این جایزه، به ارزش مالی آن نیز توجه دارد. اختصاص ۱۱۰ سکه به برگزیده هر کدام از پنج رشته ای که در این جایزه داوری می شوند، نشان دهنده این توجه ویژه است. اهدای این جایزه به یک پژوهشگر می تواند از چند جهت دارای اهمیت باشد؛ اول آنکه با توجه به تامین مالی او حتی به مدتی کوتاه، کمک می کند که وی بتواند فارغ از معاش روزانه به کار اصلی و مهم خود در عرصه پژوهش بپردازد و علاوه بر آن، بدون تعهدات متداول به شغل های روزمره می تواند پژوهش را به عنوان راه اصلی خود برگزیند. از همین رو می توان جایزه جلال آل احمد را راهی برای حرفه ای شدن امور پژوهشی و بدل شدن آن به عنوان یک شغل تلقی کرد. تداوم چنین حرکت هایی قطعاً می تواند راه های تازه ای را برای پژوهشگران کشور فراهم کند. جدا از ارزش های مالی، جایزه جلال آل احمد دارای ابعاد وسیع تری است که برندگان این جایزه از آن بسیار بیشتر از ارزش مالی آن بهره مند می شوند. نویسندگان و پژوهشگران همواره در سابقه کاری خود، علاوه بر ذکر آثار و درجات علمی خود، همواره از جوایزی که دریافت کرده اند نام می برند. از این رو، کسی که برنده جایزه جلال آل احمد باشد این اعتبار را در کنار اثر برگزیده خود خواهد داشت که علاوه بر یک جایزه فرهنگی، نام جلال را نیز در کنار اثر برگزیده خود خواهد داشت؛ نویسنده و پژوهشگری که یکی از تاثیرگذارترین اهالی فرهنگ در تاریخ معاصر ایران است. دریافت جایزه ای به نام جلال که نویسنده ای اندیشمند و پژوهشگری ریزبین در فرهنگ ایران به حساب می آید، هر نویسنده ای را وارد فضای کاری تازه خواهد کرد و کسی نیست که این مهم را در سابقه کاری اش بتواند نادیده بگیرد.

دوران قبل از اسلام شاهنامه، اطاعت از پادشاه بی چون و چراست و رستم به رغم این که کاووس از دادن نوشدارو به فرزند او دریغ می کند همواره سرسپرده اوست، امر درستی نیست چرا که این مسئله یک نگاه سیاسی و اجتماعی امروزی است. در سنت های ایران باستان، این گونه مسائل از تقدس و فرهنگداری برخوردار است و پهلوان در آن قالب و در صورت اطاعت از پادشاه، جهان پهلوان آن کشور محسوب می شود یا در تحلیل داستان رستم و سهراب و مقولات اژدها کشی از نظریات فروید استفاده می کنند که به نظرم تاحدودی افراطی است و باید تعبیر مرحوم علامه قزوینی را به کار برد که بعضی از مقولات در شاهنامه شناسی «لاپتسبک» است و نمونه دیگر، قائل شدن به عرفان به صورتی که در مولوی، سنایی و یا عطار داریم در شاهنامه یا ادعای عرفانی بودن و تاویل نمادین روایات شاهنامه است که بنده با تاکید عرض می کنم نادرست است. چقدر روی این کتاب وقت صرف کرده اید و منابع شما چه بوده است؟

عنوان فرعی این کتاب «هفت گفتار در شاهنامه پژوهی» است که هفت مقاله پژوهشی مستقل در باب چند موضوع است از قبیل نشانه های سرشت اساطیری افراسیاب، فرضیه ای در مورد مادر سیاوش، جام کبخسرو و جمشید، اسب دریایی در داستان های پهلوانی، نوشدارو چیست؟ ارتباط اسطوره و حماسه بر پایه روایات ایرانی، ترنج بودا و به زرین است که از نظر اساطیری و آیینی بررسی شده است. از حدود سیصد منبع فارسی و انگلیسی برای تدوین این کتاب استفاده شده و فکر می کنم اهمیت این کتاب در مقدمه ای از دکتر محمد امین ریاحی، شاهنامه شناس برجسته است.

در شاهنامه پژوهی اولین پلان اغلب وجه اسطوره شناسی است. چه رویکرد تازه ای در کتاب شما توجه داوران این جایزه را به خود جلب کرده است؟

در این هفت مقاله سعی کرده ام که پیشنهاد یا فرضیه تازه ای را ارائه کنم که در زمان تحریر آن مقاله در آن حوزه داده نشده یا بسیار جزئی و پراکنده مطرح شده بود. برای مثال در مقاله اول انواع دگرگونی های روایات اساطیری در ساخت داستان های حماسی ایران طبقه بندی و با شواهد نشان داده شده که تا پیش از این مقاله، بعضی از موارد آن به طور پراکنده مطرح شده بود یا در مورد ماهیت نوشدارو فرضیه ای ارائه شده که نوشدارو همان «هوم» یا «هومه» اساطیری است که در اوستا آمده و یا فرضیه دریایی نژاد بودن اسب پهلوان یا فرضیه پری بودن مادر سیاوش که هویتی گنگ در شاهنامه دارد. فکر می کنم نظرات و فرضیاتی از این دست نظر داوران را به خود جلب کرده است.

تاثیر و نقش چنین جوایزی را چطور ارزیابی می کنید؟

این جوایز هم نشان دهنده توجه جامعه فرهنگی و علمی به آثار مختلف منتشر شده در حوزه های مختلف است و اگر این جایزه بدون توجه به نام نویسنده و به صرف خود اثر داده شود، در تشویق جوانان و نوقلمان برای پیشرفت در راهشان و استوار و علمی نوشتن بسیار موثر است. ان شاء الله جوایز و داوری هایی از این نوع یکسان بر فزون باد!



همراه با حسینعلی قبادی و «آیین آینه»

سفر در جغرافیای نمادها

فرهنگی را نیز در خود دارند. از این حیث "نماد" به اسطوره شباهت دارد؛ چرا که اسطوره نیز دربردارنده ویژگی های فرهنگی است. نماد رانمی توان در حوزه معنا محدود کرد؛ بلکه در عرصه اندیشه هم حضور داشته و در میدان فرهنگ هم حرف های فراوانی برای گفتن دارد. در واقع از طریق مطالعه سیر مدلول نمادها به سیر اندیشه پی می بریم و بسیاری از ابعاد تاریک آن را روشن می کنیم.

به این ترتیب می توان با این نوع بررسی به برخی از ویژگی های اندیشه ایرانی - اسلامی دست یافت. دقیقاً همین طور است. از طریق مطالعه سیر نمادها می توان دریافت که تحول اندیشه ایرانی - اسلامی بر بنیادهای استواری چون روحیه حقیقت طلبی و قدرت تعامل با افکار و نگاه های دیگر استوار شده است. ضمن آن که این اندیشه قدرت رویارویی با اندیشه های مهاجم را نیز دارد، اما در برابر حقایق ناب خاضع و فروتن است. به قول استاد شهید مرتضی مطهری انسان ایرانی با فکر آزاد خود به دنبال حقیقت می گشت که اسلام را یافت و در ادامه هم ایرانی بودن خود را حفظ کرد و هم اسلام را با جان و دل پذیرفت. گرایش انسان ایرانی به اسلام نشانه روحیه حقیقت جویی اندیشه ایرانی است. تحول و تکامل نمادها در ادبیات ایران در دوران پس از اسلام نیز نوید همسازی و همخوانی مولفه های ملی، دینی، ایرانی و اسلامی در گستره فکری ماست. چنان که بهترین نمونه های این همسازی و همسویی رامی توان در اندیشه های سهروردی و شاهنامه از یک سو و آثار نظامی، عطار، مولوی، سعدی و حافظ از دیگر سو مشاهده کرد.

به زعم من باید از این اندیشه در برابر شعارزدگی دفاع کرد؛ چرا که برخی با نگاشتن آثار سطحی به دفاع ناقص از اندیشه ایرانی - اسلامی دست زده اند که همین دفاع های بد و غیرمستند موجب صدمه دیدن اندیشه ای شده که ما را به هویت اصیل خود فرامی خواند.



مکتوبات جلال یافت که به موضوع ظرفیت های مهم بلاغت در حوزه ایرانی - اسلامی پرداخته باشد، اما اساس و ریشه افکاری که افرادی چون جلال به آن اعتقاد داشتند، بازگشت به هویت اصیل ایرانی - اسلامی است.

بررسی زمینه های نمادپردازی در متون کهن فارسی چه نتایجی را در برداشت؟

از بررسی نمادها در حوزه بلاغت چند نتیجه جالب و بی سابقه به دست آمد؛ نخست آن که در سیر تحول و توالی معرفت و اندیشه ایرانی و همین طور در سیر تاریخی هویت ایرانی هیچ گسست و انقطاعی نداشته ایم. علاوه بر اینها، از طریق مطالعه جامع نمادها و طبقه بندی آنها می توان دریافت که نمادها تنها بلاغی نیستند بلکه این نمادها ویژگی ها و عناصر

که در جایی از قول تودوروف خواندم که عبدالقاهر جرجانی نظریه پرداز بزرگ بلاغت اولین فردی بود که با فضل و تیزفهمی دریافت هنگامی که استعاره می سازیم حتماً پیش از آن تاویل هم صورت داده ایم. این بحث در روزگار ما و در میان متاخران، سخنی نو و به روز تلقی می شود. اگر من کار مهمی انجام داده باشم درک، کشف، طبقه بندی و ارائه همین میراث گذشته فرهنگی است. آیین آینه اثبات می کند که میراث ادبی و فرهنگی ما این توان و ظرفیت را دارد که پا به پای مسائل جدید دنیای فکر جلو بیاید و برای سوالات جدید پاسخ های تازه بیافریند.

فکر می کنید این نگاه چه تناسبی با آرای جلال آل احمد دارد؟

گرچه در نگاه اول نمی توان اثری را در میان

کتاب آیین آینه اثری در مورد جنبه های نمادین بلاغت در فرهنگ ایرانی اسلامی است که برای نویسنده اش دکتر حسینعلی قبادی جایزه جلال آل احمد را به ارمغان آورد. دکتر قبادی عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در رشته زبان و ادبیات فارسی است. او علاوه بر نگاشتن مقالات و آثار پژوهشی چون "استقلال موسیقی در شعر معاصر با تاکید بر شعر نیما" و "مقایسه شخصیت رستم و ارجم در شاهنامه و مهابهارات" و همین طور نظارت بر بسیاری از پایان نامه های دانشجویی در مقام استاد راهنما یا داور، نویسنده کتاب مهمی چون "بنیادهای نثر فارسی" نیز بوده است.

فکر می کنید چه ویژگی هایی در آیین آینه باعث انتخاب این اثر از سوی داوران جایزه جلال شد؟

البته دلایل کامل این انتخاب و احیاناً حسن نظر داوران را باید از خود ایشان جویا شد. من اساساً نه در جریان کار داور می بودم و نه از کم و کیف این جایزه خبر داشتم اما می توانم ویژگی های بارز کتاب را که احتمالاً مورد توجه داوران نیز بوده است، از منظر خود برشمرم. نخست آن که در کتاب، ویژگی های روشی یک تحقیق سالم موبه مورعایت شده است. من تلاش کردم که موضوع کتاب را به دور از هرگونه شعارزدگی و خودشیفتگی و ادعاهای بدون پشتوانه، مورد تحقیق و تحلیل قرار دهم. در واقع روش تحقیق آیین آینه و نوع کار پژوهشی که در آن به کار رفته حاصل تجربیات من بعد از حدود سی سال پژوهش است.

کتاب از حیث محتوا دارای چه ویژگی های شاخصی است؟

این کتاب در حوزه محتوایی سعی می کند به بسط و بازآفرینی ظرفیت های موجود در حیطه بلاغت ایرانی - اسلامی بپردازد و این اندیشه ها را در تناظر با مسائل امروز حوزه نقد ادبی طبقه بندی، تدوین، تحلیل و ارائه کند. برای من بسیار شگفت انگیز بود

فیروز زنوزی جلالی از قاعده بازی می گوید ساختار نو با درونمایه بومی



بردیا برزگر: فیروز زنوزی جلالی از نویسندگان پرکار سال های اخیر است که با نگارش رمان قاعده بازی نام خود را دوباره سر زبان ها انداخت.

این اثر که سال گذشته از سوی انتشارات علم منتشر شد، نه تنها در بدو امر توجه بسیاری از صاحب نظران و منتقدان ادبی را به خود جلب کرد، بلکه برای نویسنده اش نیز جایزه جلال آل احمد را به همراه آورد.

قاعده بازی داستان نبرد میان شخصیت اصلی با خودش است. قهرمان داستان، گذشته اش را بررسی می کند، آن را زیر سوال می برد و در دادگاهی که برای خودش ترتیب داده به این نتیجه می رسد که خودش را محکوم کند و در نهایت تصمیم به اعدام خودش می گیرد. البته این خودکشی یک خودکشی واقعی نیست زیرا شخصیت در یک دنیای مجازی سیر می کند و قصد دارد با از بین بردن درون پست خویش دوباره متولد شود.

نویسنده قاعده بازی اعتقاد دارد که می توان رمانش را از جهاتی با نگاه ها و آرای جلال آل احمد در یک راستا توصیف کرد. او به خبرنگار کتاب هفته می گوید: قاعده بازی یک رمان اعترافی است و در واقع یک اعتراف نوشت است که سعی می کند با صداقت و یکرنگی، زوایای زندگی و روان انسانی را واکاوی کند. این واکاوی بدون ذره ای مسامحه

اما روان و ویژگی های درونی او کاملاً به موقعیت های اجتماعی یک انسان ایرانی وابسته است و رخدادهای ریز و درشت در محیط زندگی و در عرصه حیات اجتماعی بر دیدگاه ها و روحیات شخصیت داستان تاثیر می گذارد. او انسان و خصوصیات روانی اش را تابعی از تحولات اجتماعی می داند و همگی این خصوصیات را نتیجه شرایط اجتماعی تلقی می کند. "جلالی جزو نویسندگانی است که تمایل چندانی برای گشودن و جوهر پنهان اثر خود ندارد و معتقد است نویسنده تمام حرف ها و آرای خود را در اثر بازگو کرده اما او به برخی از جنبه های قاعده بازی که تاکنون پنهان و نامکشوف باقی مانده اشاره می کند که از آن جمله می توان به تفکرات فلسفی موجود در رمان اشاره کرد. آغاز داستان گرچه با تعلیق همراه است، اما نوعی سرگشتگی نیز برای مخاطب به همراه می آورد. این سرگشتگی از ساختار محکم و پیچیده روایت تبعیت می کند که در مجموع در پی بیان ظرایف روانی قهرمان داستان است. فیروز زنوزی جلالی معتقد است که اندیشه های فلسفی اش را در ابتدای رمان و در میان تعلیق و سرگشتگی بیان کرده است. او در مورد این بخش از رمان خود می گوید: هشتاد تا نود صفحه ابتدایی رمان را به بیان مسائل فلسفی در ساختار روایی رمان اختصاص دادم. پس از آن شاخص ترین نوع برخورد، برخورد روان شناسانه با شخصیت است. که اتفاقاً آغاز رمان قاعده بازی به خاطر همین دغدغه های فلسفی تا حدودی برای مخاطبان دشوار است.

پس از رمان مخلوق باید گفت که درونمایه جنگ در آثار او درونی شده است چرا که در رمان قاعده بازی قهرمان به جای درگیری در جنگ بیرونی و ظاهری به جنگ نفس خود می رود؛ جنگی که در نگاه دینی از آن با عنوان جهاد اکبر نام برده شده است.

صورت می پذیرد و از ویژگی های بارز آن جدیت و انعطاف ناپذیری است. اما دیگر نکته ای که زنوزی جلالی به عنوان یکی از شاخص های بارز قاعده بازی از آن یاد می کند، دل بستگی این اثر نسبت به حقیقت، آگاهی و روشنگری است. نویسنده آثاری چون تکه ای از هیچ و آخرین درس از خنده در تاریکی و ویژگی های مذکور یعنی، صداقت، جدیت و دل بستگی نسبت به حقیقت را از خصوصیات آثار آل احمد می داند. در واقع با توجه به دیدگاه جلالی نسبت به رمان مذهبی و ویژگی های آن می توان قاعده بازی را نیز رمانی مذهبی به شمار آورد. جلالی در مورد شیوه نگارش رمان های مذهبی می گوید: "رمان به شکل امروزی با زیرساخت تفکر اومانیستی بنا نهاده شده، اما ما قرار نیست در این ظرف، محتوای غربی بریزیم بلکه تلاش می کنیم تا تنها فرم را از رمان های غربی اخذ کنیم و در آن درونمایه ای با توجه به فرهنگ و باورهای خودمان جای دهیم."

فیروز زنوزی جلالی اشاره ای نیز به درونی کردن باورهای مذهبی در ساخت و بافت رمان نیز می کند. بدین ترتیب قاعده بازی اگرچه به ظاهر اثری دینی نیست، اما اعتقادات مذهبی به شیوه ای عمیق در این اثر ته نشین شده اند و گرچه این اثر رویکردی روانشناسیک دارد اما این نگاه مبتنی بر اندیشه های اومانیستی نیست؛ بلکه بر باورهای مذهبی تکیه دارد.

در طول یک سالی که از انتشار قاعده بازی می گذرد اغلب منتقدان و صاحب نظران بر جنبه های روانشناسانه این اثر تاکید داشته اند. حال آن که قاعده بازی دارای ویژگی های یک اثر متعهد و اجتماعی نیز هست. جلالی توجه نسبت به این جنبه از اثرش را مهم می داند و می گوید: شخصیت اصلی قاعده بازی به روانکاری خود می پردازد،



اصحاب نشر در گفت و گو با کتاب هفته بر لزوم ارتقای حرفه ای این صنف تأکید کردند

ناشران به دنبال تشکیل اتحادیه



معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از چندی پیش در جلسات هم‌اندیشی ناشران برتر کشور و نیز از طریق برخی خبرگزاری‌ها به ارائه راهکارهایی پرداخت که به واسطه آنها سهم ناشران در فرآیند تولید کتاب افزایش یابد و جایگاه درخور شأن ناشران، در تمامی فعالیت‌های مربوط به حوزه چاپ و نشر احیا شود. وی برای دست یافتن به چنین هدفی علاوه بر اصلاح برخی آیین‌نامه‌ها، تفکیک اتحادیه ناشران از اتحادیه کتابفروشان و لوازم‌التحریر فروشان تهران را ضروری ارزیابی کرده بود؛ چرا که در این اتحادیه آمیختگی صنف‌های لوازم‌التحریر فروش، کتابفروشی و ناشر مشهود است و شگفت آن که تنها حدود ۱۰۰ تن از ۷۰۰ نفر اعضای اتحادیه را - براساس آمار رسمی سال ۸۵ - ناشران تشکیل می‌دهند و چنین وضعیتی با ضرورت حرفه‌ای شدن صنعت نشر کشور آشکارا در تضاد است.

این گزارش در پی آن است تا نظرات و دیدگاه‌های کارشناسی برخی از ناشران برگزیده کشور را در مورد لزوم تشکیل اتحادیه مستقل ناشران جویا شود. جمشید فتاحی مدیر انتشارات تیمه در ایران و ناشر خارجی برگزیده در بخش لاتین نمایشگاه بیست و یکم معتقد است در شرایط فعلی به خاطر آمیختگی صنف در اتحادیه ناشران و کتابفروشان هیچ تفاوتی میان افرادی که آثار مهم و نفیس منتشر می‌کنند با آنها که کارت پستال چاپ می‌کنند وجود ندارد و در بسیاری مواقع همین افرادی که تنها به نشر و توزیع کارهای کوچک و بی‌اهمیت می‌پردازند در زیر چتر حمایت‌های دولتی قرار می‌گیرند. در حالی که میان این دو حرفه تفاوت‌های فراوانی وجود دارد. فتاحی در ادامه با انتقاد از اتحادیه گفت: گویی اتحادیه قصد دارد با عضوگیری از حق عضویت ناشران برخوردار شود زیرا متأسفانه اتحادیه هیچ تعاملی با ما نداشته و وجودش هیچ تأثیری بر فعالیت‌های عادی ما ندارد. او در توضیح این مطلب اظهار داشت که تأثیر اتحادیه بر فرآیند چاپ و نشر به شدت کم‌رنگ است و در نبود اتحادیه‌ای مستقل و صنفی به معنای واقعی به نظر می‌رسد که بهتر است وزارتخانه خود به همه امور مربوط به ناشران رسیدگی کند و وضعیت نابسامان این صنف را سر و سامان بدهد، چرا که وجود اتحادیه کنونی هیچ تأثیری در سامان بخشیدن به حوزه نشر و طبع ندارد. محمد کاظم شمس نیز بر این باور است که اتحادیه در شکل کنونی تأثیری در بهبود اوضاع حوزه نشر ندارد. مدیر بوستان کتاب قم عقیده دارد که برای تفکیک اتحادیه ناشران از کتابفروشان دیر شده است. شاید در گذشته و به خاطر برخی مسائل مدیریتی آمیختگی چند صنف در یک اتحادیه ضروری بود اما اکنون چنین ضرورتی وجود ندارد و برعکس احساس می‌شود با تشکیل اتحادیه مستقل ناشران در جهت تخصصی‌تر کردن حرفه و صنعت نشر گام خواهیم برداشت. بدیهی است در جهانی که هر روز بیش از پیش به سمت تخصص‌گرایی و حرفه‌ای شدن پیش می‌رود، نمی‌توان از یک اتحادیه صنفی انتظار نظارت و رفع و رجوع مشکلات سه صنف را داشت. ناشر برگزیده سال ۸۶ در بخش دولتی، تفکیک اتحادیه در بحث مدیریتی را نیز بسیار مهم قلمداد کرد و گفت: در صورتی که اتحادیه به صورت تخصصی تفکیک شود مدیریتی که در صدد تصمیم‌گیری در بحث معافیت‌های مالیاتی هستند، تصمیم درست‌تری خواهند گرفت. در حال حاضر برخی از صنوف دیگر نیز از معافیت‌ها و حمایت‌های ناشران استفاده

می‌کنند و چه بسا ناشران هم از برخی حمایت‌های مخصوص کتابفروشان و لوازم‌التحریر فروشان منتفع شوند که این امر خود نشان دهنده آشفتگی است. شمس در ادامه به نقشی که اتحادیه می‌تواند در روند فعالیت‌های فکری و فرهنگی و فرآیند چاپ و نشر داشته باشد می‌پردازد و اتحادیه حاضر را فاقد چنین ظرفیت‌هایی توصیف می‌کند: اساساً وسعت کار اتحادیه آنچنان فراخ است که دستور کار فراوانی برای هر یک از صنوف تحت حمایتش ندارد و نمی‌تواند برنامه‌ریزی درستی ارائه دهد، چرا که اتحادیه در طرح‌های اجرایی‌اش نگاه به آینده ندارد. محمد کاظم شمس تفکیک اتحادیه فعلی به دو اتحادیه ناشران و کتابفروشان را در جهت علمی شدن نشر

تحلیل می‌کند و می‌گوید: با تخصصی شدن اتحادیه، مدیرانی که بر سر کار خواهند آمد متخصص می‌شوند و هر چه کارها تخصصی‌تر باشد، رفتار مجموعه با معیار علمی سازگارتر خواهد شد. اما مدیر انتشارات اساطیر به عنوان یکی از پیشکسوتان حوزه نشر بحث خود را با ارجاعی تاریخی آغاز می‌کند. به گفته عبدالکریم جریزه دار در دهه سی، یعنی هنگامی که اتحادیه ناشران و کتابفروشان فعالیت خود را آغاز کرد، صنعت چاپ و نشر بسیار کم رونق و شمارگان کتاب‌ها بسیار پایین بود. طبعاً تعداد کتابفروشان هم محدود بود و اغلب ناشران خود کتابفروشی داشتند. به این ترتیب مدیر هر انتشاراتی مدیر یک کتابفروشی هم محسوب

استقلال صنفی نشر؛ یک ضرورت

ابوالفضل جوکار *

فارغ از بحث‌هایی که پیرامون خدمات اتحادیه ناشران و کتابفروشان وجود دارد، هر عقل سلیمی در نگاه اول درمی‌یابد که تفکیک اتحادیه مذکور و تشکیل اتحادیه‌های مستقل منجر به تخصصی شدن و بسامان شدن برخی از نابسامانی‌ها می‌شود. نفس کار نشر خود داعیه‌ای از علم و تخصص را همراه دارد؛ حال آن که اتحادیه ناشران با اتحادیه چند صنف دیگر آمیخته شده است. هر کس حتی با شناختی سطحی نسبت به فعالیت‌های حوزه نشر و کتاب می‌تواند به عمق تفاوت دو حوزه نشر و کتابفروشی و لزوم تشکیل اتحادیه مستقل برای ناشران پی ببرد. متأسفانه وضع کنونی اتحادیه ناشران تهران منجر شده بسیاری از ناشران از خدمات صنفی سودی نبرند و حتی از کم و کیف فعالیت‌های آن مطلع نشوند در حالی که اگر فعالیت اتحادیه تنها بر حوزه کار ناشران متمرکز بود یا ناشران اتحادیه مستقل خود را داشتند، سوددهی و اثربخشی اتحادیه مشخص می‌شد.

به زعم من یکی از مهم‌ترین ایده‌ها و مباحث کنونی در صنف نشر تشکیل اتحادیه مستقل ناشران است که مسلماً در جهت صلاح و منافع ناشران خواهد بود.

یکی دیگر از مهم‌ترین مباحث در حوزه کتاب، آموزش است. گرچه در روزگار ما صنعت چاپ و نشر به صورت علمی مدون شده و حتی در دانشگاه‌ها هم تدریس می‌شود اما بسیاری از ناشران حتی از چارچوب قراردادهای معمول با مولفان بی‌خبرند. آنها حتی استانداردهای اولیه یک کتاب را رعایت نمی‌کنند و اینها همه به خاطر تکیه به یک سازوکار سنتی و نبود آموزش‌های جدید و به روز است. در کتابفروشی هم همین‌طور است. فروش کتاب به عنوان یک کالای با ارزش فرهنگی با فروش لباس یا دیگر محصولات اقتصادی متفاوت است.

یک ناشر و یک کتابفروشی برای ارتقای حرفه‌ای خود به دانشی کاملاً متفاوت احتیاج دارد. یکی از نخستین نهادهایی که می‌تواند به عنوان فراهم آورنده شرایط چنین آموزشی مطرح شود اتحادیه است اما یک اتحادیه واحد نمی‌تواند شرایط آموزش دو صنف متفاوت را به خوبی فراهم کند. در گذشته‌ای نه چندان دور معاونت فرهنگی وزارت ارشاد بحث کاربری فرهنگی را با جدیت پیگیری کرد که فعالیت‌های مجدانه مسئولان این معاونت باعث شده بر ویتترین‌های کتاب افزوده شود، جریان پخش کتاب تسهیل شود و کتاب راحت‌تر در دسترس مردم قرار گیرد. امید است که با تشکیل اتحادیه مستقل ناشران، گامی استوار در جهت تحقق گسترده‌تر اهداف یادشده برداشته شود.

* مدیر مسئول انتشارات گاج

می‌شد. به جز این کتابفروشی‌ها، فروشگاه‌های مستقل کتاب‌چندان به چشم نمی‌خورند قابل ذکر است که به خاطر پیشرفت نکردن صنعت چاپ و رونق نیافتن کتاب و کتابخوانی، همه کتابفروشان حتی آنها که انتشاراتی هم داشتند، نمی‌توانستند از راه چاپ و فروش کتاب درآمدی مکفی کسب کنند و به ناچار لوازم‌التحریر نیز می‌فروختند ولی امروزه با پیشرفتی که در صنعت چاپ به وجود آمده و با رونق گرفتن جریان کتابخوانی، این مشاغل از یکدیگر جدا شده‌اند. این روزها نشر و کتابفروشی و لوازم‌التحریر فروشی مشاغل جدا هستند.

جریزه دار پس از ذکر این مقدمات تاریخی این‌گونه نتیجه می‌گیرد که با توجه به نیازهای امروزی بهتر است اتحادیه خود پیشگام تشکیل اتحادیه‌ای مستقل برای ناشران شود و به این مسئله توجه کند که دغدغه‌های ناشران کاملاً جدا از کتابفروشان است به گفته وی گرچه در حال حاضر اتحادیه فعالیت‌هایی در جهت بالابردن سطح رفاه کارکنان کتابفروشی‌ها و ناشران انجام می‌دهد، اما این حوزه‌ها چنان فربه و عظیم شده‌اند که اتحادیه توان حمایت، مدیریت و نظارت‌سازنده را بر صنوف زیرمجموعه خود از دست داده است. اگر اتحادیه کلان‌کنونی خرد شود و فعالان این مجموعه در دو حوزه تخصصی‌تر و کوچک‌تر به فعالیت‌های خود ادامه دهند، مسلماً شاهد اتحادیه‌هایی قدرتمندتر و سرفرازتر خواهیم بود. جریزه دار ضمن تأکید مجدد بر لزوم تشکیل اتحادیه مستقل ناشران یادآور شد که چنین برنامه‌هایی احتیاج به کارشناسی و بحث و بررسی دارد، بدین ترتیب باید هر چه زودتر دست به کار شویم و طرح تفکیک اتحادیه ناشران و کتابفروشان را به بحث بگذاریم تا پس از چند ماه طرحی پخته برای تفکیک اتحادیه داشته باشیم. نشریات تخصصی کتاب به ویژه کتاب هفته باید در این زمینه فعال باشند؛ چرا که مطالب و مقالاتی که جامع نظرات کارشناسان است می‌تواند در طرح تفکیک یاریگر مسئولان باشد.

یحیی دهقانی مدیر نشر مبتکران نیز بر این باور است که هر چه شرح وظایف اتحادیه مشخص‌تر و جزئی‌تر باشد، اتحادیه در تحقق آرمان‌های خود موفق‌تر خواهد بود؛ اما این مهم به وقوع نخواهد پیوست، مگر آنکه اتحادیه کنونی به دو بخش تقسیم شود. تنها ناشران نیستند که از چنین تقسیم‌بندی منتفع می‌شوند؛ بلکه اگر کتابفروشان نیز اتحادیه تخصصی خود را داشته باشند، نیازهایشان رازاحت‌تر برآورده خواهند کرد و از چتر حمایتی استوارتری برخوردار خواهند شد. مدیر انتشارات مبتکران نیز بر لزوم فراهم آوردن مقدمات تفکیک اتحادیه از راه تحقیق و پژوهش تأکید کرد و گفت: باید یک تیم از کارشناسان خبره و آشنا به حوزه نشر و کتابفروشی تشکیل شود و راهکارهای تشکیل اتحادیه‌های مستقل ناشران و کتابفروشان مورد بررسی قرار گیرد تا این فرآیند به طور علمی و به دور از شتابزدگی صورت پذیرد. دهقانی با ادای احترام نسبت به صنف کتابفروشان، دغدغه‌های نشر را کاملاً متفاوت با کتابفروشی توصیف کرد و توضیح داد که تا زمانی که این صنف‌ها حرفه‌ای نشوند نمی‌توان انتظار پیشرفت داشت. او در ادامه به تأکید دکتر محسن پرویز بر حرفه‌ای شدن صنف نشر اشاره کرد و تصریح کرد که استقلال اتحادیه ناشران از کتابفروشان و لوازم‌التحریر فروشان می‌تواند ما را به حرفه‌ای شدن نشر نزدیک کند.



علیرضا نوروزی از «نمایه سازی کتاب» می گوید

جهان نمایه سازی

نمایه سازی کتاب به قلم علیرضا نوروزی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران به تازگی از سوی نشر چاپار منتشر شده است. این کتاب در پنج فصل به مباحثی چون تعریف و تاریخچه نمایه، اجزا و عناصر نمایه، انواع نمایه و نمایه سازی می پردازد. علیرضا نوروزی متولد ۱۳۵۵ کرمانشاه، کارشناس کتابداری و اطلاع رسانی از دانشگاه شیراز و دکترای علم اطلاعات و ارتباطات از کشور فرانسه است. وی هم اکنون کتابی در زمینه داوری تخصصی و داوری عملی در مجلات و کتاب نمایه سازی استنادی را در دست چاپ دارد و مقالات فراوانی نیز در مجلات و نشریات تخصصی به چاپ رسانده است.

پیش از این چه آثاری در زمینه نمایه سازی منتشر شده بود؟

درباره نمایه سازی، کتاب های مختلفی اعم از تالیف یا ترجمه منتشر شده بود. شاید در این زمینه بتوان از کتاب «راهنمای نمایه سازی مدارک و گسترش اصطلاح نامه توسعه فرهنگی در کشورهای آسیا» نوشته دومینگ سن ویل نام برد که در سال ۱۳۵۶ از سوی آقای عبدالحسین آذرننگ به فارسی برگردانده شد. غیر از این در سال ۱۳۶۴ کتاب اصول نمایه سازی همرا از سوی پرویز محبت تالیف و منتشر شد. سال ۱۳۷۲ کتاب «نمایه سازی همرا» از سوی علی آقابخش چاپ و منتشر شد. «نمایه سازی و چکیده نویسی» اثر جنیفر راولی با ترجمه دکتر جعفر مهرداد در سال ۱۳۷۴ به بازار آمد و در همین سال کتاب تحلیل موضوعی و نمایه سازی مبانی نظری و توصیه های عملی نوشته روبرت فوگمان با برگردان علی مزینانی چاپ و منتشر شد.



این آثار برای چه اقشاری تالیف یا ترجمه شده بود و چه ضرورتی شما را به تالیف کتاب «نمایه سازی کتاب» واداشت؟

هریک از این کتاب هابر وجه ویژه ای از نمایه سازی تاکید داشتند. این کتاب ها به نوبه خود برای دست اندرکاران این حرفه مفید هستند و باید بر تلاش و زحمت نویسندگان و مترجمان آن ارج نهاد ولی وضعیت نامطلوب نمایه سازی کتاب های فارسی مرا متوجه این واقعیت کرده که با توجه به اهمیت نمایه سازی کتاب و نقش مهم آن در بازیابی اطلاعات

از متون و منابع به ویژه متون علمی و جزئیات مربوط به تهیه و تنظیم نمایه سازی کتاب بر بسیاری از ناشران، نمایه سازان، کتابداران، نویسندگان و مترجمان پوشیده است؛ به همین دلیل خودم را مکلف دیدم که این گونه موارد و جزئیات نمایه سازی را در جزوه ای نوشته و در اختیار جامعه بگذارم؛ اما بعد از این که آثار داخلی و خارجی را مطالعه و یک سری نمایه های کتاب را بررسی کردم به این نتیجه رسیدم که واقعا ما به یک درسامه ای هر چند ساده و ابتدایی برای نمایه سازی کتاب نیاز داریم و باید قوانین و اصول اولیه آن را بگوییم. در مورد تخصصی بودن کتاب های چاپ شده هم باید بگویم که این طور احساس نمی کنم؛ مثلا کتابی که آقای آذرننگ نوشته بودند یک راهنمای کلی برای نمایه سازی است و کتابی که آقای آقابخش نوشته اند، فقط نمایه سازی همرا را مطرح می کنند که فقط در پایگاه های اطلاعاتی و اطلاع رسانی مطرح است. در مجموع من کتابی که به صورت خاص بحث نمایه سازی کتاب را بررسی کرده باشد و به توضیح آن بپردازد، ندیدم به همین دلیل تالیف کتابی جامع تر را شروع کردم. در مورد ضرورت تالیف این کتاب هم باید بگویم به اعتقاد من وضعی که امروز در صنعت نشر کشور وجود دارد، این است که ناشران و نویسندگان و محققان به نمایه ها توجه چندانی ندارند.

برای یک کتاب چند نمایه باید تهیه کرد؟

بستگی به نظر ناشر و نویسنده دارد ولی مهم ترین نمایه ای که یک کتاب لازم دارد موضوعی



نمایه سازی چگونه پیدا شد و نخستین افراد و کشورهایی که اقدام به نمایه سازی کردند، چه کسانی و چه کشورهایی بودند؟

اگر به تاریخ نمایه سازی برگردیم به واژه نامه ها و کشف اللغات می رسیم که بیشتر برای انجیل، تورات نوشته شده است و بعد از سال ۱۳۵۰ م. یعنی بعد از اختراع چاپ و کتابت، نمایه سازی به مفهوم امروزی برگشت. البته لازم است اشاره کنم که در آمریکا از سال ۱۸۵۰ نمایه سازی کتاب رواج پیدا کرد.

به نظر شما نمایه سازی برای کتاب چقدر ضروری دارد و وظیفه آن برعهده ناشر است یا نویسنده؟

تهیه نمایه های پایانی کتاب از وظایف اساسی ناشران است. اخیرا برخی از ناشران معتبر، کم و بیش، اهمیت این کار را دریافته اند و انجام آن به اشخاص با صلاحیت و کارآموده سپرده اند.

به نظر من نمایه یک ابزار اصلی و یک کلید بازیابی اطلاعات است و ناشران باید روی این موضوع سرمایه گذاری کنند و از سوی دیگر کتابداران هم نباید کتاب های بدون نمایه بخردند یا حداقل بر ناشران فشار بیآورند که برای کتاب ها نمایه تهیه کنند.

است اما این هم بستگی به کتاب دارد که در چه زمینه ای است. اگر در زمینه جغرافیا باشد به نمایه نام ها نیاز دارد که از نمایه موضوعی جداست.

نمایه از جمله ابزار ضروری و لازم برای بازیابی اطلاعات کتاب است و داشتن آن از جمله صفات بارز یک کتاب خوب به شمار می رود در واقع نمایه راه برگشت به اطلاعات کتاب است. کتاب بدون نمایه مانند یک شهر بدون راهنماست. هر کتابی ممکن است بسیار ارزشمند باشد ولی اگر بدون نمایه باشد نمی توان به راحتی به اطلاعات داخل آن دسترسی پیدا کرد. تنها کتاب هایی که ارزش یک بار خواندن را دارند نیاز به نمایه سازی ندارند؛ اما امروزه حتی کتاب های داستان و رمان های ارزشمند هم نمایه سازی می شوند.

نمایه سازی از چه زمانی وارد ایران شده است؟

شاید بشود گفت از سال ۱۳۵۰ به بعد کم و بیش ما نمایه را در آثار می بینیم ولی تاریخ مستندی ندارم. در عین حال کتاب هایی هستند که به بحث نمایه سازی پرداخته اند مثلا کتاب آقای میر شمس الدین امیرسلطانی در یک بخش به نمایه سازی اشاره می کند.

سطحی و بدون محتوا نیاز به نمایه نداشته باشند. در اغلب کشورهای اروپایی حتی برای کتاب های شعر و داستان هم نمایه سازی صورت می گیرد اما در کشور ما حتی بسیاری از کتاب های معتبر و ارزشمند بدون نمایه به بازار عرضه می شوند. تهیه نمایه های پایانی کتاب از وظایف اساسی ناشران دانسته می شود و چندی است که برخی ناشران معتبر کشور ما کم و بیش اهمیت آن را دریافته اند و انجام این کار را به اشخاص باصلاحیت و کارآموده می سپارند اما برخی ناشران حتی ویراستار ندارند و به آن اهمیت نیز نمی دهند، پس چگونه می توان مسئولیت نمایه سازی کتاب را به عهده شان گذاشت؟

کتاب «نمایه سازی کتاب» به قلم علیرضا نوروزی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران اخیرا از سوی نشر چاپار منتشر شده است. این کتاب آموزشی برای استفاده ناشران، نمایه سازان، کتابداران، نویسندگان و مترجمان تهیه شده اما مطالب آن می تواند مورد استفاده همه علاقه مندان به نمایه سازی قرار گیرد. ضمن این که «نمایه سازی کتاب» می تواند به عنوان یک متن درسی و دانشگاهی در رشته علوم کتابداری و اطلاع رسانی تلقی شود؛ کتابی که به ساده ترین شکل، روش نمایه سازی را به مخاطب آموزش می دهد. این کتاب آموزشی به زبان ساده نوشته شده و به دور از پیچیده گویی و مغلق نویسی است. البته قبل از این کتاب، کتاب های دیگری در این زمینه ترجمه یا تالیف و به بازار عرضه شده اند اما به دلیل تخصصی بودن و زبان سخت، کمتر مورد توجه مخاطبان عام قرار گرفته اند.

دربرمی گیرد؛ نمایه پدید آورندگان، نمایه عناوین، نمایه نام های جغرافیایی، نمایه نام سازمان ها و موسسات، نمایه نام اشخاص و ... نمایه، راهنمای نظام یافته مندرجات هر نوع نوشته ای (مانند کتاب، مجله، روزنامه، پایگاه اطلاع رسانی و...) است که در آن شناسه ها به ترتیب ویژه ای با ارجاع به محل قرار گرفتن اطلاعات تنظیم می شود. نمایه راه ورود و دست یافتن به اطلاعات و از ساده ترین، کارآمدترین و ضروری ترین ابزارهای اطلاعاتی است.

واحد اصلی نمایه مدخل است. یک مدخل کامل متشکل از شناسه، بیانگر، جاینامه یا ارجاع صفحه و ارجاع دوسویه است. جزء محوری مدخل را شناسه می گویند که محل دسترسی به اطلاعات را در یک نظام تعریف شده معمولا الفبایی نشان می دهد، به عبارت دیگر در نظام الفبایی، مدخل ها، شناسه محل حضور اصطلاح را در نمایه نشان می دهند. شناسه اصلی یک مدخل، نمایه ای به طور معمول اسم یا عبارت اسمی، نام شخص، مکان، شیء، یک موجود مجرد یا از این قبیل موارد است که خواننده احتمالا از طریق آن به جست و جوی اطلاعات مورد نظر می پردازد. در جهان امروز نمایه سازی برای هر کتابی یک امر لازم و ضروری است. در عصر حاضر که عصر اطلاعات لقب گرفته و سرعت انتقال اطلاعات خارج از تصور است، نمایه سازی برای آثار مکتوب از جمله کتاب یک امر بدیهی محسوب می شود. در اغلب کشورهای جهان امروز هیچ کتابی بدون نمایه منتشر نمی شود و شاید تنها کتاب هایی که ارزش یک بار خواندن را دارند یا به تعبیری کتاب های

چرا نمایه سازی؟

علی محمدیان: از دوران باستان تا اختراع فن چاپ، کتاب ها مثل امروز زیاد نبودند. خواندن هم عادت عمومی نبود. مردم کتاب های آسمانی را حفظ می کردند و قادر بودند قطعاتی طولانی از این متون را از حفظ بخوانند اما با اختراع و رواج صنعت چاپ، تولید کتاب در جهان سده به سده به شکل صعودی افزایش یافت و به منظور سرعت و سهولت دستیابی به اطلاعات، وجود نمایه الزامی شد. در سال ۱۵۵۰ میلادی جان ماربک یک واژه نما برای انجیل ساخت که نخستین واژه نما محسوب می شود، فردریک پاول بزرگ ترین نمایه را برای نشریات قرن ۱۹ میلادی تهیه کرد و کمپانی ویلسون از سال ۱۹۰۱ برای بسیاری از نشریات ادواری ایالات متحده آمریکا نمایه تهیه کرد. هنری ویتلی در کتاب «نمایه چیست؟» می نویسد که واژه نمایه برای نخستین بار از سوی رومی ها در حوزه کتابت به معنای کشف افسانه به کار می رفته و در زبان انگلیسی واژه نمایه به معنای فهرست مندرجات و راهنمای اثر کاربرد داشته است. در زبان فارسی امروز واژه نمایه از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی معادل واژه انگلیسی Index انتخاب شده است که معنای لغوی آن نشان دادن و نمایش دادن است که از مصدر نمودن یا نماییدن گرفته شده است.

نمایه انواع مختلفی دارد از لحاظ محتوا و پوشش به نمایه نام ها و نمایه موضوعی تقسیم می شود و نمایه نام ها خود چند زیرگروه را



کارشناسان از تأسیس رشته ادبیات پایداری در دانشگاه‌ها می‌گویند

در سنامه های پایداری

بلکه در سایر رشته‌های علوم انسانی نیز وارد دانشگاه‌های کشور شود.

دکتر منوچهر اکبری رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و عضو گروه پژوهش ادبی پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس نیز در خصوص مشکلات موجود در رشته ادبیات پایداری، معتقد است: تأسیس رشته ادبیات پایداری در مقطع کارشناسی ارشد نیازمند تعریف ۳۴ واحد تخصصی است که تحقق آن در تهران با دربرداشتن امکانات مناسب، آسان است، اما تامین منابع و استادان مورد نیاز آن در سایر شهرها با دشواری‌های زیادی روبه‌رو است.

به باور او برای تدریس رشته ادبیات پایداری در دانشگاه با وجود در اختیار داشتن تعداد قابل توجهی کتاب ارزشمند در این حوزه، نمی‌توان گزیده‌ای از این کتاب‌ها را برای تدریس انتخاب کرد، بلکه در شرایط فعلی می‌توان مجموعه‌ای از تحقیقات و منابع موجود را به عنوان درسنامه ارائه داد و پس از چندین سال با کسب تجربیات لازم به تالیف منابع مشخص امیدوار بود.

اکبری، اشتغال‌زایی را از دغدغه‌های موجود دانشجویان رشته ادبیات پایداری عنوان می‌کند و می‌گوید: «برای گسترش رشته ادبیات پایداری در دانشگاه نباید هیچ‌گونه تعجیلی داشت، چراکه امکانات موجود پاسخگوی گسترش رشته ادبیات پایداری نیست. از طرفی چند سال آینده ما با تعداد قابل توجهی فارغ‌التحصیل مواجه خواهیم شد که تامین بازار کار مناسب برای آنها دشوار خواهد بود.» رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران معتقد است: استفاده از منابع خارجی و ادبیات پایداری سایر کشورها همچون لبنان، فلسطین و آمریکای لاتین برای ایجاد آمادگی ذهنی دانشجویان موثر است، اما در گام اول برای تامین منابع درسی این دانشجویان نیازی به منابع خارجی نیست چراکه زمانی که صحبت از رشته ادبیات پایداری تطبیقی شود، برای مقایسه شباهت‌ها و اختلاف‌های ادبیات پایداری ما با سایر کشورها، این منابع بیش از پیش در تالیف سرفصل‌ها و دروس دانشجویان مورد نیاز خواهد بود.

اکبری تدریس سلیقه‌ای ادبیات پایداری را آفت بزرگ این رشته عنوان می‌کند و می‌گوید: «آسائیدی که برای تدریس این رشته انتخاب می‌شوند تنها باید به منابع درسی اکتفا کنند و از آنها بهره‌مند شوند چراکه بیان خاطرات و تجربیات شخصی یک استاد از دفاع مقدس لطمه زیادی به رشته ادبیات پایداری خواهد زد.»



جذب اساتید مورد نیاز میسر نشده است، حال آن‌که در رشته ادبیات پایداری به دلیل گستردگی موضوعات ادبی دربرگیرنده این اقدام زمانی طولانی را دربر گرفته و حتماً باید با تامل و تعمق زیادی انجام گیرد تا آینده رشته ادبیات پایداری به خطر نیفتد.

او در خصوص نحوه جذب اساتید مورد نیاز رشته ادبیات پایداری خاطر نشان می‌کند: «طی جلسات منظمی که با کارشناسان ادبی مجرب در پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس انجام می‌گیرد، از طریق مطالعه کتاب‌های شاخص مولفان و هم‌اندیشی با آنها اقدام به تامین اساتید مورد نیاز می‌شود که در صورت انتخاب افراد شایسته، دوره‌های آموزشی مورد نیاز برگزار خواهد شد.»

سنگری با اشاره به ضرورت ورود محتوای دفاع مقدس در منابع درسی دانشگاه می‌گوید: «خوشبختانه طی تفاهم به عمل آمده با وزارت آموزش و پرورش از چند سال گذشته این مهم در سطح مدارس کشور محقق شد. امروزه بسیاری از مباحث تدریس شده در دانشگاه‌ها مستملاً بر تئوری‌های جنگ سایر کشورها بوده و عموماً مباحثی وارداتی هستند، حال آن‌که دوران هشت ساله دفاع مقدس ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آن را از سایر جنگ‌ها متمایز کرده است و ضرورت دارد که چنین درونمایه‌های تاثیرگذار و ارزشمندی نه تنها در قالب رشته ادبیات،

دفاع مقدس موجب شده تا بیش از پنج هزار عنوان کتاب در این حوزه جمع‌آوری شود که نقش بسزایی در تامین منابع درسی دانشجویان رشته ادبیات پایداری ایفا خواهد کرد.

دبیر گروه پژوهش ادبی پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس یادآور می‌شود: در شرایط کنونی امکان تالیف منابع درسی به دلیل نوبت بودن این رشته وجود ندارد و در همین راستا اعضای گروه پژوهش ادبی پژوهشگاه دفاع مقدس با استفاده از منابع موجود و بهره‌گیری از کارشناسان درصدد تدوین منابع مورد نیاز در قالب جزوات آموزشی هستند که فکر می‌کنم تا شش ماه آینده تعدادی از این منابع آماده ارائه به دانشجویان این رشته شود البته باید متذکر شوم که تدوین منابع هم شرایط خاص خود را می‌طلبد و باید بر اساس معیارها و ضوابط مشخصی انجام شود تا بتوان در گام بعدی که چندین سال به طول خواهد انجامید به تالیف منابع مورد نیاز پرداخت.

سنگری به کارگیری استادان مورد نیاز رشته ادبیات پایداری را از دغدغه‌های فعلی این رشته می‌داند و می‌گوید: «چندی پیش درس دو واحدی آشنایی با مبانی دفاع مقدس به صورت اختیاری در دانشگاه‌ها راه‌اندازی شد که با وجود کلی بودن این واحد و برگزاری چند دوره آموزشی به وسیله گروه جذب اساتید پژوهشگاه علوم دفاع مقدس، هنوز امکان

چندی پیش همزمان با سالروز آزادسازی خرمشهر در سوم خردادماه، مقطع کارشناسی ارشد رشته ادبیات پایداری به همت پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس و معاونت ادبیات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در دانشگاه شهید باهنر کرمان راه‌اندازی شد و از مهرماه سال جاری تعدادی دانشجو در این رشته جذب و مشغول تحصیل شدند. البته ضرورت تأسیس چنین رشته‌ای به دلیل ابعاد گسترده ادبیات دفاع مقدس پیش از این احساس می‌شد، چراکه ادبیات دفاع مقدس برای تثبیت خود نیازمند پردازش و بررسی علمی و آکادمیک در دانشگاه است. از طرفی هم اکنون ۳۰ دانشگاه کشور به کتابخانه‌های تخصصی پایداری تجهیز شده‌اند که با گسترش آنها و دسترسی آسان دانشجویان به کتاب‌های ادبی دفاع مقدس نیاز به تأسیس رشته ادبیات پایداری در دانشگاه‌ها پیش از این احساس می‌شود. به هر حال از آنجا که راه‌اندازی هر رشته‌ای نیازمند بهره‌مندی از امکاناتی چون منابع درسی و سرفصل دروس مشخص است، این سوال مطرح خواهد شد که آیا امکانات موجود پاسخگوی نیاز دانشجویان رشته ادبیات پایداری خواهد بود؟ دکتر محمدرضا سنگری، دبیر گروه پژوهش ادبی پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس در این باره می‌گوید: «اولین موضوعی که برای تأسیس یک رشته مورد نیاز است، تعریف آن رشته و مجموعه واحدهای درسی و سرفصل‌های مشخص برای آن است که خوشبختانه این مهم چندی پیش به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و هم‌اکنون واحدهای مشخصی برای رشته ادبیات پایداری در مقطع کارشناسی ارشد به همت دوره‌های آموزشی و هم‌اندیشی با برخی از صاحب‌نظران این حوزه تعریف شده است.»

او تأمین منابع علمی و اسناد مورد نیاز را از دیگر نیازهای رشته ادبیات پایداری عنوان می‌کند و تأکید می‌کند: «منابع علمی باید در سطح دانشگاه‌های کشور و متناسب با نیازهای دانشجویان این رشته تهیه شود و به گمانم در شرایط کنونی تعداد قابل توجهی کتاب شاخص در حوزه ادبیات دفاع مقدس وجود دارد، اما نمی‌توان از آنها به عنوان منبع واحد برای رشته ادبیات پایداری استفاده کرد.»

سنگری تأسیس بانک جامع اطلاعات دفاع مقدس را از ضرورت‌های رشته ادبیات پایداری در دانشگاه می‌داند و بر این باور است که تقارن راه‌اندازی رشته ادبیات پایداری با برگزاری جشنواره ربع قرن کتاب

معرفی کتاب

دلتنگی‌های فرزندان کارون



مریم خسروانی: «شب نشینی گفتارها» عنوان کتابی است که به تازگی از سوی انتشارات پالیزان و با حمایت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به قلم معصومه افراشی با تصویرگری بهنام زنگی و ویراستاری حسین فتاحی در شمارگان ۵۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۵۰۰ تومان به بازار عرضه شده است. داستان از زاویه دید کودکی بیان می‌شود.

توصیف خوزستان و شهر خرمشهر در دوران جنگ هشت ساله، فضای داستان را تشکیل می‌دهد. خانه به خاطر تجدیدی پدرش از شیراز به خرمشهر می‌آید و هنگام ورود، محیط را متشنج می‌بیند و پس از

است. به ویژه زمانی که صحبت از سربازان مهاجم می‌شود، دوران کنونی به ذهن القا می‌شود. عنوان کتاب «شب نشینی گفتارها» نیز کاملاً متناسب با موضوع و جنایات رژیم بعثی عراق علیه مردم بی‌گناه و مظلوم خرمشهر بوده و خود به تنهایی بازگو کننده حوادث است.

روایت کتاب به گونه‌ای است که خواننده را تا پایان ماجرا منتظر می‌گذارد تا ماجرا را پیگیری کند و در واقع حوادث را برای مخاطب لو نمی‌دهد. معصومه افراشی نویسنده کتاب، تحمیل شدن جنگ بر ایران را به خوبی در ذهن نوجوانان ایجاد کرده است و به نوعی خانه سایه روشنی از کودکی نویسنده است که آنچه که خود در دوران کودکی از حوادث خرمشهر در جنگ دیده و از سایرین شنیده را در قالب رمان ارائه کرده است.

به هر حال در شرایط فعلی ادبیات کودک و نوجوان، انتخاب موضوع خرمشهر که پر از ناگفته‌های بسیار است، می‌تواند به آشنایی هر چه بیشتر کودکان و نوجوانان با تلخی‌های دوران دفاع مقدس کمک کند.

آن بر اثر بمباران‌های شدید خرمشهر از سوی هواپیماهای جنگی عراق، بسیاری از مردم شهر را ترک می‌کنند و عده زیادی نیز برای دفاع از میهن به مقابله با دشمن می‌پردازند. در ادامه برادر حنانه نیز به جمع مدافعان می‌پیوندد و پدرش در یکی از بمباران‌ها شهید می‌شود و از آن به بعد حنانه به وسیله همسایگان و بستگانش نگهداری می‌شود و جریان شدت گرفتن جنگ را روایت می‌کند.

این رمان در میان سایر داستان‌های حوزه دفاع مقدس به دلایلی موفق عمل کرده است؛ یکی این که حوادث از دیدگاه دختری کوچک بازگو می‌شود که از دیدگاهی عاطفی و صمیمانه به وقایع می‌نگرد و دلیل دیگر نیز بازگو کردن مقاومت جوانان با زبانی ساده، بدون حاشیه‌پردازی و شعارگرایی است.

منظری چون مدرسه، سنگر و... نیز به خوبی مورد توصیف قرار گرفته است البته ایرادی که بر کتاب وارد است، مداخله دانای کل در برخی وقایع است، به گونه‌ای که روای در بیان برخی حوادث فراتر از سن و شرایط زمانی آن دوره سخن گفته با زبان امروزی به آنها نگاه کرده



سام محمودی

شاید اگر استقبال چشمگیر مخاطبان ستون حکمت بودا در یکی از روزنامه‌های صبح نبود دکتر محمود جواد ادبی مترجم آن ستون به صرافت پیراسته تر کردن و انتشار برگردان خود از کتاب «ذمه پده» که پیش تر از سوی ع. پاشایی به فارسی ترجمه شده بود نمی افتاد. حجت الاسلام دکتر محمود جواد ادبی دانش آموخته رشته دین شناسی تطبیقی است و تاکنون کتاب‌هایی نظیر «آشنایی با دایرةالمعارف‌های ادیان»، «اسلام؛ تعامل یا تقابل با جهانی شدن» و ... را در این حوزه آماده نشر ساخته است و پیش تر نیز کتابی از جولیت مابی با عنوان «نیایش» به فارسی برگردانده است. اما کتاب آخر او با عنوان حکمت بودا بر اساس ویراست و برگردان فریدریش ماکس مولر از کتاب ذمه پده چندین پیش از سوی نشر نغمه نواندیش روانه بازار شد. او در این گفت‌وگو درباره مسائل مبتلا به در خوانش ویراست و برگردان فریدریش ماکس مولر از کتاب ذمه پده چندین پیش از سوی نشر نغمه نواندیش روانه بازار شد. او در این گفت‌وگو درباره مسائل مبتلا به در خوانش متون دینی سخن گفته است.

حجت الاسلام دکتر محمود جواد ادبی از کتاب «حکمت بودا» می گوید

حکمت ادیان از منظرهای معاصر

این متن به باور قائلان به آن نوع از عرفان به نیازهای بشر امروز نزدیکی بیشتری دارد تا متن ادیان دیگر چون یهودیت و مسیحیت یا حتی اسلام که الهیات شریعت مداری دارند. تا جایی که من می دانم این متن بیشتر به ترجمه و برگردان ع. پاشایی با عنوان ذمه پده از زبان پالی به فارسی منتشر شده است. دلیل برگردان مجدد آن از زبان انگلیسی چه بود؟

ببینید استاد پاشایی هم به لحاظ شناخت بودیسم و هم تسلط به زبان‌های پالی در مقام استادی علی الاطلاق هستند. ایشان متن را با زمینه‌های پالی و تفسیری مختلف به فارسی برگردانده‌اند و به باور بنده ذمه پده (با برگردان ایشان) یک متن علمی صرف است و به درد علما می خورد. من در این برگردان سعی داشتم تا کسانی که با متن علمی چندان میانه‌ای ندارند هم آن را بخوانند و به راحتی بفهمند.

این گزاره‌ها پیش تر در روزنامه همشهری منتشر می شد. چه شد که به فکر ترجمه مجدد آن افتادید؟ استقبال فوق العاده‌ای که از آن شد، ناگزیرم کرد تا بعد از پایان آن دوره در سال ۱۳۷۹، یک بار دیگر متن را ترجمه کنم و با مقابله‌های فراوان (هم به لحاظ زبانی و هم فهم متن به وسیله دوستانی که آن را دیده بودند) تحویل ناشر دهم.

دلیل استقبال از این متن را در چه می دانید؟ این متن از دنیای سنتی و معنوی آمده و این گزاره‌ها برای فرار از مشغله‌های جهان مدرن بهترین امکان را به انسان درگیر می دهد. فراموش نکنید که اساسا حکمت یعنی آرامش و سکوت و در عین حال حرکت و پویایی و چون متن دینی انسان را با این زمینه‌ها همراه کرده و راه خود فرد (و شاید به خود دین) فرامی خواند و برای زندگی شایق تر می سازد... البته این با شعر و شاعرانگی متفاوتی جدی دارد چرا که خصیصه متن دینی این است که با حقیقت مستتر در میان واژه‌ها پنجره‌ای فراروی مخاطب می گشاید که در دوران مدرن بسته مانده است. این متن تصویری از انسان دارد که با ذهنیت انسان معاصر در تعارض است.

انسان امروزی که شما از آن سخن می گوید دچار بحران معناست و معنا را باید در متن دینی یافت اما فراموش نکنید که انسان امروز به هر حال انسان است و شاخصه متن دینی این است که به مخاطب این نکته را گوشزد کند که مرغ باغ ملکوت، نیم از عالم خاک...

قضیه در این جغرافیا به چه شکلی است؟ این پرسش را به نوعی پیش تر در لابه لای صحبت‌هایم پاسخ دادم اما به کوتاه‌ترین بیان می توان گفت که متن حاضر اشتراکات معرفت شناختی بسیاری با سنت اسلامی دارد و می تواند همان مبنای فیتبعون احسنه را برای فردی که به دنبال حکمت ادیان است به وجود بیاورد. شاید مخاطبی که از این متن آغاز می کند بعدها راحت تر بتواند سراغ حکمت اشعیا یا مکاشفات یوحنا برود چرا که اساسا مخاطب پس از خواندن آن برای خوانش‌های بعدی شایق تر می شود. بهتر نبود برای سهولت درک آن در این جغرافیا یک تقریر تطبیقی بین برخی از این گزاره‌ها با متون عرفانی اسلامی صورت داده می شد؟

چنین فکری داشته و دارم اما تصور من این بود که از حالت متن بودن درمی آید البته شاید وقتی دیگر در رساله‌ای جداگانه این بحث را بسط دهم.



است. به باور من حکمت و علی‌الخصوص حکمت ادیان به عنوان نیاز واقعی انسان امروز مطرح است و گریزی هم از واقعیت حاکم بر جهان امروز ما نیست. هر چند بافت، زبان و ساختار حکمی و ... ادیان مختلف با هم یکی نیست اما این ربطی به نیاز انسان به خوانش و زیست در جهان حکمی ادیان ندارد.

اما در مورد حکمت بودا معتقدم که انسان جهانی با هویت‌های گوناگون در خوانش حکمت بودا یکی از نیازهای واقعی خود را برآورده می سازد. البته در مورد این جغرافیا (یعنی ایران اسلامی) بر این باورم که من این بخش از تفکر بودایی را برای زمان و زمینه فکری و دینی خودمان نزدیک تر یافتیم.

از سوی دیگر اقبال جهانی به بودیسم، کوتاهی متن و گزاره‌گرایی آن، روانی و سادگی و اشتراکات زیادی که می توان میان آن و عرفان اسلامی یافت که بهترین امکان برای برگردان این اثر بود. در این متن الهیات پویشی (نه به معنای امروز بلکه به معنای عام آن) بهتر از متون ادیانی چون یهودیت شریعت مدار یا مسیحیتی که با وجود سخن نگفتن از شریعت، شریعت مند شده با ذهنیت ما همخوانی و سازگاری دارد.

قبول دارید که بخش عمده‌ای از متونی که به متون عرفانی کاذب مشهور شده‌اند برگرفته از متون عرفانی بودایی (با تمرکز بر آرامش) هستند؟

به اعتقاد من نمی توان به همین راحتی حکم داد. اساسا عرفان‌های کاذب رویکرد سلف سرویسی به دین دارند. به این معنی که از هر دینی گزاره‌هایی اخذ کرده و سرانجام ملغمه‌ای از آداب و آرای موجود در هر دین را در یک ظرف مکتوب گردآورده به خورد انسان می دهند.

نقطه ضعف عرفان‌های کاذب را در کجا می بینید؟ ببینید حتی انتخاب این متون نیز در عرفان‌های کاذب سیستماتیک (به ما هو سیستماتیک) نیست هر چند که نیاز امروز بشر به معنویت یک نیاز غیرقابل انکار است اما نکته‌ای که در این نوع از عرفان‌گرایی مغفول مانده، شریعت و الهیاتی که با معاد، خیر، شر و مفاهیمی از این دست همراه باشند، است.

اما ماجرا این است که متون بودایی بیشتر از دیگر ادیان، امکان استفاده (با به قول شما سوءاستفاده) به قائلان عرفان‌های کاذب می دهد.

هم دارند. فراموش نکنید که شما در تعقل فلسفی تابع دلایل و براهین و عقلانیتهای هستید که مورد پذیرش عقلایی است که با عینک فلسفه می نگرند. در اینجا همه چیز قابل اثبات است یا مردود، اما در عرفان، شما تابع شهود و به تعبیری تابع لاکرار فی التجلی هستید. به قول فروغی بسطامی «با صد هزار جلوه برون آمدی که من / با صد هزار دیده تماشا کنم تو را»

قضیه این است که شما با کدام تفکر صرف فلسفی می توانید یک تجربه عرفانی یا وضعیت شهودی را تبیین عقلانی و فلسفی کنید.

اما تجربه عرفانی یا وضعیت شهودی که اساسا امری فردی و شخصی است، چگونه می تواند جنبه عام و قابل انتقال داشته باشد؟ اگر این طور باشد پس چگونه، این کتاب درباره عطش با رهیافت عرفانی سخن می گوید؟

اساسا هیچ متن دینی (از متون هندویسم که در جنگل دریافت و تقدیر می کردند تا پیشرفته ترین متن به لحاظ لایه‌های زبانی و معنا شناختی یعنی قرآن کریم) با رهیافت فلسفی با مخاطب سخن نمی گویند بلکه در این متون از زبانی استفاده می شود که از آن به زبان حکمی یاد می شود؛ زبانی همراه با عقل گرایی که صرفا فلسفی نیست.

حال پرسش این است که حکمت بودا (و صرفا حکمت بودا) امروز در این جهان پر تنش چه گرهی می گشاید؟

بهتر است برسید چه نیازی به خواندن حکمت

تصور می کنم بهترین آغاز برای گفت‌وگو درباره کتاب حاضر، پرسیدن از چرایی خوانش متون ادیان دیگر باشد. از این حیث می خواهم به سادگی درباره اثر حاضر پیروم که چرا باید این کتاب را خواند و اثر حاضر چه تحفه‌ای برای مخاطب ایرانی مسلمان آورده است؟

از قرآن حکیم نقل می کنم که حضرت حق در آن می فرماید، آدمیان حکیم کسانی هستند که همه سخنان را می شنوند و آنچه را که بهتر، پیراسته تر و عمیق تر است، دریافت و حفظ می کنند (فیتبعون احسنه) بنابراین ما در عمق تعالیم اسلامی خود می آموزیم که اگر علم در چین و ماچین هم باشد، علم به ما هو علم را برای شناخت، خدمت، حرکت، پویایی معنوی و بهتر شدن کیفیت زندگی مادی فراگیریم. بنابراین خواندن متون ادیان برای شناخت گوناگونی توصیف حقیقت، به ما هو اشکالی ندارد.

شما از چه اشکالی سخن می گوید؟ طبعاً اگر قرار باشد با خواندن متون دیگر ادیان و کیش‌ها یکسره از میراث متنی خود - که آن را نخوانده گذاشته‌ایم - جدا شویم، اشکال ایجاد می شود. البته باید عنوان کنم که بودیسم جزو ادیان شرقی‌ای است که مفاهیم و گزاره‌های حکمی را به نحوی در اختیار مخاطب ایرانی می گذارد که می توان مابه‌ازاهای بیشتر و اصیل تری را در دین اسلام یافت. در اینجا بحث وحدت متعالی ادیان مطرح می شود.

آنچنان که سنت گرایان معتقدند. و بنده نیز در همان مسیر با آنها هم رأی هستیم. مرکز دایره ادیان و صف تو حید را با خود دارد و طبعاً هر چه از محیط این دایره به مرکز آن نزدیک شویم، خطوط موجود در حاشیه مرکز، به همدیگر نزدیک تر می شوند. مرکز دایره عبارت است از حقیقتی که در عرفان مطرح است و محیط دایره استعاره از شریعتی می تواند باشد که باید از آنجا آغاز کرد.

مسئله این است که هنوز فلسفه وجودی شریعت و اشکالی نشده است. به باور حضرت تعالی چگونه می توان برای فهم ادیان، شریعت را تبیین کرد؟

اساسا بدون درک پذیرش شریعت و حرکت در مسیر آن به نقطه حقیقت نخواهیم رسید اما به تعبیر قرآن کریم که می فرماید «لا نفرق بین احد من رسله» این همه آوازه‌ها از شه بود، شریعت تنها نقطه شروع و آغاز برای راهی است طولانی و پر صعب که به حقیقت می انجامد. به این معنی که فرد باید از پوسته شریعت خود آغاز و با پایبندی در مسیر شریعت مداری، کم کم به طریقت و سرانجام به مرکز دایره که حقیقت متعالی موجود در همه ادیان باشد دست یابد.

«حکمت بودا» در تحلیل مخاطب شناختی، مربوط به چه طیف از مخاطبان می تواند باشد، یا به عبارتی مخاطب این کتاب کیست؟ مخاطبان اصلی این کتاب، قائلان به حکمت ادیان هستند...

حال این حکمت ادیان چه مولف‌ها و مشخصه‌هایی دارد؟

حکمت ادیان به باور من یعنی وجه باطنی و عقلانی دین مداری که فقط فیلسوفانه نیست. شما در اینجا فلسفه را در مقابل حکمت قرار می دهید بدون آن که مشخص کنید وجه عقلانی دین مداری با وجه فلسفی دین داری یا فلسفه دین چه تفاوتی با



فرهنگ ادبیات فارسی کتابی است در هزار و هفتصد صفحه به قلم محمد شریفی با ویراستاری محمدرضا جعفری که از سوی فرهنگ نشر نو و انتشارات معین چاپ و منتشر شده است. مهم ترین ویژگی این فرهنگ گردآمدن اطلاعات گوناگون ادبی از شرح احوال شاعران و نویسندگان دیروز و امروز تا معرفی آثار، اصطلاحات ادبی، قصه ها و داستان ها، اشارات و تلمیحات و ... آمیختگی فولکلور و افسانه های عامیانه با ادبیات جدی است. محمد شریفی مولف این فرهنگنامه متولد ۱۳۴۵ تهران پیش از این کتاب گفته ها و نکته ها را تالیف و توسط انتشارات توتیا منتشر کرده و همچنین تالیف بخشهای الحاقی دایرةالمعارف دانش بشر را نیز عهده دار بوده است. او سال هاست که به عنوان کتاب پرداز و ویراستار حرفه ای در حوزه نشر فعالیت دارد.

محمد شریفی از تازه ترین اثر خود می گوید

فرهنگنامه ادبیات خلاق

این فرهنگ حضور ندارد؟

این موضوع هم از جمله مسائلی بود که خیلی بررسی شد که آیا می توانیم تعداد کتاب های یک نویسنده یا شاعر را معیار قرار بدهیم؟ و در واقع به همان موضوع معیارهای انتخاب برمی گردد. من مدتی با معیار تعداد آثار منتشر شده از یک شخص پیش رفتم اما این معیار مشکلات فراوانی به بار آورد. عده کثیری بودند که تعداد زیادی کتاب داشتند اما من با هیچ ضابطه ای نمی توانستم آنها را وارد فرهنگ ادبیات فارسی کنم. مثلا کسی ۱۲ مجموعه شعر را در طول مدت کوتاهی چاپ کرده است، ولی هیچ یک از منتقدان و صاحب نظران حتی نام او را نشنیده اند و هیچیک از این دفترها اقبالی نیافته است -- چطور می توان او را در کنار کسانی چون شاملو و نیما و اخوان نشانند. بنابراین در حال حاضر کسانی در این فرهنگ حضور دارند که بسامد نامشان در نقدهای ادبی و در گزیده های آثار، و همچنین در جنگها و گلچینهای شعر و داستان بسیار زیاد است و اغلب شهرت و محبوبیتی در میان جماعت کتابخوان دارند.

در این فرهنگ جای نشریات و روزنامه نگاران خالی به نظر نمی رسد؟

شما زیر مدخل نشریات ادبی مقاله ای دو - سه صفحه ای خواهید یافت که نشریات خاص و معتبر ادبی را معرفی کرده است. و چون کتاب من فرهنگ ادبیات بوده است نشریاتی را انتخاب کرده ام که به صورت تخصصی به ادبیات پرداخته و می پردازند. در این مقاله هر نشریه را در دو - سه سطر معرفی کرده و توضیح داده ام که بنیادگذار یا اولین سردبیرش چه کسی بوده است؟ و آیا هنوز منتشر می شود یا نه؟ و اینکه تا الان چند شماره منتشر شده است. در این زمینه همین مقدار مطلب آمده و تصور می کنم برای چنین فرهنگی کافی است.

در مقدمه کتابتان اشاره کرده اید کار حک و اصلاح این فرهنگ ادامه دارد و از خوانندگان خواسته اید ضعف کار را به شما گوشزد کنند. چه برنامه ای برای چاپ بعدی این فرهنگ در نظر گرفته اید؟

اولین چیزی که مایل هستم انجام بدهم این است که معیار سنی را جلوتر بکشم و بدین ترتیب اشخاص و آثار دیگری از نسل جوان را وارد این فرهنگ کنم. دیگر اینکه در قسمت اشارات و تلمیحات و مفاهیم ادبی شاید بتوان بیشتر کند و کاو کرد چون مباحث این حوزه ها بی انتهاست و هر چه در این زمینه بیشتر بخوانیم و بررسی کنیم نکات جدیدتر و بیشتری می یابیم. من هم اکنون چندین صفحه مطلب آماده دارم که در چاپهای بعدی به این فرهنگ اضافه خواهم کرد و این روند همچنان ادامه خواهد داشت چون اگر قرار باشد چنین اثری پویایی نداشته باشد و به روز نباشد و من موضوعات جدید را دنبال نکنم، تازگی اش را از دست می دهد و این نقض غرض است زیرا یکی از ویژگی های این فرهنگنامه این است که تا بهار ۱۳۸۷ یعنی سه ماه قبل از انتشار به روز است. و طبعاً اگر اقبال داشته باشد و مورد مراجعه و استفاده اهل نظر قرار گیرد، من هم انگیزه بیشتری برای دنبال کردن مطالب تازه و روزآمدن کردن آن پیدا خواهم کرد.



این کار در ایران نیز بی سابقه نیست و مثلا در دایرةالمعارف فارسی مصاحب که از مراجع معتبر ماست معیار این بوده که نام اشخاصی را که در قید حیات بوده اند نیاورند. یا فرهنگ ادبیات انگلیسی آکسفورد به نویسندگان و شاعرانی که بعد از جنگ جهانی دوم به دنیا آمده اند نپرداخته است. البته امیدوارم در ویرایش های بعدی این فرهنگ بتوانم این معیار سنی را به جلوتر از ۱۳۴۰ برسانم. شاید برخی از مخاطبان این فرهنگ بدون خواندن مقدمه کتاب و در نظر گرفتن این معیار احساس کنند چون فلان نویسنده مشهور در این فرهنگنامه حضور ندارد، کار من دارای نقص و اشکال است. ولی حقیقت این است که من کارهای مربوط به نویسندگان جوانتر را نیز تقریباً به انجام رسانده ام اما در ویرایش فعلی تصمیم بر این قرار گرفت که چنین عمل کنیم - البته با این توضیح که مثلا اگرچه آقای مصطفی مستور یا محمدرضا کاتب با توجه به معیار سنی جزء مدخلهای این فرهنگ نیستند اما آثاری از ایشان و دیگران که برنده جوایز ادبی شده است از این قاعده مستثنا شده و به هر یک از آنها مقاله ای مستقل اختصاص یافته است.

حجم مقالات براساس چه معیاری تعیین می شد؟ همانطور که گفتم حجم مقالات بر اساس ضروری ترین اطلاعات برای مخاطب عام تعیین شده است و البته حجم مقالات به هیچ وجه نشان دهنده اهمیت موضوع مقاله و جایگاه آن در ادبیات فارسی نیست. ما افرادی را در حوزه ادبیات قدیم یا جدید داریم که اطلاعات چندانی از زندگی آنها در دست نیست و بیش از آنچه نوشته ام در مورد آنها اطلاعات نداریم اما جایگاه آنها بسیار رفیع و والا است. و برعکس کسانی را داریم که بنا به دلایل مختلف اطلاعات فراوانی از آنها در دست است که در این گونه موارد بخش زیادی از این اطلاعات که لازم به نظر نمی رسید کنار گذاشته شد.

چطور است که شاعری از شاعران نسل امروز با دو - سه مجموعه شعر، یک مقاله به او اختصاص داده می شود ولی شاعر دیگری با آثار بیشتر در

از ادبیات حقوقی هم صحبت کنیم چون تمام کتاب هایی که در زمینه حقوق نوشته شده است، به نوعی ادبیات محسوب می شود که از هدف من به دور است.

شما این گرایش را مانع از معرفی برخی آثار تاریخی یا مربوط به سایر زمینه ها که واجد جنبه ادبی بوده اند، ندانسته اید. این آثار کدامند؟

به عنوان مثال کتاب آلابنیه عن حقایق الادویه کتابی است راجع به گیاهان دارویی اما من نمی توانستم آن را در این فرهنگ معرفی نکنم. به این دلیل که یکی از قدیم ترین متون باقیمانده از تاریخ زبان فارسی است که نمونه نثر آن دوران را به ما نشان می دهد و در متون فارسی بارها از آن یاد شده است و یا به همین قیاس از معرفی تاریخ سیستان گریزی نبود. مثال مشهورتر تاریخ بیهقی است که بی شک جایگاهی والا در ادبیات ما دارد. همچنین در نگاه اول ممکن است که مراجعه کننده فکر کند در کتابی مانند فرهنگ ادبیات فارسی چرا مدخلی به پیغمبر اسلام (ص) و یا امام علی (ع) اختصاص داده شده است؟ اما وقتی مدخل مورد نظر را می خواند متوجه می شود که من به جنبه تاریخی این شخصیت ها و رسالت دینی آنها نپرداخته ام، بلکه تاثیر و نقشی را که در ادبیات فارسی داشته اند مورد توجه قرار داده ام نقشی که در قصه های دینی، افسانه ها، اساطیر مذهبی داشته اند. و همچنین می توان از معرفی چند شاعر عرب یاد کرد که قاعدتاً نباید جایی در فرهنگ ادبیات فارسی داشته باشند اما وقتی در شعر فارسی بارها به نام کسانی چون فردوسی و خسان برمی خوریم ناچار باید اینها را به مثابه نوعی اشاره ادبی به شمار آورد و معرفی کرد.

شما در فرهنگ ادبیات فارسی به ادبیات معاصر هم پرداخته اید. ملاک انتخاب آثار و چهره ها در این فرهنگ چه بود؟

نکته بسیار مهمی است. در انتخاب نویسندگان و شاعران معاصر نه به صورت سلیقه ای یا ابتکاری بلکه با مراجعه به فرهنگ های مشابه خارجی به این نتیجه رسیدیم که در نظر گرفتن یک معیار سنی می تواند برخی از مشکلات انتخاب را حل کند. بنابراین این شرط سنی تولد پیش از ۱۳۴۰ را معیار اصلی قرار دادیم. با این استدلال که جایگاه نویسنده یا شاعری که هم اکنون لااقل ۴۷ سال دارد تثبیت شده است و می توان با در نظر گرفتن سایر معیارها اعم از شهرت و محبوبیت و شمار آثار و نظر منتقدین تصمیم گرفت که باید در این فرهنگ باشد یا نه.

در انتخاب نویسندگان و شاعران معاصر با مراجعه به فرهنگ های مشابه خارجی به این نتیجه رسیدیم که در نظر گرفتن یک معیار سنی می تواند برخی از مشکلات انتخاب را حل کند

آقای شریفی با توجه به این که در حوزه ادبیات و فرهنگ، فرهنگنامه های گوناگون و متعددی منتشر شده است، چه ضرورتی شما را به تالیف فرهنگ ادبیات فارسی واداشت؟

اتفاقاً آنچه در این فرهنگ گرد آمده است با این ترکیب سابقه ندارد و تقریباً منحصر به فرد است یعنی برخلاف آنچه به نظر می آید در این زمینه کاری به این صورت منتشر نشده است و هر کدام از فرهنگنامه هایی که تاکنون تالیف شده غالباً یک یا دو شاخه از ادبیات را دنبال کرده اند، مثلا به ادبیات کلاسیک ایران پرداخته اند و یا اختصاصاً به شاعران و نویسندگان یا اصطلاحات یا آثار ادبی نظر داشته اند اما هیچ یک به کل گستره ادبیات فارسی نظر نداشته اند. مهم ترین ویژگی این فرهنگ این است که به ادبیات کلاسیک و معاصر فارسی به صورت یکجا پرداخته است و نیز برای اولین بار ادبیات عامیانه را جزئی از ادبیات جدی به حساب آورده است. مثلا همانطور که داستان حسنگ وزیر از تاریخ بیهقی نقل شده به داستان حسن کچل نیز پرداخته شده است.

حجم مقالات این فرهنگ براساس چه معیاری تعیین شده است؟

در این فرهنگنامه بنای کار بر ایجاز و ضرورت بوده است و در عین حال سعی فراوانی شده تا مراجعه کننده به این فرهنگ دست خالی برنگردد. این فرهنگنامه به نیازهای اولیه مخاطبان و دانشجویان و اهل قلم پاسخ می دهد. در واقع یک مراجعه کننده متوسط، اطلاعات مورد نیازش را دریافت می کند اما اگر کسی اطلاعات عمیق تری بخواهد باید به منابع تخصصی تر در آن زمینه رجوع کند. مثلا در این کتاب حدود یک ستون از بایزید بسطامی صحبت شده و یا یک صفحه و اندی به رمان بوف کور اختصاص یافته است اما می دانیم که در هر دو مورد مقالات فراوان و حتی کتابهایی نگاشته شده است که به کار اهل تحقیق می آید. موادی که من برای این فرهنگ فراهم کردم چیزی حدود ۳۰۰۰ صفحه بود اما سرانجام با تمهیداتی که مقدور بود به حدود ۱۷۰۰ صفحه رسید چون مصرا نه می خواستم که کتاب در یک جلد منتشر شود.

شما نوشته اید که در این فرهنگ، بنیاد کار شما بر ادبیات خلاقه به ویژه ادبیات داستانی بوده است. منظورتان از طرح این موضوع چه بود؟ آیا قصد قضاوت آثار را دارید؟

به عنوان یک فرهنگ نویس قصد قضاوت آثار هیچ کس را نداشتم. مقصودم این بود که شما وقتی کتاب تاریخ ادبیات ایران دکتر ذبیح الله صفا را ورق می زنید می بینید که در آن کتاب های پزشکی، کتاب های تاریخی یا کتابی در مورد آب های زیرزمینی هم معرفی شده و مولف، آنها را به عنوان بخشی از ادبیات فارسی شناخته است. در تمام دنیا هم این مرسوم است که فرهنگ مکتوب را جزئی از ادبیات به حساب می آورند. اما منظور من این بوده که بیشتر هم خود را بر معرفی گونه های خلاقه ادبیات فارسی بگذارم یعنی داستان، شعر، نمایشنامه و آثاری که برآمده از خلاقیت نویسنده است در غیر این صورت می توانیم به عنوان مثال



با کورس ضیایی، درباره کتاب «انرژی»

انرژی های خواندنی



در درجه دوم نوجوانان قرار بگیرند. با این حال با نظر شما موافقم. **شما به عنوان یک متخصص ایرانی علم انرژی که سالها در مورد آن تحقیق و در این حوزه فعالیت کرده اید آیا کتاب و مطالب عنوان شده در آن رابه عنوان یک کتاب مرجع که بیشتر در کتابخانه ها مورد استفاده قرار می گیرد، مناسب می دانید؟**

به هر حال این مجموعه به وسیله بهترین ها جمع آوری شده و کار اصولی و عمیقی است. عکس های مناسب با محتوا، تاریخچه و آینده هر علم و نمودار های آن کاملاً حرفه ای و مناسب است. ترتیب مطالب در هر کتاب بر ساختاری منطقی و گام به گام تدوین شده و هر فصل در حکم واحد مستقلی است که به معرفی یک موضوع خاص می پردازد و عناوین فرعی و بیوگرافی دانشمندان در نوارهای رنگی جداگانه تدوین شده اند. اما این یک کتاب، مرجع و تا حدی خلاصه است و گرنه برای هر کدام از بخش های مطرح شده در کتاب می توان یک کتاب جداگانه مفصل نوشت که به نظرم بهتر بود در مورد انرژی های مادر مثل انرژی خورشیدی و نفت و گاز و انرژی های فرزند مثل الکتروسیته و... صحبت می شد، یا در مورد انرژی های تجدیدپذیر، تجدیدناپذیر و... صحبت می شد که این توضیحات در کتاب نیست و ما هم در این مورد چیزی به آن اضافه نکردیم.

کدام بخش از کتاب بیشتر توجه شما را جلب کرد؟ یک جمله تکان دهنده در کتاب بود که بعد از خواندنش به خودم گفتم چرا تمام این سالها چنین فکری به ذهن من نرسیده بود؛ یکی از بهترین روش های تولید انرژی، مصرف نکردن انرژی است و این به معنی صرفه جویی است؛ نکته ای که در کشور ما به آن توجه نمی شود.

صرف ترجمه قبلی شده بود صرف ترجمه ویرایش جدید هم شد. شاید برای مخاطبان جالب باشد که بدانند دانشمندان مجموعه *popular science* مطالب جدید این مجموعه را در مجله ها چاپ می کنند و آن را به صورت روزانه و مداوم به مردم ارائه می دهند. به نظر من صفحات علم که به صورت مداوم در مجلات در دسترس مردم باشند کاربردی ترند اما متأسفانه روزآمدترین نسخه ای که از این مجموعه به دست ما رسید، همان ویرایش سال ۲۰۰۴ بود.

با توجه به این که زمینه بررسی وضعیت انرژی و آوردن شاهد مثال از شرایط داخلی در این کتاب مناسب نبود، به نظر شما ملامت تر شدن مطالب آن به مخاطب کمک نمی کرد؟

ناشر وظیفه ترجمه را به ما سپرده بود. آنچه شما عنوان می کنید در واقع ترجمه و تالیف است که تحقیقات اساسی و طولانی ای می طلبد.

البته این طور هم نبوده که من هیچ تحقیقی انجام نداده باشم، مثلاً در بخش زغال سنگ در یکی از صفحات به چند عنوان ناآشنا از نام های مختلف زغال سنگ برخورد کردم و بعد از پرس و جواز دوستان متخصص متوجه شدم معادل فارسی برای این کلمات وجود ندارد و کسی هم این عناوین را نمی شناسد بنابراین عین همان کلمه انگلیسی را به کار گرفتم. **با توجه به این که در شناسنامه کتاب، رده سنی مخاطبان و نوجوانان در نظر گرفته شده، انتظار می رفت از زبان روان تری که جذابیت بیشتری برای این گروه سنی داشته باشد استفاده می شد. در جایگاه یک مترجم فکر نمی کنید بهتر بود زبان مناسب تری برای مجموعه به کار می رفت تا ارتباط راحت تری با مخاطب خود برقرار می کند؟**

راستش من تابه حال برای این گروه سنی نوشته بودم. انتقاد شما وارد است. من اصلاً به چنین موضوعی فکر نکردم. هر چند فکر می کنم در مورد بحث علمی ای مثل انرژی، بهتر است مخاطب من بزرگسالان باشند که مفاهیم اساسی را درک و به نسل بعد منتقل کنند و

تحقیقاتم، ترجمه هایی که در حوزه تخصصی انرژی، جستجو و گریخته در مطبوعات و... انجام داده بودم، ایشان ترجمه بخش انرژی از این مجموعه را به من سپردند.

شما به عنوان مترجم یکی از کتاب های مجموعه "دانش روز برای همه"، هدف از ترجمه و انتشار چنین کتابی را چه می دانید؟

این مجموعه را ناشر با این هدف تهیه کرده که همه افراد حتی با معلوماتی در حد تحصیلات دبیرستانی بفهمند و بتوانند با مفاهیم، کارکردها و پیشرفت های هر زمینه آشنا شوند.

آیا شما با اصل این مجموعه آشنایی و اطلاعات خاصی در مورد آنها دارید؟

بله، سال های تحصیل برای دانش آموزان با کشف های زیادی همراه است. درست است که کتاب های درسی به آموزش و رفع سوال های می پردازند اما گاهی عملکرد کتاب ها و مطالب آنها ملال انگیز شده است.

اینجاست که مجموعه کتاب های "دانش روز برای همه" وارد عرصه می شود. این کتاب ها را جمعی از مولفان علمی برجسته آمریکای شمالی نوشته اند و مطالب آنها، خواننده را سرگرم می کند. به نظر من این مجموعه به زبان روشن و با پریش از اصطلاح های تخصصی نگاشته شده و در عین حال مرجع سریعی برای افراد علاقه مند و کنجکاو به شمار می آید.

با توجه به این که منابع علمی ما چندین سال از استانداردها عقب هستند، آیا در روند ترجمه این کتاب ها، به روز بودن مطالب رعایت شده است؟

سوال خوبی است. وقتی کتاب به دست من رسید، ویرایش سال ۲۰۰۰ بود اما وقتی کار ترجمه که بیش از دو ماه طول کشیده بود تمام شد و به مراحل بعدی رسید، قبل از چاپ آن، ویرایش ۲۰۰۴ هم منتشر و مدیر انتشارات بعد از تهیه نسخه سال ۲۰۰۴ آن را در اختیار من و باقی مترجمان قرار داد.

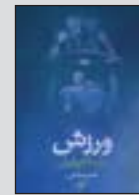
اول، کار تطبیق آسان به نظر می رسید، اما بعد متوجه شدم کار چندان آسانی نیست و همان میزان وقتی که

علم دانایی است و دانایی توانایی. این سخنی است از یک فیلسوف انگلیسی، اما تعریف حقیقی از علم بی شک عمیق تر از اینهاست. دانش، زمانی علم نامیده می شود که شخص ارتباط ها و مفهوم هایی از آن را در عالم واقع پیدا کند. علم، هنر و فلسفه را سه دستاورد بزرگ ذهن آدمی نامیده اند. چه چیزی علم را از دیگر زمینه های عمده بررسی متمایز می کند؟ در یک کلام واقع بینانه بودن. "کتاب انرژی پنجمین کتاب از سری کتاب های دانش روز برای همه است که ترجمه بخش Energy از کتاب *popular science* The new book of است و از سوی انتشارات علمی فرهنگی در زمستان ۸۴ منتشر شده و یک کتاب از این مجموعه نیز در سال ۸۷ به چاپ دوم رسیده است. این مجموعه (*popular science*) در شش مجلد انتشار یافته است اما ترجمه فارسی آن در ۱۴ مجلد جداگانه منتشر شده است تا خوانندگان بتوانند کتاب های مربوط به موضوع مورد علاقه خود را به صورت جداگانه خریداری کنند. نکته جالب در مورد مجموعه کتاب های "دانش روز برای همه" آن است که از سال ۱۹۸۷ تاکنون در آمریکا تجدید چاپ شده است. با توجه به اهمیت ترویج علم بین عموم و به خصوص جوانان و نوجوانان، شرکت انتشارات علمی فرهنگی بر آن شده است تا ترجمه کاملی از آخرین ویرایش این اثر را با بهترین کیفیت و در کوتاه ترین زمان ممکن به خوانندگان عرضه کند. بر همین اساس، ترجمه بخش های مختلف این کتاب به مترجمانی که در موضوع مربوط به خود تخصص داشته اند، سپرده شده است. کتاب "انرژی" را کورس ضیایی ترجمه کرده که در رشته مکانیک تحصیل کرده و بیش از سی سال است که در عرصه نفت، گاز، انرژی و استخراج فعالیت مستمر دارد.

آقای ضیایی چه شد که ترجمه کتاب به شما سپرده شد؟

از آنجا که من پیش از این به واسطه مطالعات و

دوازده توشه پهلو انان



شهاب وفایی: هنگامی که صحبت از بررسی مقوله ورزش به میان می آید، زوایای گوناگون متعددی برای نقد و بررسی نمایان می شود؛ نظیر مباحث فنی، رفتارشناختی، ساختاری، تاریخی، فرهنگی، اخلاقی و...

تعدد رشته های ورزشی باعث شده که متخصصان، اغلب به نگارش تخصصی در هر یک از رشته ها بپردازند و در این میان هر رشته را نیز به زیرشاخه هایی تخصصی تر تقسیم کنند و نقدی کارشناسانه بر آن بنویسند.

در این میان هنگامی که قرار می شود مقوله ورزش، فارغ از رشته های تخصصی در قالب های تاریخی بررسی شود، انتظار می رود آنچه که در قالب یک کتاب عرضه می شود، ماحصل تحقیقاتی گسترده باشد. از این رو حجیم بودن نتایج چنین آثاری، امری طبیعی به نظر می رسد.

کتاب "ورزش در اسلام و ایران" به قلم غلامرضا امامی، مقوله ورزش و تربیت بدنی را در گستره دین مبین اسلام و سرزمین پهناور ایران با تاریخی عظیم به عنوان موضوع نگارش خود قرار داده است.

امامی که در حوزه اخلاق و دین، نویسنده ای صاحب قلم به حساب می آید و در زمینه تربیت بدنی نیز آثاری دارد، در این اثر سعی دارد تالیفی موجز از بررسی ورزش در اسلام و ایران ارائه دهد.

او در نیم صفحه به عنوان مقدمه می نویسد: خداوند او "طلوت" را برای شما برگزیده و بر دانش و تن او افزوده است (بقره، ۲۴۷) و نیز

ماشینی امروز می رود. "فتیان" یا جوانمردان، صفتی برگرفته از کلمه "فتی" است.

در این مبحث حتی کارکردهای "فتیان" در دوره های حساس تاریخی به رشته تحریر در آمده و صحبت از جان پناه بودن آنها برای مردم خسته و رنجیده از ظلم مهاجمان بی فرهنگ مغول به میان می آید.

آداب زورخانه، وسایل ورزشی در زورخانه، سنگ گیری، تخته شنا (شنا رفتن)، میل گیری و گورگه، چرخ و گل چرخ، رسوم زورخانه و پیشینه تاریخی زورخانه، دیگر مباحث این بخش هستند.

"چوگان" ورزش سه هزار ساله ایرانی، دیگر مبحث این کتاب است و پس از آن نیز کشتی ایرانی مورد مذاکره قرار می گیرد.

مبحث "عباری" بار دیگر فضایی از نقد تاریخی را به شیوه ای پسندیده به کتاب حاکم می کند، به ویژه آنجا که نویسنده از قول ملک الشعراء بهار می نویسد: "عرب، اشخاص کاری و جلد و هوشیار را که در هنگامه ها و غوغاها خودنمایی کرده یا در جنگ ها فرستاد به خرج داده اند، عیار نامیده است."

مؤلف پس از بیان دو مبحث کوتاه فرهنگی، رشته های مختلف نظیر وزنه برداری، کشتی، تیراندازی، شمشیربازی، شنا، پیاده روی و دویدن، کوه نوردی و اسب سواری را به اختصار معرفی می کند.

ورزش در کودکان - که کاش "ورزش کودکان" یا "ورزش در کودکی" نام می گرفت - و بازی و سرگرمی، بخش های پایانی این کتاب هستند.

چاپ اول کتاب "ورزش در اسلام و ایران" اثر غلامرضا امامی در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و با قیمت ۷۰۰ تومان از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شده است.

آنچه در توان دارید، از نیرو و اسباب آماده، در برابر آنان فراهم سازی (سوره انفال، آیه ۶۰) اگر پرسیدند که پهلو ان را که توان گفت، بگویی آن کس که دوازده صفت داشته باشد: اول ترس خدا، دویم متابعت شرع، سیم تن قوی، چهارم زبان خوش، پنجم دل دلیر، ششم خرد کامل، هفتم صبری تمام، هشتم علمی به کمال، نهم جهد دائم، دهم خلقی پسندیده، یازدهم مستوری از حرام، دوازدهم نعمتی بر دوام (فتوت نامه سلطانی)

غلامرضا امامی که در نوشته های قبلی او، حوصله و صبر در نگارش نمایان بود، در فصل "ورزش در ایران" ایجاز را به گونه ای زیبا با بیان معنا همراه می کند و پس از مقدمه ای کوتاه درباره "ورزش در ایران" در مجال کوتاه ۴۴ صفحه ای، اشاراتی مناسب به رشته های ورزشی در تاریخ ایران باستان می کند. به طور مثال مؤلف در مبحث "ورزش در زورخانه" به شکلی مناسب به فضا سازی محیط زورخانه می پردازد و می نویسد: "زورخانه محل زورآزمایی و جای تمرین زورمندان بود و بنایی متمایز از سایر ابنیه داشت؛ به گونه ای که دارای سقفی بلند و گنبدی شکل و محلی به نام گود بود که به تمرین و کشتی گیری اختصاص داشت. ورزش ها و تمرینات زورخانه ای را شخصی به نام مرشد با ضرب سرود خود همراهی می کرد. زورخانه در دوره های مختلف به نام های گوناگونی چون خانه، لنگرگاه، عبادت خانه و ورزش خانه نامیده شده است."

نگارنده پس از بیان جایگاه زورخانه در شهر، به موضوع مهمی با عنوان "ورزش پهلو انی و زورخانه ها، فتیان" می پردازد. در حقیقت غلامرضا امامی به سراغ راز ماندگاری زورخانه ها حتی در روزگار



گذری بر «تحلیل شخصیت در سازمان» اثر دکتر محسن فاطمی

اسرار ذره بین مدیران

شخصیت از دیدگاه روان‌شناسان مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و حالت‌های رفتاری و کرداری است که شخص در موارد مختلف از خود نشان می‌دهد. واژه شخصیت برگرفته از واژه لاتین پرسونا یعنی نقاب یا ماسکی است که بازیگران یونان و روم باستان برای تجسم نقش و ویژگی‌های رفتاری افراد به چهره می‌زدند، اما مفهوم شخصیت از دیدگاه روان‌شناسان یک الگوی فکری، احساسی، عاطفی و رفتاری است که یک شخص را از اشخاص دیگر متمایز می‌کند. کتاب تحلیل شخصیت در سازمان نوشته دکتر محسن فاطمی که به تازگی از سوی انتشارات سارگل به چاپ رسیده، با ارائه چهار رویکرد عمده به مفهوم شخصیت یعنی: نظریه صفات، نظریه روان‌پوشی، نظریه انسان‌گرا و نظریه ائتلافی (اتحادی یا ادغامی) بر آن است تا اهمیت شناخت شخصیت و تفاوت‌های فردی را در ایجاد ارتباط موثر و پویا در یک سازمان مورد بررسی قرار دهد.

نویسنده، بحث خود را با اشاره به تفاوت‌های فردی آغاز کرده و بر این نکته تأکید می‌کند که یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های مدیران در سازمان‌ها، کارکردن با افرادی است که تنوع گسترده‌ای از خصایص شخصی خود بروز می‌دهند بنابراین هر چقدر که مدیران آگاهی بیشتری از تفاوت‌های فردی داشته باشند بهتر می‌توانند با دیگران کار کنند. نویسنده در ادامه با اشاره به نظریه لوین درباره اساس تفاوت‌های فردی - که معتقد است رفتار تابع شخص و محیط است - فهم رفتار را منوط به داشتن اطلاعات دقیق از شخص، محیط و موقعیت عنوان می‌کند.

شخصیت چیست؟ چه چیزی باعث می‌شود یک فرد در موقعیت‌های متنوع و متفاوت به صورتی هماهنگ عمل کند؟ چه چیزی باعث می‌شود که یک شخص در وضعیت‌های متفاوت از یک وجه نسبتاً ثابت رفتاری برخوردار باشد؟ نویسنده با طرح سوالات مذکور، شخصیت را مجموعه‌ای از خصایص نسبتاً ثابت که رفتار فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد تعریف می‌کند و در ادامه با ذکر چهار رویکرد عمده به مفهوم شخصیت، هر یک را جداگانه مورد بررسی قرار

می‌دهد. تئوری صفات عنوان نخستین رویکردی است که نویسنده آن را مورد تحلیل قرار داده و از گوردون آلپورت و ریچارد کاتل به عنوان دو نظریه پرداز شاخص در این عرصه نام می‌برد. آلپورت خصایص را مجموعه‌ای از کلیدهای عمومی و کلی می‌داند که ثبات لازم برای رفتار را فراهم می‌کند. کاتل نیز شانزده خصیصه را شناسایی کرده که اساس تفاوت‌های موجود در رفتار را تبیین می‌کنند. او این صفات را به صورت ترکیبات صفات دوقطبی مانند «مطمئن به خود/بی‌مناک»، «خوددار/اجتماعی»، «سلطه‌پذیر/سلطه‌گر» ارائه داده است.

برون گرای، خوش‌مشربی، وظیفه‌شناسی، روان‌رنجورخویی (یا عدم ثبات هیجانی) و برخورد مناسب با تجربیات جدید، ویژگی‌هایی است که نویسنده آنها را صفات عام، کلی و گسترده‌ای عنوان می‌کند که می‌توانند مرتبط با رفتارهای کاری باشند. ارزیابی تئوری‌های مربوط به خصایص، بخش پایانی مبحث تئوری صفات است که نکاتی را به اختصار درباره نقدهای وارد شده بر این رویکرد یادآور می‌شود، از جمله این که این تئوری‌ها به توصیف شخصیت می‌پردازند اما در مورد عوامل به وجود آورنده این خصایص و این که چرا از لحاظ فرهنگی متفاوت هستند چیزی نمی‌گویند. از سوی دیگر، برخی منتقدان، تئوری خصیصه را فاقد تمرکز بر زمینه مشخص می‌بینند و توجه نداشتن به تأثیرات موقعیتی و محیطی بر روی شخصیت را از جمله ضعف‌های این تئوری می‌دانند. تئوری روان‌پوشی دومین رویکرد به مفهوم شخصیت در این کتاب است که نویسنده در آغاز این مبحث با یادآوری این که دیدگاه روان‌پوشی، عوامل ناخودآگاه و تأثیر آنها بر روی شخصیت را مورد تأکید قرار می‌دهد، اصول و مهم‌ترین محورهای نظریه نهاد، من (خود)، فرمان (فراخود)، و مکانیسم‌های دفاعی نظیر انکار واقعیت، جابجایی، سرکوب (واپس زدگی) و... را به اختصار بیان می‌کند. تجدید نظر در اندیشه‌های فروید دومین مبحث

مربوط به رویکرد روان‌پوشی به مفهوم شخصیت در این کتاب است که مروری مختصر بر آرای جدی‌ترین منتقدان فروید از جمله آلفرد آدلر، کارل گوستاو یونگ و کارن هورنای دارد.

نویسنده در بخش پایانی بحث نظریه روان‌پوشی در ارزیابی این تئوری به برخی از عمده‌ترین انتقادات وارد شده به نظریه فروید اشاره می‌کند که به طور خلاصه عبارت‌اند از این که آزمون کمی این نظریه بسیار دشوار است چون مفاهیمی از قبیل نهاد، ناخودآگاه، تضادهای ناخودآگاه و... را نمی‌توان در معرض آزمون تجربی قرار داد، این تئوری‌ها - به ویژه دیدگاه فروید - بیش از اندازه به نیروهای بیولوژیکی و ناخودآگاهی می‌پردازند، دیدگاه‌های روان‌پوشی از شواهد و دلایل کافی برخوردار نیستند، بسیاری از روان‌شناسان (از جمله کارن هورنای) دیدگاه‌های فروید را غلط می‌شمارند و فقدان مطالعات بین فرهنگی را از دیگر مشکلات دیدگاه فروید می‌دانند.



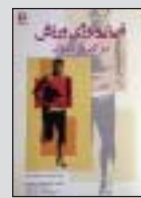
رویکرد انسان‌گرا به مفهوم شخصیت، سومین رویکردی است که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. اساس این نظریه بر تجارب درونی فرد (شامل احساسات، اندیشه‌ها و افکار درونی و احساس خودشخص از ارزشمند بودن) استوار است.

برخلاف دیدگاه بدبینانه فروید نسبت به ماهیت انسان، روان‌شناسان انسان‌گرا ماهیت انسان را مثبت تلقی می‌کنند و بر این باورند که انسان از سابقه روشنی در جهت رسیدن به کمال برخوردار است. در این کتاب از کارل راجرز و آبراهام مازلو به عنوان نظریه پردازانی که تأثیر بسزایی در ایجاد مکتب روان‌شناسی انسان‌گرا داشته‌اند نام برده شده و مفهوم خود (توجه مثبت غیر مشروط) به عنوان هسته اصلی نظریه راجرز و خودشکوفایی به عنوان زیربنای فکری مازلو به اختصار بیان شده است. نویسنده همچنین در ارزیابی نظریات انسان‌گرایانه سه نقد اساسی به این دیدگاه را مطرح کرده است: مفروضات خام؛ بسیاری از منتقدان چنین استدلال می‌کنند که انسان‌گرایان

نسبت به ماهیت انسان بر خوردی غیر واقعی، احساساتی و حتی خام دارند و در تبیین این نقد این سوال را مطرح می‌کنند که آیا می‌توان ماهیت همه انسان‌ها را خوب دانست یا خیر؟ نویسنده در ادامه یادآور می‌شود این نقد از استحکام بالایی برخوردار نیست چرا که در دستگاه معرفت‌شناسی انسان‌گرا، انسان ذاتاً بد نیست. نویسنده در ادامه این ارزیابی تأکید می‌کند: گرچه این نقد می‌تواند نهایتاً وجود و ضرورت ریشه‌های عمیق هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی در هر دیدگاه روان‌شناسی را بیان کند اما با این حال باید به یاد داشت که یکی انگاشتن تحقیق تجربی و پوزیتیویستی محض با پژوهش‌های علوم تجربی و انسانی خطایی بس بزرگ است. این فرضیه که هر چیز باید در بستر دانش تجربی روان‌شناختی معنای خود را پیدا کند، خود عاملی محدودکننده است چرا که فرصت پژوهش در حوزه‌های دیگر معرفت‌شناختی که می‌تواند منجر به پیدایش رهیافت‌های دیگر شود را از ما می‌گیرد.

نویسنده در پایان کتاب پیش از پرداختن به تئوری ائتلافی یا ادغامی نگاهی گذرا به نظریات اجتماعی - شناختی انداخته و رهیافت‌های آلبرت بندورا و جولین راتر را - به عنوان دو تن از برجسته‌ترین نظریه پردازان اجتماعی شناختی - در مورد یادگیری اجتماعی همراه با فرآیندهای شناختی به اختصار بیان کرده است. دیدگاه اجتماعی - شناختی بر این عقیده است که هر یک از ما شخصیتی منحصر به فرد داریم؛ چرا که پشت سر هر یک از ما تاریخ خاصی که نتیجه تعامل با محیط پیرامون ماست وجود دارد و از سوی دیگر جهان و آنچه برای ما رخ می‌دهد را تفسیر می‌کنیم. اما بخش پایانی کتاب که به رویکرد ائتلافی یا ادغامی اختصاص یافته، بر آن است که هیچ یک از تئوری‌های شخصیت به تنهایی نمی‌توانند هم تمامی ابعاد شخصیت را شناسایی کنند و تمامی اطلاعات لازم برای دانستن جنبه‌های مختلف آن را به دست دهند. نویسنده، صفحات پایانی این کتاب را به توضیح درباره طبقه‌بندی انواع آزمون‌های شخصیت نظیر مصاحبه، مشاهده، آزمون‌های عینی و آزمون‌های فراقهرن اختصاص داده است.

رازهای خط پایان



جمله معروفی در دنیای ورزش هست که می‌گوید: ورزش شامل ۹۹ درصد آمادگی و یک درصد اجراست. یکی از بزرگان نیز گفته است: موفقیت ۹۰ درصد مدیون تلاش است و ۱۰ درصد شانس می‌خواهد و این ۱۰ درصد به سراغ کسی می‌آید که آن ۹۰ درصد تلاش را انجام داده باشد.

با توجه به این جملات، اگر قرار باشد یک ورزشکار به موفقیت دست یابد، باید تلاش و افری برای آمادگی انجام دهد و صد البته مریبان نیز نقشی انکارناپذیر در آماده‌سازی ورزشکاران دارند.

بدون شک مریبان برای آماده ساختن ورزشکاران باید دوره‌های آماده‌سازی را به بهترین نحوی کند. بنابراین آشنایی آنان با فیزیولوژی ورزش و اصول بنیادین تمرین امری ضروری است.

کتاب فیزیولوژی ورزش برای مریبان اثر بریایان شارکی و استیون گسکیل نیز چنین موضوع مهمی می‌پردازد.

دکتر فرهاد رحمانی‌نیا، دانشیار دانشگاه گیلان که همراه با مریم بخشی و مریم ملایی، برگردان این اثر به فارسی را انجام داده است، در مقدمه می‌نویسد: «متأسفانه با وجود پیشرفت همه‌جانبه علوم ورزشی، کتاب‌های علم مفید در کشور ما از تعداد انگشتان دست‌ها تجاوز نمی‌کند و با این که اهمیت و کاربرد آن برای تمامی مریبان، ورزشکاران و دانشجویان رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی است، منابع مناسب و

جدیدی در دسترس علاقه‌مندان قرار ندارد.

دکتر رحمانی‌نیا در سال ۱۳۷۳ کتاب فیزیولوژی ورزشی، راهنمای مریبان اثر شارکی را ترجمه کرده بود که با توجه به استقبال فراوان دانشجویان، اثر جدیدی از پروفیسور شارکی که با همکاری دکتر گسکیل در سال ۲۰۰۶ به رشته تحریر درآمده بود را هم ترجمه کرد و نشر بامداد کتاب آن را در پاییز امسال به بازار نشر فرستاد. کتاب حاضر با تغییرات اساسی به ارائه مفاهیم و برنامه‌های کاربردی جدید پرداخته و مترجمان تلاش کرده‌اند که امانت در ترجمه و اصول درست نویسی فارسی رعایت شود.

بر اساس تعریف‌های ارائه شده در این کتاب، فیزیولوژی، مطالعه بدن و چگونگی کارکرد آن است و کار فیزیولوژیست، بررسی ساختمان و کار بافت‌ها، اعضا و دستگاه‌های بدن است.

فیزیولوژی ورزشی نیز می‌تواند سطوح متنوعی از سطوح سلولی و مولکولی تا تغییرات ساختاری و عملکردی را شامل شود. برخی از فیزیولوژیست‌های ورزشی نیز آثار فعالیت بدنی را بر دستگاه‌های بدن مانند سیستم‌های قلبی، عروقی، عضلانی و تنفسی بررسی می‌کنند. شارکی و گسکیل با ارائه چنین تعاریفی مخاطبان را با فیزیولوژی ورزشی آشنا می‌کند و با عنوان ورزشکار مربی و فیزیولوژی ورزش در بخش اول موضوعات گوناگونی چون اصول تمرین و واکنش فرد به تمرین را تشریح می‌کند.

بخش دوم این کتاب به تمرینات آمادگی عضلانی اختصاص دارد. زبان تخصصی ورزش در این بخش کاملاً نمایان می‌شود خصوصاً آنجا که ساختار عضلات و انقباض، اعصاب و واحدهای حرکتی،

نیروهای انقباض و انواع تارهای عضلانی، وراثت در برابر تمرین، استقامت عضلانی و توان استقامتی، تعادل، انعطاف‌پذیری و چابکی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ارزیابی آمادگی عضلانی، موضوعی بسیار با اهمیت در فیزیولوژی ورزشی به حساب می‌آید و نویسندگان این کتاب نیز در ۱۷ بخش به تشریح آن می‌پردازند و آزمون‌های گوناگونی را نیز ارائه می‌کنند. بهبود عضلانی و دستگاه‌های انرژی‌های هوازی و بی‌هوازی نیز دیگر بخش‌های این فصل را تشکیل می‌دهد.

پس از بررسی ساختار و عملکرد عضلانی، نوبت به آموزش تمرینات آمادگی انرژی می‌رسد و صد که برای ورود به چنین مبحثی، خواندن چند صفحه درباره ارزیابی آمادگی انرژی، از ضروریات است همان‌گونه که بهبود آمادگی انرژی نیز پس از این بخش تشریح می‌شود.

تدوین برنامه، تمرین نظام مند، عنوان آخرین فصل کتاب فیزیولوژی ورزش برای مریبان است که بخش‌هایی نظیر تدوین برنامه تمرینی، نمونه برنامه‌های تمرینی و اجرا و تندرستی را دربرمی‌گیرد.

یکی از ویژگی‌های این کتاب، ارائه هفت پیوست کاربردی در انتهای آن است. تمرینات انعطاف‌پذیری، تمرینات مقاومتی، تمرینات پلیومتریک، طراحی صحیح آزمون، استفاده از راهنمایی شدت تمرین برای طراحی برنامه تمرین، پاسخ پرسش‌های آموزشی و پاسخ فعالیت‌های آموزشی، عناوین این پیوست‌هاست.

چاپ اول کتاب فیزیولوژی ورزش برای مریبان را بامداد کتاب در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه در قطع وزیری و با قیمت ۶۰۰۰ تومان روانه بازار نشر کرده است.



محمد الله یاری فومنی *

اقتصاد نشر ترکیه

ترکیه میهمان افتخاری دوره اخیر نمایشگاه کتاب فرانکفورت بود. بیست و هفتمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب استانبول نیز روز ۲۰ آبان ماه سال جاری به پایان رسید. به این بهانه نگاهی کوتاه خواهیم داشت به نمایشگاه کتاب استانبول و سپس در بحثی مهم تر آماری از اقتصاد نشر ترکیه ارائه می‌شود.

مورری بر نمایشگاه

نمایشگاه کتاب استانبول برای اولین بار در سال ۱۹۸۲ با مشارکت ۲۸ ناشر ترکیه‌ای برگزار شد. در آخرین دوره این نمایشگاه هشت روزه که به تازگی پایان یافت ۵۵۰ ناشر و موسسه غیر دولتی در فضایی به مساحت ۲۱ هزار متر مربع به ارائه آخرین منشورات خود پرداختند. موضوع اصلی این دوره از نمایشگاه عبارت بود از «۱۹۶۸-۴۰ سال قبل، ۴۰ سال بعد» در این دوره ۲۸۰ نشست تخصصی شامل مصاحبه، شعرخوانی و فعالیت‌های کودکان برگزار شد و ۷۵۰ نویسنده کتاب‌های خود را امضا کرده و به خوانندگان خود دادند. در مجموع این نمایشگاه ۳۲۳ هزار بازدیدکننده داشت. ۶۸۵ درصد بازدیدکنندگان این نمایشگاه را افراد زیر ۳۰ سال تشکیل دادند که ۵۷۳ درصد آنها زن و ۴۸۷ درصد آنها را مردان تشکیل می‌دادند.

مجری نمایشگاه کتاب استانبول

شرکت سهامی نمایشگاهی تجاری توپاپ (TUYAP) مجری برگزاری نمایشگاه‌های کشور ترکیه است. این شرکت در سال ۱۹۷۹ با ۲۴ عضو بنیان‌گذاری شد و تاکنون با برگزاری ۲۲۵ نمایشگاه داخلی و ۱۰۰ نمایشگاه بین‌المللی در ۳۰ کشور پذیرای ۱۴۲ هزار شرکت مختلف بوده است. این شرکت در ترکیه فضای نمایشگاهی به مساحت ۶۰ هزار متر مربع را در اختیار دارد که شامل ۱۰ سالن نمایشگاهی و ۱۰ سالن کنفرانس ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر است. این شرکت به کمک اتحادیه ناشران ترکیه برگزار کننده نمایشگاه

کتاب استانبول به شمار می‌روند. کشور ترکیه ۱۷۲۴ شرکت نشر دارد که این تعداد به صورت حرفه‌ای کار نشر انجام می‌دهند اما آمار کتابفروشان متفاوت است. تقریباً ۶۰۰۰ کتابفروش در ترکیه مشغول فعالیت هستند. موزعان نیز به صورت حرفه‌ای و جدا از ناشران و کتابفروشان فعالیت می‌کنند. در این کشور ۵۷۰ شرکت به صورت تخصصی به توزیع کتاب مشغول هستند.

عناوین چاپ شده در یک سال و میانگین قیمت کتاب

طی سال ۲۰۰۸، بیست هزار عنوان کتاب در ترکیه به چاپ رسیده است که ۵۷۰۰ عنوان آنها چاپ اول هستند. میانگین قیمت یک جلد کتاب با جلد سخت در ترکیه ۱۷/۲۰ یورو و میانگین قیمت یک جلد کتاب با جلد نرم ۷/۶۰ یورو است. ناشران کتاب را با ۴۵ تا ۵۵ درصد تخفیف در اختیار عمده‌فروشان و با ۳۰ الی ۴۵ درصد تخفیف در اختیار کتابفروشی‌ها قرار می‌دهند.

عناوین ترجمه به تفکیک سال و زبان

در سال ۲۰۰۴ بالغ بر ۲۶۸۶ عنوان کتاب در ترکیه ترجمه شده است. این رقم در سال ۲۰۰۵ به ۳۰۰۰ عنوان افزایش پیدا کرده است و نرخ ترجمه در ترکیه در حال افزایش است که اغلب این عناوین از زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسه و اسپانیولی به ترکی ترجمه شده است.

درصد توزیعی کتابهای تالیفی بر اساس موضوع و زبان

کتاب چاپ ترکیه به ترتیب در عناوین ذیل هستند؛ کتب درسی ۲۳/۵ درصد، کمک آموزشی ۲۳/۵ درصد، ادبیات ۳۷ درصد (۴۰ درصد آن را ترجمه تشکیل می‌دهد)، کتب دانشگاهی ۹ درصد (۲۰ درصد آن ترجمه هستند) و ۷ درصد نیز به کتب وارداتی



کپی رایت پیوسته است و مقررات حق مولف داخلی ترکیه نیز وضع شده و در حال اجراست. گرچه هیچ آمار رسمی‌ای در خصوص خرید و فروش امتیاز حق نشر در ترکیه موجود نیست ولی آمار غیر رسمی حاکی از آن است که در سال ۲۰۰۷ تقریباً ۴۱۶۹ قرارداد در خصوص عناوین تالیفی و ۱۵۳۶ قرارداد در ترجمه منعقد شده است. در سال ۲۰۰۶ ناشران آلمانی امتیاز چاپ ۱۵۰ عنوان کتاب را به ناشران ترک فروختند که ۷۷ درصد از کل قراردادهای نشر کشور آلمان را شامل می‌شود. از این ۱۵۰ عنوان، ۳۰ عنوان ادبیات، ۲۵ عنوان کودک، ۱۸ عنوان کتاب نوجوان، ۱۸ عنوان پزشکی و ۱۳ عنوان تخیلی بوده است. ۱۰ عنوان کتاب نیز به ناشران آلمانی ترکی فروخته شده که کتاب‌ها را به زبان ترکی در آلمان منتشر می‌کنند.

نمایشگاه‌های کتاب

نمایشگاه‌های کتابی که به صورت سالانه در ترکیه برگزار می‌شود عبارتند از نمایشگاه‌های کتاب آنتالیا، آنکارا، بورسا، از میر و استانبول که نمایشگاه استانبول مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب ترکیه به حساب می‌آید. محل برگزاری آن در حومه شهر استانبول (Beylikduzu) است البته برگزاری نمایشگاه در حومه شهر با انتقاد ناشران و بازدیدکنندگان مواجه شده زیرا دسترسی به آنجا دشوار می‌دانند.

امید است ارائه این مطالب که بر اساس آمارهای ژوئن سال ۲۰۰۸ و اقتباس شده از اسناد معتبر است مورد استفاده علاقه‌مندان نشر بین‌الملل قرار گیرد. * مشاور معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نفع ناشران و فضای نشر بوده است. آماری که از سوی مسئولان نمایشگاه‌ها درباره فروش کتاب‌ها ارائه می‌شود، با وجود انجمن‌های تخصصی نشر بالا می‌رود. ضمن این که به وجود آمدن تشکلهای تخصصی نشر به ناشران هم کمک می‌کند و در حرکت‌های مختلف از همبستگی خود سود ببرند. تشکیل انجمن‌های تخصصی نشر همچنین سبب شده است که اداره نمایشگاه‌های کتاب در بخش‌های مربوطه، به شکل‌های نشر سپرده شود که کمکی هم به وزارت ارشاد محسوب می‌شود. در کل باید گفت که افزایش انجمن‌های نشر نشان‌دهنده استقبال ناشران است. ثمرات این به هم پیوستگی شاید از نظر اقتصادی چشمگیر نباشد اما از نظر فرهنگی ارزشمند است. سال‌هاست که از طرف انجمن، کتاب‌های زیادی به کتابخانه‌های مدارس اهدا کرده‌ایم که ارزش اقتصادی این کتاب‌ها از ۱۰۰ میلیون تومان هم تجاوز کرده است. اقدام گروهی این جرئت را به ما داده است که در کارهایی نظیر اهدای کتاب پیشقدم شویم. از همه اینها گذشته انجمن ما همه ساله قواعدی را برای میزان تخفیف، شرایط قیمت‌گذاری و نحوه فروش کتاب‌های آموزشی تصویب می‌کند که ۸۰ درصد ناشران آموزشی از آن تبعیت می‌کنند که خود این امر به ایجاد تعادل در بازار کمک می‌کند.

برگزاری هفته کتاب چه اثراتی روی تشکلهای نشر دارد؟

بدون شک برگزاری هرگونه همایشی در ارتباط با کتاب، بر رونق صنعت نشر اثرگذار است بنابراین می‌توان گفت که این رونق فقط مختص هفته کتاب نیست و در نمایشگاه‌های استانی و بین‌المللی نیز وجود دارد. هفته کتاب چند سالی است که در ایران رونق پیدا کرده و حداقل امتیاز آن، این است که تشکلهای کتاب‌ها را به کار جمعی تشویق می‌کند و در کار جمعی هم ثمرات مثبتی وجود دارد و هزینه‌های انجام شده به نتایج مثبتی منجر می‌شود. در کل باید بگویم که تشکلهای نشر از جمله انجمن فرهنگی ناشران آموزشی نیز از برنامه‌های هفته کتاب حمایت می‌کنند.

اصلی‌ترین هدف این انجمن، هویت‌بخشی به مجموعه کتاب‌های آموزشی و دستیابی به اهداف صنفی نظیر اخذ امتیازات و تسهیلات، ارائه کتاب به کتابخانه‌های عمومی مدارس و مساجد و برگزاری نمایشگاه‌هاست. این انجمن در حال حاضر ۷۰ عضو دارد که ۹۰ درصد تولیدات کتاب‌های آموزشی کشور را تحت پوشش خود دارند.

این انجمن برای هفته کتاب چه برنامه‌هایی را در نظر گرفته بود؟
انجمن فرهنگی ناشران کتاب‌های آموزشی در شورای مشورتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عضویت دارد و در جلسات آن شرکت می‌کند. در همین راستا پیش از برگزاری هفته کتاب، طی نامه‌ای آمادگی خود را برای فعالیت در این هفته اعلام کردیم. از جمله برنامه‌هایی که توسط این انجمن در هفته کتاب برگزار شد می‌توان به برپایی نمایشگاه‌های کتب آموزشی در تهران، ارائه تخفیف ویژه (۲۰ تا ۳۰ درصد) به مردم، معلمان و کتابخانه‌ها، تعویض کتاب‌های کهنه دانش‌آموزان با کتاب‌های نو برخی ناشران، فروش کتاب با تخفیف بالا به نهادهای گوناگون از جمله مراکز فرهنگی، هنری مساجد، اهدای کتاب به معلمان و افتتاح فروشگاه‌های برخی اعضای انجمن اشاره کرد. نکته جالب دیگر این که در حال حاضر سه تن از همکاران ما فروشگاه‌های خود را در هفته کتاب افتتاح کردند.

انجمن فرهنگی ناشران کتاب‌های آموزشی چگونه در اطلاع‌رسانی هفته کتاب مشارکت داشت؟

بیشتر تابلوهای تبلیغاتی ناشران آموزشی در سطح شهر تهران، متعلق به سه ناشر آموزشی است که این ناشران بیلبوردهای خود را در هفته کتاب به شعاری درباره کتابخوانی با آرم خود اختصاص دادند.

تخصصی شدن انجمن‌های ناشران چه ثمراتی برای نشر کشور دارد؟
شکی نیست که تخصصی شدن انجمن‌های نشر، اثرات مثبتی دارد. تجربه نشان داده است که وجود انجمن‌ها از نظر اقتصادی و فرهنگی به

بارئیس هیات مدیره انجمن فرهنگی ناشران کتاب‌های آموزشی

هدف؛ پیشبرد نشر حرفه‌ای

بهناز قاسم‌خانی: انجمن فرهنگی ناشران کتاب‌های آموزشی ۱۰ سال پیش با هدف از میان بردن نابسامانی‌های کتاب‌های آموزشی به همت چند تن از ناشران آموزشی فعال تشکیل شد. این انجمن هم‌اکنون ۷۰ عضو دارد و در راستای هویت‌بخشی به کتاب‌های آموزشی فعالیت می‌کند. یحیی دهقانی؛ رئیس هیات مدیره این انجمن و مدیر انتشارات مبتکران در گفت‌وگو با کتاب هفته به تشریح فعالیت‌های این انجمن پرداخته است.

انجمن فرهنگی ناشران کتاب‌های آموزشی با چه اهدافی تشکیل شده است؟

تاسیس انجمن فرهنگی ناشران کتاب‌های آموزشی به حدود ۱۰ سال پیش برمی‌گردد. در آن زمان کتاب‌های آموزشی زیر عنوان کمک‌درسی منتشر می‌شد و حالت بلا تکلیفی داشت. زمانی گفته می‌شد متولی این کتاب‌ها، آموزش و پرورش است و این وزارتخانه نیز ناشران را در صدور مجوز با مشکلاتی مواجه می‌کرد. از سوی دیگر این ناشران از نظر شرکت در مجامع عمومی و نمایشگاه‌ها با مشکلاتی مواجه بودند و شرایط به گونه‌ای بود که به خاطر ازدحام جوانان در غرفه‌های این ناشران، ناشران عمومی خواستار جدا شدن غرفه‌های این ناشران از سالن‌های بخش عمومی نمایشگاه‌های کتاب بودند. در چنین شرایطی چند ناشر آموزشی فعال آن زمان تصمیم به ایجاد تشکلی برای ساماندهی فعالیت‌های خود و هم‌صنفانشان گرفتند.



افشاگری های روبرتوساویانو او را به دادگاه کشاند

مافیا زیر دربین رمان



روبرتو ساویانو

با وجود تبلیغاتی که برای فروش آخرین کتاب گوردون براون نخست وزیر انگلستان با عنوان 'شجاعت جنگ' صورت گرفت، این کتاب با فروش بسیار کمی روبه رو شد، به طوری که برخی کتابفروشی ها خواستار بازگرداندن کتاب ها به ناشر شدند. در سه روز نخست توزیع این کتاب تنها ۱۹۳ نسخه از آن فروش رفته است در حالی که فروش کتاب مرتبط با اشخاص مشهور در انگلستان همواره بیش از این بوده است. کارشناسان محبوبیت نداشتن این نخست وزیر انگلستان را یکی از دلایل استقبال کم از کتاب وی ارزیابی کردند. روزنامه دیلی تلگراف در این مورد نوشت: در سیاست منفعلانه براون و تاثیر پذیری او از آمریکا که در پی بحران اقتصادی خود را به بهترین شکل نشان داد، سبب شده تا این سیاستمدار از کمترین اقبال عمومی برخوردار باشد. گاردین نیز با انتشار مقاله ای در این زمینه مدعی شده که علاقه مردم انگلستان به تدریج نسبت به نخست وزیرشان کم شده و حتی حامیان وی نیز پشتش را خالی کرده اند. این روزنامه مدعی شده که فروش اندک کتاب براون در نخستین نوبت چاپ یکی از ادله این فرضیه است و براون با تمام تلاش هایش در حل بحران اقتصادی جهان نتوانسته محبوبیت خود را در انگلستان افزایش دهد.

فروش فوق العاده کم کتاب براون موجب شگفتی رسانه های انگلیسی شده و بازتاب گسترده ای در میان نشریات و روزنامه های انگلستان داشته است. سیاست های نادرست و به عبارتی 'یک بام و دو هوای دولت هازا سوی دیگر انتقاد روبرتوساویانو ایتالیایی را برانگیخت. این نویسنده که چندی قبل با رمانش اسرار گروه های مافیایی و ارتباط آنها با دولت های اروپایی را فاش کرد، با تهدید این گروه ها روبه رو شد. این تهدید به هیچ وجه با حمایت دولت های اروپایی همراه نبود، چنانچه روبرتو ساویانو مجبور به سفر به آمریکا شد. اما دولت این کشور اعلام کرد که قادر به تامین امنیت این نویسنده ایتالیایی نیست. روبرتو ساویانو که از وضعیت امنیتی چندان مساعدی بهره نمی برد، در آخرین اظهار نظر خود از مواضع متناقض کشورهای اروپایی در برابر موضوع مواد مخدر به شدت انتقاد کرد. این انتقاد ساویانو به دلیل پذیرش سرمایه گذاری های مافیا در بانک های اروپایی است. ساویانو که هم اکنون در پاریس به سر می برد در مراسم اتحادیه مبارزه با مواد مخدر 'سخنرانی کرد. وی در مورد حمایت های پنهان و آشکار دولت های اروپایی از تجارت مواد مخدر گفت: 'مافیای ایتالیا به تازگی نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار در بانک های اروپایی همچون بانک های سوئیس، موند کارلو و لوکزامبورگ سرمایه گذاری کرده است و سوال من اینجاست که اروپا در برابر این سرمایه گذاری چگونه عکس العمل نشان خواهد داد.' ساویانو از این عمل متناقض کشورهای اروپایی انتقاد کرد و گفت: نمی شود از سویی صحبت از مبارزه با مواد مخدر کرد و از سوی دیگر میلیاردها دلار سرمایه گذاری بزرگ ترین گروه تروریستی و مواد مخدر را پذیرفت.

کوشه نشینی لوکلزیو

فروش اندک کتاب های لوکلزیو از دیگر اخبار مطرح در هفته گذشته بود. این نویسنده حتی با نوبلی که دریافت کرد، نتوانست آرای عمومی را به خود جلب کند. فروش فوق العاده رمان 'کجا بریم بابا؟' نوشته ژان لویی فورنیه فرانسه و پیشی گرفتن آن از 'شعر گرسنگی' رمان جدید ژان ماری گوستاو لوکلزیو

موجب شگفتی رسانه های ادبی فرانسه شده است. منتقدان ادبی فرانسه این رمان لوکلزیو را فاقد ارزش های ساختاری دانسته اند و معتقدند که هیچ حرف تازه ای به خوانندگان عرضه نکرده است. اهدای جایزه معتبر ۱۰ میلیون کرون نوبل ادبیات سال ۲۰۰۸ به لوکلزیو پیش از این نیز موجب اعتراض تعدادی از منتقدان فرانسوی و رسانه های جهان شده بود.

در گذشت موسس جایزه کتاب انگلستان و نویسنده فرانسوی

فرد نیومن، ناشر، منتقد، نویسنده و مؤسس جایزه کتاب انگلستان، ژان مارکال نویسنده، زبان شناس و اسطوره شناس فرانسوی و دونالد فینکل شاعر آمریکایی از جمله درگذشتگان هفته گذشته بودند. فرد نیومن که از چهره های سرشناس ادبیات این کشور به حساب می آید در ۷۶ سالگی درگذشت. نیومن ۷۶ سال پیش در منفرد نومن شهر وین به دنیا آمد، اما در کودکی و همزمان با حکومت نازی ها در آلمان به همراه خانواده به انگلستان رفت.

خانواده نیومن در مهاجرت به انگلستان با مشکلات زیادی مواجه بودند و حتی مادر نیومن مجبور شد برای آزادی همسرش از اردوگاه دشمن به یک افسر ارتش رشوه بدهد. فرد نیومن در لندن و سپس در ولز بزرگ شد و در نهایت در آکسفورد در رشته زبان های مدرن تحصیل کرد و سپس به روزنامه نگاری روی آورد. وی چندی سردبیر نشریه دانشجویی چرویل شد و با فارغ التحصیلی خبرنگار شد و در نشریات معتبر انگلستان قلم زد. وی همچنین در سال ۱۹۶۷ مدتی را در دانشگاه سوسکس گذراند و در آخرین سالیان سال های ۱۹۷۰ به همراه یکی از دوستان دوران جوانی اش در آکسفورد انتشارات معروف 'های مارکت' را تأسیس کرد. وی سپس در حوزه نشر کتاب و ادبیات انگلستان به چهره سرشناسی تبدیل شد و جایزه کتاب انگلستان را تأسیس کرد. ژان مارکال که منتقدان به خاطر تخصص اش در

دیوید مالوف، برنده نخستین جایزه ادبی آسیا - استرالیا

هیئت داوران جایزه ادبی آسیا - استرالیا که اولین دوره برگزاری خود را پشت سر گذاشت، دیوید مالوف را برای مجموعه داستان کوتاه 'داستان های کامل'، برنده این جایزه معرفی کرد. این جایزه به ارزش ۱۱۰ هزار دلار کران قیمت ترین جایزه ادبی استرالیا به شمار می رود و به نویسندگانی تعلق می گیرد که ساکن آسیا یا استرالیا هستند. مالوف ۷۱ ساله داستان هایی از مجموعه داستان های قبلی خود را در این کتاب جدید گردآوری کرده است. او تاکنون هشت رمان، شش مجموعه شعر و چندین نمایش نامه نوشته است. وی در سال ۱۹۹۳ با کتاب 'به یاد بابیلون' موفق به دریافت جایزه ادبی ایمپک دوبلین شد و تا آستانه دریافت جایزه بوکر نیز پیش رفت. آخرین رمان او به نام 'آزادی گروگان'، بهار آینده منتشر خواهد شد. جی. ام. کوئزلی - نویسنده آفریقایی برنده نوبل - با کتاب 'خطرات یک سال نحس'، هاروکی موراکامی - نویسنده پرآوازه ژاپنی با کتاب 'پس از تاریکی' - و محسن حمید از چهره های سرشناس نامزد این جایزه بودند.

معرفی برندگان جایزه گاورنر جنرال

هیئت داوران جایزه گاورنر جنرال به عنوان معتبرترین جایزه ادبی کانادا، برندگان سال ۲۰۰۸ خود را در ۱۴ بخش فرانسه و انگلیسی زبان اعلام کرد و نینو ریچی - نویسنده کانادایی - برای دومین بار جایزه بهترین اثر داستانی انگلیسی زبان از جوایز گاورنر جنرال کانادا را به خود اختصاص داد. در بخش انگلیسی زبان، نینو ریچی برای کتاب 'اصلیت نژادها' موفق به دریافت جایزه ۲۵ هزار دلاری بهترین اثر داستانی شد. وی در سال ۱۹۹۰ نیز برای اولین کتاب خود 'زندگی های شیاطین' جایزه گاورنر جنرال را دریافت کرده بود. در این بخش، راوی هیج - نویسنده سرشناس برنده جایزه ایمپک دوبلین - نیز با کتاب 'سوسک' حضور داشت. در بخش ادبیات کودک جایزه گاورنر جنرال، فرود نوشته جان ایبیتسون جایزه سال ۲۰۰۸ را دریافت خواهد کرد. همچنین در بخش شعر، جاکوب چیسر برای کتاب 'بیشتر ما را گرم نگه دار' اثر برتر انتخاب شد. در بخش نمایش نامه، کاترین بانکر برای 'قفس استخوانی' انتخاب اول هیئت داوران نام گرفت.

در بخش ترجمه نیز لاوردر رهندلر برای ترجمه انگلیسی کتاب 'نیکولسکی' نوشته نیکولاس دیکنر، این جایزه را به خود اختصاص داد. جایزه ادبی گاورنر جنرال همچنین در بخش فرانسه زبان در شش زمینه، برندگان خود را به این شرح معرفی کرد: مجموعه شعر: (میشل پلو) و ادبیات کودک (سیلوی دسروسیه) - تصویرگری کتاب کودک (ژانینس نادو) و ترجمه (کلر چابالیر و لوییس چابالیر). مراسم اعطای جوایز به برگزیدگان روز دهم دسامبر برگزار خواهد شد.

«بوک تراست»

برای پاتریک نس

جایزه کتاب 'بوک تراست' انگلستان برای بهترین اثر ویژه کودکان و نوجوانان به پاتریک نس برای اولین کتابش برای کودکان تعلق گرفت. نس با کتاب 'چاقوی بازدارنده' در حالی با کنار زدن پنج نامزد دیگر توانست این جایزه پنج هزار دلاری را به دست آورد که آنتونی مک گوان - برنده پیشین جایزه - با کتاب 'چاقویی که مرا کشت'، سرشناس ترین نامزد بود. این اولین کتابی است که نس برای کودکان نوشته است. او پیش از این، یک مجموعه داستان کوتاه و یک اثر داستانی برای مخاطبان بزرگسال نوشته بود.

حوزه تمدن سلتی به وی لقب 'شاه مارک اسطوره سلط' داده بودند. در سن ۸۰ سالگی درگذشت. مارکال همچنین در حوزه شناخت زبان سلتی و فرهنگ و سنن این ملت کارشناس برجسته ای بود و در طول عمر خود کتاب های متعددی در این حوزه منتشر کرد. وی در همین حوزه در طول زندگی خود ۱۰۲ اثر ارزشمند ادبی، پژوهشی و فرهنگی منتشر کرد. ژان مارکال همچنین به دوران سلطنت شاه آرتور علاقه مند بود و چندین و چند کتاب و یک دایرةالمعارف در این حوزه منتشر کرد. کلر فورنیه نویسنده فرانسوی و دوست صمیمی ژان مارکال با اعلام خبر درگذشت وی به خبرگزاری فرانسه، درباره وی گفت: 'باید بیش از پیش به تمدن سلتی توجه کرد و تعدادی از نخبگان فرانسه از جمله ژان مارکال در این حوزه گام برداشته اند و راه را آسان کردند.' ژان مارکال ۲۳ ساله سال ۱۹۲۸ در پاریس به دنیا آمد. پدر و مادری انگلیسی داشت و نام واقعی اش ژاک برتراند بود.

سکوت شعرهای خوش آهنگ

دونالد فینکل که در اعتلای شعر معاصر آمریکا نقش بسزایی داشت در ۷۹ سالگی در 'سنت لوئیس' این کشور درگذشت. وی در سال های پایانی عمر خود به آلزایمر مبتلا بود و ۱۵ نوامبر نیز بر اثر کهولت سن و آلزایمر دار فانی را وداع گفت.

وی از چهره های شعر معاصر آمریکا بود و به گسترش و پرورش آن در ادبیات معاصر آمریکا بسیار کمک کرد. وی سال های در دانشگاه واشنگتن در سنت لوئیس استاد دانشگاه بود و از سال ۱۹۶۰ کارش را در این دانشگاه شروع کرد. بسیاری از اشعار این شاعر آمریکایی در نیویورک معتبرترین نشریه ادبی آمریکا منتشر شده و مورد استقبال قرار گرفته است. این شاعر در طول زندگی خود ۱۴ مجموعه شعر منتشر کرد که از میان آنها 'سیمون' در سال ۱۹۶۴، 'صدای خوش آهنگ' در سال ۱۹۶۶ و 'جنگ آشغال ها' در سال ۱۹۷۰ بسیار مورد توجه قرار گرفت.



عدالت در نهج البلاغه

مصطفی دلشاد تهرانی: نهج البلاغه پژوه

انتشارات دریا این روزها در تدارک است تا کتابی از مرا با عنوان زینت شناسی خودکامگی در نهج البلاغه به بازار عرضه کند. این کتاب ضمن ارائه مقدمه‌ای کوتاه در شش فصل به تعریف و مفاهیم خودکامگی، بیماری شناسی، نشانه‌شناسی، درمان شناسی، نمونه‌شناسی و کارکردشناسی خودکامگی براساس نهج البلاغه می‌پردازد چرا که میحت خودکامگی مقوله‌ای جدی در نهج البلاغه است در واقع خودکامگی به عنوان مهم ترین و جدی ترین بیماری فردی، اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود که اگر جدی گرفته نشود، جوامع و حکومت‌ها را گرفتار خود می‌کند. در نهج البلاغه علاوه بر این که خودکامگی به عنوان حادثترین بیماری معرفی شده است، راهکارهای مناسب برای معالجه و درمان آن نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

کتاب دیگر که عنوان "ساختارشناسی عدالت در نهج البلاغه" را روی جلد دارد نیز طی ماه‌های نه چندین دور از سوی انتشارات دریا روانه بازار می‌شود. از گذشته تا به حال معمولاً نگاه تکه تکه‌ای به عدالت شده است در حالی که عدالت مفهومی گسترده دارد و برای تحقق آن در نهج البلاغه از چهار منظر آزادی، اخلاق، حقوق و قانون به این موضوع نگاه شده است که به نوعی عدالت با آنها گره خورده است. علاوه بر این در کتاب مذکور، عدالت در حوزه فردی، اجتماعی، سیاسی، مدیریتی و ... نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

هواشناسی عمومی

بهرام معلمی: علم پژوه

انتشارات مازیار این روزها در تدارک انتشار کتاب‌هایی علمی با محوریت درک عمومی برای مخاطب عام با عنوان "در قلمرو علم است که من نیز هم اکنون دو کتاب علمی را در این حوزه در دست انتشار دارم. کتاب نخست که عنوان "باد چرا می‌وزد؟" را بر روی جلد دارد نگاهی عمومی به مسائل عمده هواشناسی از قبیل مفاهیم کلی هوا و اقلیم شناسی تا جریانات امروزی مربوط به آن در موضوعاتی چون گرمایش جهانی، تغییرات آب و هوایی، توفان کاترینا و ... دارد. پیش از این تنها چند عنوان کتاب هواشناسی در سطوح و مقاطع مختلف دانشگاهی تالیف شده بود اما نیاز به منبعی عمومی برای آگاهی از هواشناسی محسوس بود که همین موضوع باعث شد در صدد نگارش این کتاب برآیم.

آینشتین به آرایشگر خود چه گفت؟ عنوان کتاب دیگر که در آینده‌ای نزدیک از سوی نشر مازیار روانه بازار می‌شود. در واقع در این کتاب چندین پرسش و پاسخ علمی بدون ارائه فرمول‌های دشوار به منظور درک عمومی ارائه شده است.

بانو

منیژه آرمین: داستان نویس

انتشارات نکا به تازگی کتاب آن روز که عمه خورشید مرد را روانه بازار کرده است. در عین حال جلد دوم رمان چهارگانه‌ای را با عنوان کسوف در دست نگارش دارم که جلد نخست آن عنوان "شب و قلندر" را روی جلد دارد. این رمان چهارگانه در جلد اول به پس زمینه تاریخ معاصر ایران از اواخر سلسله قاجاریه تا استقرار مشروطیت می‌پردازد. جلد دوم نیز از دوران مشروطه تا سال ۱۳۲۰ را دربرمی‌گیرد و جلد‌های دیگر آن نیز به ترتیب تا سال ۱۳۵۷ و از پیروزی انقلاب اسلامی تا عصر حاضر را شامل می‌شود. از آنجا که جلد نخست این رمان

چهارگانه از سوی انتشارات سوره مهر به بازار عرضه شده است، سایر جلد‌ها نیز از سوی همین انتشارات روانه بازار خواهد شد. در جلد دوم این کتاب در واقع به روند پدید آمدن یک قشر روشنفکر در قالب رمان پرداخته شده است که اکثر قهرمانان داستان را اقصاری چون هنرمندان، روزنامه‌نگاران و ... تشکیل می‌دهند که در آن به شکل‌گیری رویدادهای سیاسی و تاثیر آن بر رفتارهای اجتماعی پرداخته شده است.

کتاب دیگر که احتمالاً عنوان "بانو" را بر جلد خواهد داشت، رمانی است که به زندگی یک زن می‌پردازد و بیش از هر چیز مسائل عاطفی و حالات روحی زنان و مشکلات پیش روی آنها را مدنظر قرار می‌دهد که البته بافت آن تا حد زیادی برایم ملموس بود و نیازی به تحقیق و پژوهش گسترده نداشتم که فکر می‌کنم تا پایان سال به بازار عرضه شود.

روش شناسی آموزش قرآن کریم

دکتر ابو الفضل خوش منش: قرآن پژوه

"حمل قرآن، پژوهشی در روش شناسی تعلیم قرآن" عنوان کتابی است که طی ماه‌های نه چندین دور از سوی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به بازار عرضه می‌شود.

این کتاب وقایع دوران نزول قرآن بر پیامبر اکرم (ص) و چگونگی تعلیم قرآن به وسیله ایشان به صحابه را دربر گرفته و تغییرات و انحرافات که به تدریج تا عصر حاضر در آموزش قرآن ایجاد شده را تبیین می‌کند. کتاب مذکور، آموزش قرآن را از چهار منظر قرآن، روش پیامبر و اهل بیت (ع)، دانش امروز بشری و دیدگاه تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد. این کتاب که حجمی بیش از ۴۰۰ صفحه را دربرمی‌گیرد مشتمل بر ۲۸۰ منبع فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه است که بخشی از آنها را طی مطالعات و تحقیقاتی که در کشورهای خارجی داشتم گردآوری کرده‌ام.

کتاب دیگر که عنوان احتمالی "دعوت بیداری و همبستگی ایمانی در دو سده اخیر" را بر روی جلد دارد به وضعیت اعتقادی و ایمانی کشورهای جهان به ویژه مسلمانان طی ۲۰۰ سال گذشته و بیداری اسلامی می‌پردازد که در آن به معرفی چند چهره شاخص بیدارگر قرآنی، دیدگاه‌های آنها و تحولاتی که در مکتب قرآن ایجاد کردند، پرداخته‌ام. این تحولات در زمینه‌های اجتماعی، حقوق فردی و جمعی، اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و ... در نقاط مختلف دنیا و آثار و برکات بیداری قرآنی مورد بررسی قرار گرفته که برای تدریس آن از ۳۹۹ منبع خارجی و فارسی بهره برده‌ام. کتاب مذکور طی ماه‌های نه چندین دور از سوی انتشارات بوستان کتاب قم روانه بازار می‌شود. باید بگویم که هر دو کتاب برای دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های علوم قرآن و حدیث تالیف شده است.

"ریشه‌ها و خوشه‌ها" عنوان کتاب دیگری است که به ریشه‌های واژگان قرآنی و اشتقاقیات و انشعاباتی که به تدریج بر واژگان قرآن طی قرون گذشته ایجاد شده، می‌پردازد که برخی براساس تغییرات لغوی شکل گرفته و باریشه‌های اصلی واژه‌های قرآن فاصله زیادی پیدا کرده است. در این کتاب تا آنجا که نیاز بوده به ریشه‌های قرآنی در قالب هزاران واژه در زبان‌های مختلف پرداخته شده البته هنوز ناشری برای عرضه این کتاب به بازار انتخاب نکرده‌ام.

چشم اندازهای شعر کودک

شهرام رجب زاده: شاعر و مترجم

هم اکنون دو مجموعه شعر از ساموئل مارشاک؛ شاعر روس را در دست انتشار دارم که تاکنون اثر شاخصی از این شاعر در ایران ترجمه نشده بود. مجموعه اول "مهمانی رنگ‌ها" و مجموعه دوم نیز عنوان "پسری که نمره تک گرفت" را بر روی جلد دارد. هدف از ترجمه این دو مجموعه، ارائه چشم‌اندازها و تجربه‌های جهانی ادبیات کودک و نوجوان و آشنایی قشر کودک جامعه با آن است. مجموعه اول یک شعر بلند اپیزودیک است که قشر کودک، مخاطبان اصلی آن را تشکیل می‌دهند و مجموعه دوم نیز مشتمل بر اشعار گوناگونی با حال و هوا فضاهای متنوعی از عنصر خیال و طنز است. این مجموعه طی آینده‌ای نه چندین دور از سوی نشر نخستین روانه بازار خواهد شد. در عین حال مجموعه‌ای ۱۲ جلدی در حوزه ترجمه را برای کودکان و نوجوانان در دست انتشار دارم که عنوان "شخصیت

خوب و مثبتی داشته باشیم" را بر روی جلد دارد. این مجموعه رفتارشناسی، رفتارهای اجتماعی و روان‌شناسی کودک و نوجوان را در قالب ۱۲ مجموعه مجزا و در موضوعاتی چون صبر، همکاری، ملاحظه، تعهد، صمیمیت، دوراندیشی، احترام و محبت مورد بررسی قرار می‌دهد که دیدگاه آن با نگاه‌های الگویی در کتاب‌های آموزشی داخلی متفاوت است چرا که در حوزه کتاب‌های آموزشی داخلی به اخلاق فردی پرداخته می‌شود، در حالی که در این مجموعه، رفتارهای اجتماعی بیشتر مدنظر است. کتاب مذکور طی آینده‌ای نزدیک از سوی نشر پنجره به بازار عرضه خواهد شد.



داوود غفرازادگان



مصطفی دلشاد تهرانی

"احساسات کوچک" عنوان مجموعه دیگری در حوزه ترجمه در ۱۲ جلد است که خردسالان را مخاطب قرار داده و به آموزش موضوعاتی چون احساس یعنی چه؟ شاد یعنی چه؟ و ... به آنها می‌پردازد. انتشارات ذکر در تدارک است تا کتاب مذکور را طی ماه‌های نه چندین دور روانه بازار کند.

امروز و دگروز

داوود غفرازادگان: داستان نویس

"بی‌نام اعترافات" عنوان رمانی است در حوزه بزرگسال که حجمی بیش از ۳۰۰ صفحه را دربرمی‌گیرد به شکل متفاوت تری نسبت به رمان‌های قبلی‌ام نگاشته شده که به احتمال قوی طی ماه‌های نه چندین دور از سوی نشر روزنه به بازار عرضه خواهد شد.

در عین حال نشر افق در تدارک است که مجموعه‌ای سه‌گانه در خصوص ادبیات کلاسیک از مرا روانه بازار کند مجموعه اول عنوان "به رنگ طاووس به رنگ کلاغ" را بر روی جلد داشته و اندیشه‌ها و آثار ابوسعید ابوالخیر را مورد بررسی قرار می‌دهد. مجموعه دوم هم که "ناز و نیاز" نام گرفته، به بررسی آثار و اندیشه‌های شمس تبریزی می‌پردازد و مجموعه سوم نیز که "امروز و دگر روز و سوم روز" نام گرفته به اندیشه‌ها و آثار عطار نیشابوری خواهد پرداخت.

پژوهش در شهر

دکتر رحمت الله صدیق سروستانی: جامعه شناس

"نظریه‌های اجتماعی شهر" عنوان کتابی در حوزه ترجمه است که انتشارات دانشگاه پیام‌نور در تدارک است تا طی ماه‌های نه چندین دور آن را روانه بازار کند. تاریخچه شهر، جامعه شمال شهرنشینی و سرمایه اجتماعی، تصاویر شهر، جرم و شهرنشینی، انواع شهر، شهر ملی و جهانی، سیاست و شهر، حرفه‌های شهری، مسکن، شهروندی، جامعه، خانواده و جنسیت از موضوعات عنوان شده در کتاب مذکور است که مهم ترین ضرورت ترجمه آن، کمبود منبع پژوهشی در این حوزه بود. کتاب دیگر که عنوان "جامعه‌شناسی شهری" را بر روی جلد دارد نیز طی آینده‌ای نه چندین دور از سوی انتشارات دانشگاه پیام‌نور به بازار عرضه می‌شود. این کتاب موضوعاتی چون نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری و انواع آن، مشکلات حاشیه شهر، وضعیت نابرابری اجتماعی و اقتصادی در شهر، معماری شهری، روش تحقیق شهری و تفاوت آن با روش‌های تحقیق روستایی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

"جامعه‌شناسی صنعتی" عنوان کتاب دیگری است که نگارش آن رو به پایان است و به احتمال قوی تا پایان سال جاری از سوی انتشارات سمت به بازار عرضه خواهد شد. مفهوم صنعت و جامعه صنعتی، صنعت گرایی، صنعتی شدن جوامع از انقلاب صنعتی تا وضعیت موجود، ویژگی‌های ساختاری جامعه صنعتی از منظر انرژی، فناوری، تولید و توزیع انبوه، تحولات صنعتی، نظام ارزشی، تاثیر اخلاق در صنعت و ارتباط صنعت با ابعاد اجتماعی، دوران فراصنعتی، آینده جامعه صنعتی و ... از مباحث مورد بررسی در این کتاب است که برای دانشجویان مقاطع لیسانس و فوق لیسانس تالیف شده است.



رحمت الله صدیق سروستانی



منیژه آرمین